

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# فرات تا فرات

دفتر دوم

مرکز تخصصی مهدویت



مرکز تخصصی مهدویت



زیارت کمال حضرت نبی اکرم

## فرا ت فا فرات (۲)

مؤلف/ جمعی از نویسندگان

ویراستار/ زینب احمدیان

صفحه آرا/ رضا فریدی

شمارگان/ هزار نسخه

نوبت چاپ/ ششم، پاییز ۱۳۹۲

بها/ ۵۰۰۰ تومان

### مراکز پخش:

○ قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان/ ص.پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۷ و ۱۱۶)/ ۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش)/ ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت)/ فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

○ تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام/ تلفن: ۸۸۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۱۳۸۹/ ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

○ [www.mahdi313.com](http://www.mahdi313.com)

شابک دوره: ۶-۴۴-۷۴۲۸-۹۶۴-۹۷۸

## فهرست مطالب

فطرت، عاشورا و انتظار.....	۹
□ آیت الله محیی‌الدین حائری شیرازی.....	۹
جایگاه جامعهٔ آرمانی در چشم‌انداز عاشورا و انتظار.....	۱۷
□ حجت الاسلام و المسلمین سید محمد مهدی میرباقری.....	۱۷
اهداف انقلاب حسینی و انقلاب مهدوی.....	۲۷
□ حجت الاسلام و المسلمین سید معزالدین حسینی.....	۲۷
انتظار و تربیت نیرو.....	۳۳
□ حجت الاسلام و المسلمین مهدی طائب.....	۳۳
تفسیر ارگانیک از عاشورا و غیبت.....	۴۱
□ دکتر سیدرضی موسوی گیلانی.....	۴۱
دو قیام حق طلبانه.....	۶۱
□ حجت الاسلام و المسلمین رحیم کارگر.....	۶۱
دلایل پیوند عاشورا و انتظار.....	۸۹
□ حجت الاسلام و المسلمین امان‌الله شفاعی.....	۸۹
درس‌های عاشورا برای منتظران.....	۱۲۳
□ حجت الاسلام و المسلمین محمد مهدی حائری پور.....	۱۲۳
زن در آینهٔ قیام حسینی و قیام مهدوی.....	۱۳۱
□ حجت الاسلام و المسلمین عباس خادمیان.....	۱۳۱
بررسی سندی زیارت ناحیهٔ مقدسه.....	۱۵۱
□ حجت الاسلام و المسلمین نجم‌الدین طبسی.....	۱۵۱
سوگوارهٔ امام مهدی <small>علیه السلام</small> .....	۱۷۹
□ حجت الاسلام و المسلمین محمدرضا فؤادیان.....	۱۷۹

## مقدمه

میان عاشورا و انتظار، پیوندی نا گسستنی است .

سال ها و قرن ها از زمان استغاثه غریبانه امام حسین علیه السلام می گذرد؛ اما انعکاس آن، هنوز، در لحظه لحظه های تاریخ، ساری و جاری است. این فریاد، نه تنها رو به خاموشی و افول نگذاشته؛ بلکه با صلابتی روزافزون، مایه جوشش و خروشی آزادگان عالم است؛ تا آن زمان که مهدی علیه السلام از راه برسد و این راه آغاز شده را تا تحقق کامل وعده های الهی، امتداد دهد.

او خواهد آمد تا ندای امام حسین علیه السلام و تمام انبیا و اولیای الهی را پاسخ گوید؛ پرچم بر زمین مانده شان را بر دوش گیرد؛ داغ های کهنه شان را التیام بخشد و بر آرمان های بلندشان، لباس تحقق بپوشاند.

در حقیقت، «انتظار»، نگاه سبز شیعه است به افق سرخ کربلا؛ چرا که «عاشورا»، انتظار بر آمده شیعه است و «انتظار»، عاشورای بر آورده شده شیعه.

پس، امروز کسانی می توانند همراهی حسین علیه السلام را آرزو کنند و ندای «یا لیتنی كنت معكم، فافوز فوزاً عظيماً» بر آرند که در زمانه غیبت، عامل به

وظایف خویش باشند که بی‌تردید، آن‌که «هل من ناصر» مهدی علیه السلام را پاسخ بگوید، ندای حسین علیه السلام را لبیک گفته است.

در این میان، وظیفه اندیشمندان، محققان، مبلغان و تمام مشتاقان فرهنگ حسینی، در زمینه‌سازی ظهور امام عصر علیه السلام، سنگین‌تر از دیگران است. مجموعه حاضر، در پاسخ به اقبال چشم‌گیر مخاطبان، به کتب و مقالات پیشین بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام به زیور طبع آراسته شده است. آنچه فراروی خوانندگان اندیشمند است دفتر دوم مقالاتی است که از نویسندگان و پژوهشگران معزز در طی فراخوان مرکز تخصصی مهدویت و در ضمن همایشی که در سال ۱۳۸۵ در دارالشفای حوزه علیمه قم برگزار شد، گرد آمد که امید است، یاری‌گر منتظران امام عصر علیه السلام و دست‌مایه‌ای هر چند اندک و ناقص، برای مبلغان و دیگر مشتاقان حضرتش گردد؛ تا چه پسند افتد و در نظر آید...

در انتها، شایسته است از زحمات جناب حجت الاسلام و المسلمین ناصر شهیدی که مسئولیت گردآوری و تدوین مقالات را بر عهده داشتند، تشکر نماییم.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

مرکز تخصصی مهدویت





---

## فطرت. عاشورا و انتظار\*

---

□ آیت الله محیی الدین حائری شیرازی\*\*

خداوند متعال، در بسیاری از آیات قرآن کریم، صراحتاً به اهل بیت علیهم السلام و فضایل و مناقب ایشان اشاره کرده است. اما طبق فرموده حضرات معصومین علیهم السلام، نه تنها همین تعداد، که تمامی آیات قرآن، پیرامون اهل بیت علیهم السلام و دشمنان ایشان است. حال، این که بتوان دریافت که هر آیه، چه ارتباطی با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله یا دشمنان آنها دارد، خود، نکته ظریفی است.

سوره جمعه، از جمله سوره‌هایی است که در نظر اول، شاید نتوان ارتباط آن را با اهل بیت علیهم السلام دریافت؛ اما با بررسی دقیق‌تر، این ارتباط، کاملاً روشن می‌شود. در این سوره، پس از آیه اول که تسبیح خداوند

---

\*. متن حاضر تلخیص سخنرانی حضرت آیت الله حائری در مرکز تخصصی مهدویت است.

\*\* استاد حوزه و نماینده ولی فقیه در استان فارس.

است، می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ...»<sup>۱</sup>؛ «اوست که در میان مردم بی‌سواد، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند...». این آیه، در شأن دوستان اهل بیت است که برخی از آنان- مانند ایرانیان- هنوز، مسلمان نشده اند: «وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»<sup>۲</sup>؛ «و آنان، پیش از این در گمراهی آشکاری بودند» و در آیه بعد به این مسئله اشاره می‌فرماید که مسلمان واقعی شدن و قرار گرفتن در محور ولایت کار آسانی نیست و منوط به فضل خداوند است: «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»<sup>۳</sup>؛ «این فضل خداست که آن را به هر کس بخواهد عطا می‌کند، و خدا صاحب فضل بزرگ است».

در آیه بعد می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا...»<sup>۴</sup>؛ «وصف کسانی که عمل کردن به تورات، بر آنان تکلیف شد و به آن، عمل نکردند، مانند درازگوشی است که کتاب‌هایی را [که هیچ آگاهی نسبت به محتویات آن‌ها ندارد] حمل می‌کند». در این آیه، ظاهراً خطاب با اهل تورات است، اما ما معتقدیم که خطابات قرآن، مصداق این مثل است که «به در

۱. سوره جمعه؛ آیه ۲.

۲. سوره جمعه؛ آیه ۲.

۳. سوره جمعه؛ آیه ۴.

۴. سوره جمعه؛ آیه ۵.

می‌گویند، تا دیوار بشنود! چرا که بی‌تردید، کسی که قرآن را می‌پذیرد، اما به مضامین و مفاد آن، عمل نمی‌کند نیز، مصداق این آیه خواهد بود. از این رو، مشخص می‌شود که این آیه در شأن دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام است که با نپذیرفتن ولایت معصومین علیهم‌السلام - که یکی از دستورات صریح قرآن است - مصداق «لَمْ يَحْمِلُوهَا» شده‌اند. این موضوع، در ادامه آیه، نمود بیشتری دارد. آن‌جا که می‌فرماید: «بُئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ»؛ «چه بد است سرگذشت مردمی که آیات خدا را تکذیب کردند. و خدا ستمکاران را هدایت نمی‌کند».

دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام، در واقع آیات بزرگ خداوندی را تکذیب کرده‌اند؛ چراکه ایشان، آیت کبرای الهی و نباء عظیم هستند. این عدم پذیرش نیز به جهت تکبر آنان است و می‌دانیم که تکبر، ریشه در ظلم و تجاوز از حدود بندگی دارد. از این رو، خداوند در ادامه می‌فرماید: «وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ».

این‌گونه است که می‌فرمایند سراسر قرآن در شأن اهل بیت علیهم‌السلام و مخالفین ایشان، نازل شده است. امام خمینی رحمه‌الله نیز با جمله «قرآن، کتاب انسان‌سازی است»، در واقع به همین موضوع، اشاره دارند؛ چراکه انسان دو بُعد دارد: بُعد نورانی و بُعد ظلمانی. اهل بیت علیهم‌السلام، مصداق اتم نورانیت انسان و دشمنان ایشان، نمود عینی ظلمت هستند.

این ظلمت از نفس اماره نشأت می‌گیرد و از آن‌جا که تمامی

انسان‌ها، دارای این نفس هستند، خطر آن نیز عمومی است. با وجود نفس اماره، همه ما استعداد تبدیل شدن به فرعون و معاویه و یزید را داریم. بنابراین اگر حسن ظنّ بی‌جا به خود داشته باشیم، در واقع، خود را به هلاکت انداخته‌ایم. خطر نفس، به اندازه‌ای جدی است که حتی حضرت یوسف علیه السلام، نیز از شر آن، به خدا پناه می‌برد.<sup>۱</sup> ایشان، هم‌چنین، کسانی را که به نفس خود اعتماد می‌کنند، «جاهل» خوانده است.<sup>۲</sup> جاهل در این‌جا، به معنای بی‌سواد نیست؛ بلکه معنای آن، در تقابل با عاقل است؛ یعنی کسی که عقل فطری خود را به کار نمی‌گیرد؛ که این عقل و جهل نیز، در واقع، نمودی از دو بُعد نورانی و ظلمانی بشر است.

امام زمان علیه السلام مانند تمامی معصومین علیهم السلام، مظهر کامل عقل است؛ لذا زمانی ظهور خواهد کرد که عقل، بر جهان، حاکم شده باشد و جهانیان، با ایشان، سنخیت پیدا کرده باشند: «... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...»<sup>۳</sup>؛ «خداوند، سرنوشت هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند».

۱. «وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ». سورة یوسف؛ آیه ۵۳.

۲. «قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ». سورة یوسف؛ آیه ۳۳.

۳. سورة رعد؛ آیه ۱۱.

در لسان روایات نیز به این موضوع اشاره شده است. در کتاب *منتهی الآمال*، نقل شده است که معصوم، در جواب سؤال شخصی که از زمان ظهور پرسیده بود، فرمودند: «وقتی وفا در مردم، زیاد بشود؛ ظهور اتفاق می‌افتد». وفا نیز حاصل و نتیجه عقل و فطرت است. بنابراین تا هنگامی که نفس و جهالت ناشی از آن، بر فطرت انسانی غلبه دارد، حتی اگر با هزار دلیل، امام معصوم بر او عرضه شود، او را رها خواهد کرد و به سراغ هم‌سنخ خود، خواهد رفت.

اما، عصر حاضر، عصر بروز فطرت است. حتی در کشورهای اروپایی و آمریکایی نیز، بروز و ظهور فطرت، اتفاق افتاده است. به امثال بوش و بلر نگاه نکنید؛ جمع‌کشی از آن‌ها، جزو این دسته نیستند. اگر با ملاکی که معصومین، برای تشخیص انسانیت افراد، به ما داده‌اند، آن‌ها را بسنجیم، متوجه می‌شویم که آن‌ها به فطرت خودشان رجوع کرده‌اند. در روایات آمده است: «لاتنظروا الی طول رکوع الرجل و سجوده... و لکن انظروا الی صدق حدیثه و اداء امانته<sup>۱</sup>». در کشورهای اروپایی، صدق گفتار و حسن امانت را می‌توان دید. حتی صدق حدیث آن‌ها، گاهی اوقات بیشتر از ماست؛ مثلاً وقتی استاد چیزی را نمی‌داند، می‌گوید نمی‌دانم. حسن امانتشان نیز زیاد است.

اگر انقلاب‌های آنان را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که نه برای

نان، که برای آزادی و عدالت قیام کرده‌اند که این دو نیز، خواسته‌ای فطری هستند. پس باید افق را روشن، و ظهور را نزدیک ببینیم.

عاشورا نیز مرتبه‌ای از ظهور بود؛ چراکه تا قبل از وقوع آن، مردم، کمتر به معصوم توجه داشتند و به عبارت دیگر، خانه اهل بیت علیهم‌السلام، تا آن زمان بسته بود. اما بعد از عاشورا، اوضاع تغییر کرد؛ وصف حضرت سجاد علیه‌السلام تا اقصی نقاط عالم رفت و مردم، با ایشان ارتباط پیدا کردند. پس عاشورا، ظهور امامت است.

اهل بیت علیهم‌السلام از ثمرات قیام عاشورا استفاده کردند؛ اما دست به قیامی دیگر، نزدند. این مسئله برای مردم، سؤال شده بود. از امام محمد باقر علیه‌السلام نقل شده است که عده‌ای نزد امام سجاد علیه‌السلام آمدند و از ایشان خواستند که علیه حکومت وقت، قیام کند. امام زین العابدین علیه‌السلام، در جواب اصحاب فرمودند: «کدام یک از شما، حاضر است که آتشی را در دست بگیرد و بدون کمک گرفتن از کسی، آن قدر آن را تحمل کند تا خنک شود؟». امام باقر علیه‌السلام، اعلام آمادگی کرد. امام سجاد علیه‌السلام فرمود: «منظور من، شما نبودید؛ إِنَّمَا أَنْتُمْ مِنِّي و أَنَا مِنْكُمْ». بعد از آن، تا سه بار این سؤال را تکرار کردند و در هر بار، فقط امام باقر علیه‌السلام، جواب دادند.

در واقع، حضرت، با این بیان، در صدد تفهیم این مطلب بودند که هنوز، وقت نهایی قیام، فرا نرسیده است؛ بلکه در زمان قومی خواهد بود که بتوانند آتش را در دستشان نگه دارند تا سرد شود.

در زمان انقلاب اسلامی، ساواک مثل آتش سوزان بود؛ اما مردم ما، این آتش سرخ را آن قدر تحمل کردند تا خاموش شد. اکنون هم، آمریکا و اسرائیل، مثل آتشی هستند که باید آن قدر تحملشان کرد تا رو به افول روند. بنابراین، نسل و ملت ما، مصداق همان سخن امام سجاد علیه السلام هستند.

حضرت مهدی علیه السلام نیز، قیام خود را با سیصد و سیزده نفر از کسانی که این گونه تربیت شده‌اند، شروع خواهد کرد تا نهضت جهانی خود را با یاری این عده و کمک کسانی که به آن‌ها خواهند پیوست، به سرانجام برسانند.

پس روشن شد که جریان فطرت‌گرایی که اکنون در عالم، حاکم است، محصول عاشورا است. عاشورا، جریان فعالی است که تمام مرزهای فکری را پشت سر گذارده و در تمامی ادیان و مذاهب، تأثیرگذار بوده است. علت آن نیز به ماهیت روشن جریان عاشورا بر می‌گردد؛ چرا که عاشورا صحنهٔ چیرگی حق بر باطل و غلبهٔ سفیدترین چهره‌های انسانی بر سیاه‌ترین چهره‌ها بود.

بنابراین، ظهور نیز، زمانی اتفاق خواهد افتاد که جبههٔ حق طلبی به حدی برسد که بتواند بر باطل‌گرایان، غلبه کند. ظهور، نتیجهٔ فعالیت هزار و چند صد سالهٔ جبههٔ حق است و به عبارت دیگر، نتیجه و حاصل عاشوراست.

در روایات آمده است که حضرت مهدی علیه السلام، ظهور نمی‌کنند مگر

بعد از آن که تمامی گروه‌ها به حکومت رسیده باشند تا دیگر هیچ کس نتواند ادعا کند که اگر امور به دست او می‌رسید، می‌توانست به خوبی حضرت، حکومت کند. از این روایت، این گونه می‌توان برداشت کرد که در زمان ظهور، مردم در حالی که ناکارایی حکومت‌های مختلف را دیده‌اند، با تمام وجود، پذیرای حکومت ایشان، می‌شوند.

مؤید دیگر این مطلب آن است که در جریان قیام حضرت، یهودیان، بیشترین کسانی که کشته می‌شوند و روشن است که یهود، جمعیت کمی دارد. پس اکثریت مردم، با میل و طوع، به حکومت ایشان می‌گروند.

عاشورا، سنگ بنای ظهور و تقویت‌کننده تمام نهضت‌های قبل از آن است. حضرت اباعبدالله علیه السلام، با ندای جاوید «هل من ناصر ینصرنی»، یک جریان مستمر را در طول تاریخ پایه گذارد که مجاهدان و تربیت‌شدگان این مکتب را به ناصران واقعی دین، تبدیل کرد. چنانچه، امام راحل رحمته الله می‌فرمود: «ما درصدد آزاد کردن انرژی متراکم عالم اسلام هستیم». این انرژی متراکم، همان فطرت است که آزاد کردن آن، زمینه‌ساز ظهور خواهد بود.





---

## جایگاه جامعه آرمانی در چشم‌انداز عاشورا و انتظار

---

□ حجت الاسلام و المسلمین سید محمد مهدی میرباقری\*

ارتباط میان رخداد عظیم عاشورا و مسأله مهدویت، به گونه‌ای گسترده است که می‌توان در هر بعدی از ابعاد آن، بحثی را مطرح کرد. برای مثال، می‌توان در ساحت باطنی آن‌ها سخن گفت و مسأله را از بعد عرفانی، تحلیل و تبیین کرد. چنان‌چه می‌توان از ساحت عالم انسانی به این مسأله نگریست و از ارتباط میان آن‌ها سخن گفت. همان‌گونه که در این نوشتار کوتاه، تلاش شده است تا شاید یکی از جلوه‌های این ارتباط در ساحت عالم انسانی، تبیین شود.

### جامعه‌ی آرمانی، مظهر ولایت حق

بی‌گمان، مسأله‌ی مهدویت، ناظر به جامعه‌ای آرمانی است که


همه‌ی پیامبران، در تمامی ادیان و شرایع الهی، وعده‌ی آن را به بشر داده‌اند. جامعه‌ی موعودی که بر محور ولایت ولیّ حق و انسان معصومی که دارای همه‌ی کمالات است، شکل می‌گیرد.

به نظر می‌رسد، تعبیر «معصوم»، از کسی که ولایت را در جامعه‌ی موعود در اختیار دارد، تعبیری کامل‌تر و درست‌تر از تعبیر «انسان کامل» باشد؛ زیرا اولاً، در ادبیات و فرهنگ اسلامی، معصوم، کسی است که به طور مطلق از محیط ولایت حضرت حق، خارج نمی‌شود و ثانیاً، ارتباط تنگاتنگی که میان ولایت اصلی حق تعالی و ولایت معصوم وجود دارد، با تعبیر «معصوم»، بهتر منتقل می‌گردد. معصوم، در لسان روایات، کسی است که ما شاء الله را اراده می‌کند؛ یعنی همان چیزی را می‌خواهد که خداوند اراده کرده و مشیت الهی بدان تعلق گرفته است. معصوم، در حقیقت، مفسر مقام عبودیتی است که باطن آن، ولایت می‌باشد.

بنابراین، جامعه‌ی مهدوی، جامعه‌ای آرمانی است که بر محور «ولی الله اعظم» و امام معصوم و عبد مطلق خدای متعال، شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، اگر بخواهیم عصر ظهور را در یک جمله خلاصه کنیم، می‌باید آن را «عصر تجلی عبودیت حق تعالی در گستره‌ی جهان» بخوانیم؛ زیرا عبادت امام زمان و ولی اعظم الهی است که محور عبادت در همه‌ی هستی است. در روایات نیز، این‌گونه به این معنا تصریح شده است که «بنا عبد الله و بنا عرف الله»؛ «با ماست که

خدا بندگی می‌شود و با ماست که خدا شناخته می‌گردد».

از این روست که گفته می‌شود عصر ظهور، عصر تجلی ولایت و عبودیت حق تعالی در همهٔ هستی و در همهٔ ابعاد زندگی بشر است؛ زیرا حیات طیبه و عدالت و مانند آن، همه از آثار ولایت حق است که در عصر ظهور، تجلی کامل می‌یابد و مردم از آثار آن بهره‌مند می‌گردند.

در روایات شیعی آمده است که هنگام ظهور حضرت ولی‌الله اعظم، عالم به حیات طیبه می‌رسد؛ کفر و نمادها و آثار آن از زمین بر چیده می‌شود؛ حق، همه جا را فرا می‌گیرد و نور عدالت بر همه چیز می‌تابد.  البته همهٔ این‌ها، تجلی همان ولایت و عبودیت حضرت حق است که در عصر امام زمان علیه السلام ظهور می‌یابد. این، همان جامعهٔ آرمانی است که همهٔ پیامبران بدان وعده داده‌اند و انسان در انتظار تحقق آن است.


### فطرت، خاستگاه گرایش به جامعهٔ موعود

ناگفته نماند که ریشه و خاستگاه تمایل به این موعود، فطرت بشر است؛ زیرا اگر خدای متعال در فطرت ما میل به جامعهٔ آرمانی را قرار نمی‌داد، انگیزه‌ای برای دستیابی به آن ایجاد نمی‌شد. زمانی، دعوت به موعود و جامعه‌ی آرمانی می‌تواند در انسان انگیزه ایجاد کند که در فطرت و ذات آدمی، تمایل و گرایش به آن، وجود داشته باشد. پس، از آن جایی که انسان در فطرت خویش، متمایل به کمال و

دستیابی به جامعه آرمانی است، دعوت به چنین جامعه‌ای در وی ایجاد انگیزه می‌کند.

در مسأله توحید نیز این‌گونه است. از آن جایی که فطرت آدمی متمایل به توحید است، دعوت پیامبران موجب می‌شود که آدمی به سوی فطرت خویش گرایش یابد؛ از این رو، دعوت پیامبران، در حقیقت، بیدار کردن فطرت‌هاست.

بنابراین اگر توحید و یا گرایش به جامعه آرمانی و عدالت‌محور، در ذات و فطرت آدمی وجود نداشت، دعوت پیامبران به نتیجه نمی‌رسید.

انسان، به طور طبیعی و فطری به سوی کمال گرایش دارد و نسبت به مراحل کمال و قرب الهی، احساس تعلق می‌کند و همین احساس تعلق، موجب می‌شود که به آن جامعه آرمانی که پیامبران، وعده آن را داده‌اند گرایش یابد. بنابراین، یکی از مهم‌ترین انگیزه‌هایی که در نهاد بشر وجود دارد و او را به سوی حرکت در مسیر انبیا و تحمل سختی‌های جهاد اکبر و جهاد اصغر سوق می‌دهد، مسأله قرب الهی و دستیابی به آن است که در حقیقت، چیزی جز دستیابی به کمال مطلق و رهایی از نقص نیست. 

همان‌گونه که در مسیر تکاملی فردی، تزکیه، مجاهدات، تلاش‌ها و تحمل سختی‌ها لازم است، در مسیر دستیابی جامعه بشری به کمال نیز، جهاد باطنی و جهاد ظاهری لازم است تا جوامع، در طی

فرآیندی، به تکامل و بلوغ برسند. از این‌رو همان‌گونه که برای هر پیامبری، دشمنی بوده است: «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا»؛<sup>۱</sup> برای هر جامعه‌ای نیز، دشمنی بوده و هست که موجبات تضاد و تلاش را فراهم می‌آورد.

پس، جامعه‌ی بشری برای آن‌که بتواند از مراحل شرک و مظاهر آن عبور کند و به مرحله‌ی ظهور توحید برسد، نیازمند انگیزه است که این انگیزه، در فطرت وی وجود دارد. گرایش به جامعه‌ی آرمانی - که در آن، توحید کامل در گستره‌ی جهان هستی ظهور می‌یابد - از گرایش‌ات فطری بشر است.


### بدل‌سازی شیطان از مدل فطری

باید توجه داشت که دستگاه شیطانی، همواره بر همان مفاهیمی دست می‌گذارد که نزد انسان‌ها ارزشمند است. دشمن نمی‌تواند باطل را به مردم تحمیل کند؛ از این رو، باطل را با حق در می‌آمیزد و به مردم، عرضه می‌کند.

دستگاه شیطانی، مفاهیم ارزشی - مانند عبودیت - را که در فطرت انسان است، بر طبق میل خود، تغییر می‌دهد و به عنوان اصل، عرضه می‌کند؛ به جای آزادی واقعی، آزادی بی‌بندوباری و به جای عبودیت در توحید، عبودیت مشرکانه را بازسازی می‌کند و به

۱. سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۱۲.

مردم تحویل می‌دهد.

شیطان،  در مسأله اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان نیز، همین کار را انجام می‌دهد؛ یعنی با بهره‌گیری از گرایش فطری بشر به جامعه آرمانی، از این اعتقاد بدل‌سازی می‌کند تا جامعه را به گمراهی بکشانند.

شکی نیست که ظهور منجی آخرالزمان، وعده همه پیامبران بوده است و یکی از میثاق‌هایی که پیامبران با خدا بسته‌اند، در رابطه با اعتقاد به جامعه آرمانی و تلاش برای ایجاد آن است. حتی خداوند از پیامبران میثاق گرفته است که نسبت به وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه - به عنوان شخصی که در آخرالزمان می‌آید و یک جامعه عدالت-محور جهانی را ایجاد می‌کند- ایمان داشته باشند. اخذ میثاق از آنان، به این معناست که همه آنان و پیروان ایشان می‌بایست برای یاری چنین شخصی، آمادگی کسب کنند و برای ایجاد آن جامعه آرمانی، تلاش نمایند. این‌گونه است که همه پیامبران به عنوان تمهیدگران و آماده‌سازان جامعه مهدوی محسوب می‌شوند.

### رجعت کمالی پیامبران و اولیا

همه پیامبران، سنگ‌بنای جامعه آرمانی را -که همانا، توحید است- محکم نموده و برای گسترش آن تلاش کرده‌اند. هر کدام از آنان به نوبه‌ی خود، مقدمات ظهور آن حضرت را فراهم کرده‌اند تا این دولت مهدوی ایجاد شود.

آنان، کمال لایق و شایسته خویش را در ایجاد دولت مهدوی می‌دانستند؛ چرا که شرایط محیط و جامعه ایشان، اجازه نمی‌داد تا آنان به کمال شایسته خویش دست یابند. از این روست که مسئله رجعت، مطرح می‌شود.

در عصر ظهور، پیامبران رجعت می‌کنند تا تحت ولایت ولیّ اعظم و در جامعه توحیدمحور او، به کمال شایسته خویش، دست یابند. علاوه بر آنان، مؤمنین واقعی نیز منتظر هستند تا در جامعه آرمانی، حیات مجدد یابند و از آن، بهره ببرند. به همین جهت عصر ظهور، عصر «تحقق کلمه توحید» با محوریت ولیّ حق است و این، همان وعده الهی است که روزی، دین حق تعالی و حضور کامل ولیّ او در همه هستی، جریان یابد و انسان‌ها از آن بهره‌مند گردند.

صف‌بندی امام حسین علیه السلام در برابر لشکر یزید، اوج درگیری میان کلمه حق و کلمه باطل بود. در یک سو، رفیع‌ترین مکارم انسانی و اخلاقی ایستاده بود و در سوی دیگر، پست‌ترین صفات انسانی.


### عاشورا، گامی در تحقق جامعه آرمانی

در هیچ کجای تاریخ بشریت، تمام مکارم اخلاقی در برابر تمام رذایل اخلاقی، ظهور پیدا نکرده است؛ بلکه در عاشورا است که ولایت حق، در برابر ولایت شیطان قرار می‌گیرد تا در یک درگیری بزرگ، حق و باطل از هم جدا شوند.

امام حسین علیه السلام در کربلا، جنگی را مدیریت نمود که با هدف

ارتقای وجدان بشری و پیدایش انگیزهٔ مجدد برای مبارزه علیه باطل، شکل گرفته بود. حادثهٔ عاشورا، هم، جهاد اکبر بود و هم، جهاد اصغر؛ از این رو، در طول تاریخ، محور تهذیب اجتماعی و فردی انسان‌ها شد.

در حادثهٔ عاشورا، افراد نبودند که در برابر هم قرار گرفتند؛ بلکه امت‌های حق و باطل به مصاف هم ایستادند. از این روست که در زیارت‌نامهٔ امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، مراحل سیر تاریخ تکاملی بشر، از ابتدا تا عاشورای حسینی، بیان؛ و از آدم علیه السلام تا خاتم صلی الله علیه و آله و سلم به گواهی گرفته می‌شوند. آن‌گاه این سیر تاریخی از عاشورا تا عصر ظهور بیان می‌گردد و حضرت مهدی علیه السلام به عنوان ثارالله و منتقم معرفی می‌شود.

 عاشورا از یک‌سو، کامل‌ترین عبادت تاریخی بشر است و از سوی دیگر، کامل‌ترین شکل تقابل حق و باطل. در این جاست که بصیرتی برای ادامهٔ سیر تاریخ بشر، فراهم می‌آید و جبههٔ حق با بصیرت و انگیزهٔ کافی برای عبور از مراحل مبارزاتی تا عصر ظهور، تشکیل می‌شود.

طبیعی است که دشمن نیز به این دو نکته، توجه یافته و نسبت به آن حساس شده است؛ لذا از یک‌سو می‌کوشد که عبادت و بصیرت مؤمنین را خدشه‌دار سازد و از سوی دیگر، در صدد جلوگیری از فرآیند تکاملی جامعهٔ بشری است.



نظام اسلامی ایران نیز از آن‌جا که با تأسی از مکتب حسینی و امید به تحقق مکتب مهدوی، شکل گرفته و دکتترین خود را بر اساس اصول بنیادین رخداده عظیم عاشورا تنظیم کرده است، به عنوان گامی بلند، در جهت تکامل جامعه بشری و تحقق وعده جامعه برتر، محسوب می‌شود.

بنابراین فرهنگ عاشورایی، زمینه‌ساز سیر تکاملی جامعه بشری به سوی جامعه توحیدمحور و عدالت‌گستر مهدوی است.





---

## اهداف انقلاب حسینی

## و انقلاب مهدوی

---

□ حجت الاسلام و المسلمین سید معزالدین حسینی\*

نقطه پیوند دو انقلاب حسینی و مهدوی را می‌بایست در اهداف مشترک آن‌ها یافت که همانا، سه هدف عمده «آگاهی»، «آزادی» و «عدالت» هستند.

در حقیقت، تمام انقلاب‌هایی که بر اساس فطرت شکل گرفته‌اند، در پی تحقق و رسیدن به این سه هدف بوده‌اند؛ به این معنا که تمامی انقلاب‌ها در وهله نخست، بر مبنای کسب آگاهی و شناخت حقیقت و نیز وصول و دستیابی به آن شکل می‌گیرد. در مرتبه دوم، انقلابیون - که غالباً با نظام‌های طاغوتی رو به رو هستند - می‌کوشند تا خود را از سلطه کسانی که هیچ‌گونه حقی در حاکمیت بر انسان‌ها

---

\*. استاد حوزه.

و جوامع ندارند، رهایی بخشند و در نهایت، برای تحقق عدالت در متن جامعه تلاش می‌کنند. عدالت، گم‌شده همیشگی انسانِ آرزومند کمال است که این کمال، به ویژه در حوزه مسایل اجتماعی، خواسته انسان و آرزوی دیرین اوست.

نقطه پیوند انقلاب حسینی و انقلاب مهدوی را می‌بایست در این سه مفهوم جست. انقلاب حسینی به جهت احیای آگاهی و بصیرت‌هایی که از سوی خلفای جور، سلب یا منحرف شده بود، به پا شد. عاشورا، تلاشی برای نجات و رهایی امت اسلام از حیرتِ گمراهی و جهلی بود که در طول نیم‌قرن بدان دچار شده بودند؛ چرا که پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، جامعه، به واسطه‌ی کنار گذاشتن ولایت و عمل نکردن به وصیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، دچار ارتجاع و بازگشت به دوران جهالت خود شده بود؛ همه اعتقادات پیشین خود را فراموش کرده بود؛ حقایق و محتوای اصلی اسلام را از یاد برده بود و به جای حق، به باطل گرایش یافته بود.

در این شرایط بود که امام حسین علیه السلام، قیام نمود تا ضمن تبیین حق از باطل، حقیقت را زنده و آگاهی جامعه را نسبت به آن تجدید نماید.

دومین هدف قیام حسینی، آزادی انسان بود. لازم به تذکر است که انسان، دو نوع اسارت دارد: اسارت درون و اسارت بیرون. اسارت درونی انسان، در واقع، حالت سرسپردگی وی در مقابل تمایلات

سیری ناپذیر نفس است. این اسارت، دو نوع ظهور خواهد داشت؛ گاه، به صورت استکبار و گاه، به صورت عصیان و گناه. انسانی که اسیر نفس است، انسانی عصیان‌گر خواهد بود و این عصیان و طغیان، وی را در اجتماع، به انسانی فاسد تبدیل خواهد کرد که اگر به قدرتی دست یابد، همه جامعه را به اسارت خواهد کشاند و آزادی مردمان را سلب خواهد کرد. از این رو می‌توان گفت که در حقیقت، اسارت باطنی، منشأ و مسبب اسارت ظاهری است و برای رهایی از اسارت ظاهری، می‌بایست ابتدا زمینه‌های اسارت باطنی را از میان برداشت. قیام امام حسین علیه السلام نیز در روز عاشورا، از یک سو به جهت زدودن رذائل اخلاقی و نفسانی از متن جامعه و از سوی دیگر، برای آزادی امت از اسارت حکومت یزید بود.

سومین هدف قیام امام حسین علیه السلام، که آرمان تمامی پیامبران و امامان علیهم السلام نیز محسوب می‌شود، برقراری عدالت بوده است. تمامی انبیاء و اوصیای ایشان، مظهر والای عدالت بودند و در صورت دست‌یابی به قدرت، حکومت آنان نیز تجلی و مظهر عدالت خداوند بود. بر همین اساس، امام حسین علیه السلام نیز در پی ایجاد حکومتی عدالت‌محور، قیام کرد.

این سه هدف، در قیام مهدوی نیز دخیل خواهند بود. از این‌رو، منتظران حقیقی کسانی‌اند که به دنبال تحقق این سه هدف باشند؛ یعنی در وهله نخست بکوشند تا آگاهی را بر پایه معرفت

دینی به درستی، تفسیر و تعبیر کنند. چراکه معرفت و آگاهی واقعی، همان «معرفت الهی» است که ریشه در فطرت الهی دارد. کسی که به معرفت الهی رسیده است، کسی است که جز تحقق اراده حق، خواسته دیگری ندارد.

در قدم دوم نیز می‌بایست از بندهای اسارت درونی و حاکمیت طاغوت، رهایی یافت؛ زیرا حاکمیت طاغوت، ضد حاکمیت حق است. پس، آگاهی می‌بایست به گونه‌ای باشد که اولاً به معرفت و شناخت الهی، و در نهایت به آزادی از اسارت درونی و بیرونی بیانجامد.

هنگامی که انسان، رنگ خدایی گرفت و از هرگونه شرک، خالص شد، لاجرم، عدالت‌محور و عدالت‌خواه می‌شود. از این رو، حضرت مهدی علیه السلام نیز به دنبال تحقق عدالت است. عدالتی که ایشان در جهان ایجاد خواهد کرد، از آن‌جا که رنگ الهی دارد، عدالتی کامل خواهد بود. او مظهر عدالت و ولایت الهی است و از آن‌جا که اصولاً ولایت حق در تمام مراتب، بر پایه عدالت است، ولایت مهدوی نیز مفهومی جز عدالت مطلق نخواهد داشت.

در لسان روایات مربوط به آخر الزمان، سخن از عدالتی فراگیر به میان آمده است که در همه جا جاری خواهد شد و جهان را به فرهنگی یگانه-که همانا خداپرستی است- سوق خواهد داد و این، خود، راز رهایی و نجات انسان‌هاست.

در آن زمان، تمام ظرفیت‌های انسانی بر پایه توحید آشکار خواهد

شد. زمین، همهٔ برکات خویش را ظاهر خواهد کرد و جامعهٔ بشریت در امور مادی و معنوی، به اوج خواهد رسید.

همهٔ این برکات مادی و معنوی-که به جهت تجلی توحید در همهٔ شئون جامعهٔ بشری به ظهور و وفور خواهد رسید- بر پایهٔ عدالت، توزیع خواهد شد و در سایهٔ آن، نه تنها رفاه و آسایش مادی، که کمال واقعی برای تمامی انسان‌ها، فراهم خواهد گشت.

در آن عصر، به واسطهٔ سیطرهٔ کلمهٔ توحید، معنویات بر مادیات غلبه خواهد یافت و تفکر ماده‌گرا- که اصالت را به ماده می‌دهد- کنار زده خواهد شد.

عصر ظهور، عصر تجلی جمال حقیقت هستی در آینهٔ عالم امکان و نورافکنی ولی الله اعظم بر تمامی جهانیان است.

در ازل جلوه رویت به تجلی دم زد      عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد  
مدعی خواست که آید به تماشاگاه راز      دست غیب آمد و بر سینه نامحرم زد.







---

## انتظار و تربیت نیرو\*

---

□ حجت الاسلام و المسلمین مهدی طائب\*\*

در اصل ارتباط عاشورا و انتظار تردیدی نیست؛ چرا که انتظار برای انقلاب امام زمان علیه السلام نتیجه مسلم عاشورا است. اما بحث در ارتقاء کیفیت این انتظار است. زیرا با گذشت قرن‌ها انتظار، انقلاب جهانی حضرت، هنوز تحقق نیافته و این مسئله، حکایت از آن دارد که انتظار واقعی، هنوز محقق نشده است.

پس بحث ما بر سر این مطلب است که انتظار واقعی را بشناسیم و آن حالت را در خود ایجاد کنیم تا بتوانیم زمینه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام را بیش از پیش فراهم آوریم. البته حد نهایی و نیروی لازم برای ظهور، برای ما مجهول است؛ اما بایست به استناد آیه «وَأَعِدُّوا

---

\*. این متن، خلاصه سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین طائب در مرکز تخصصی مهدویت است.

\*\* استاد حوزه و دانشگاه.

لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...<sup>۱</sup>»، نیروهای خود را از جهت کمی و کیفی، ارتقاء بخشیم تا به آن حدّ کافی و لازمِ آمادگی نائل شویم و امام زمان علیه السلام ظهور کنند.

فقه‌ها دربارهٔ این مسئله که آیا در جهاد، اذن امام معصوم، لازم است یا خیر، اختلاف نظر دارند؛ اما برای «أَعِدُّوا» و آمادگی، کسی از فقهاء نفرموده که اذن امام معصوم شرط است. پس آمادگی را باید ایجاد کرد. ولی سوال این‌جاست که منظور از آمادگی چیست؟ چه چیزهایی در دایرهٔ شمول آن قرار می‌گیرند؟ بالاترین مرتبهٔ آمادگی چیست؟

در ادامهٔ بحث، قصد داریم از این منظر به رابطهٔ عاشورا و انتظار نگاه کنیم.

حرکت امام حسین علیه السلام از مدینه به مکه و از مکه به سوی عراق و اتفاقاتی که در طول این فواصل زمانی تا شهادت ایشان در روز عاشورا رخ داد، برای آن نبود که بتوانند به حکومت برسند و به عبارت دیگر، به دنبال منافع حکومتی باشند؛ بلکه هدف نهائی، چیز دیگری بود. آن هدف، هدفی بود که امیرالمؤمنین و امام حسن علیهما السلام نیز آن را تعقیب می‌کردند. حرکت ابا عبدالله الحسین علیه السلام، در هدف، با حرکت علی بن ابی طالب علیه السلام و امام حسن مجتبی علیه السلام، هیچ فرقی

۱. «و در برابر آنان، آنچه در قدرت و توان دارید آماده کنید»؛ سورة انفال، آیه ۶۰.

نداشت. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) هیچ‌گاه آغازگر جنگ نبود، بلکه معاویه و سایر گروه‌های مخالف و معاند، جنگ را آغاز می‌کردند. معاویه به این دلیل، آتش جنگ را برمی‌افروخت که می‌دید نیروهایش در معرض روشن‌گری‌های علی (علیه السلام) قرار گرفته‌اند و چیزی نمانده است که از جهالت بیرون بیایند و از خواب غفلت بیدار شوند. چنان‌که در حرکت امام حسین (علیه السلام) نیز چنین بود. افشاگری و روشن‌گری آن حضرت، موجب بیداری امت اسلام شده بود و یزید از این واقعه، هراس داشت. به همین دلیل، تصمیم به قتل امام گرفت.

امام حسین (علیه السلام)، به کسانی نیاز داشت که از جهت تعلیم و تربیت و سطح بصیرت، به جایی رسیده باشند که بتوانند پذیرای او باشند. امروز نیز سطح آمادگی جامعه، باید به این مرحله برسد و رسیدن به این هدف، تنها از راه فعالیت‌های فرهنگی ممکن است.

حتی حکومت‌هایی که به زور سر نیزه، قدرت را در دست گرفته‌اند، لاجرم باید میان مردم، مقبولیت‌هایی داشته باشند و إلا اگر حکومتی هیچ محبوبیتی نداشته باشد، نمی‌تواند حیات خود را حفظ کند. چون حکومتی که هیچ‌گونه مقبولیتی نداشته باشد، ارتش هم نخواهد داشت؛ چرا که نیروی نظامی از مردم تأمین می‌شود و اگر مردم، حکومت را قبول نداشته باشند به آن، سرباز نخواهند داد.

رضا خان، در ایران تا زمانی حاکم بود که مردم او را می‌پذیرفتند. چنان‌که محمدرضا نیز، هنگامی که دیگر مردم او را نخواستند و

ارتش نیز از او سرپیچی کرد، از ایران رفت. این اتفاق، به جهت آن بود که امام خمینی رحمه الله و دیگر بزرگان، برای تغییر فرهنگ مردم، سرمایه‌گذاری کردند.

اصولاً تنها راه تغییر حکومت، این است که انطباق حاکمیت با فرهنگ مردمش، سلب شود. چرا قدرت بنی امیه، پس از هشام بن عبدالملک رو به افول رفت؟ چون تا آن زمان، خودشان را با فرهنگ عموم مردم، منطبق نگه داشته بودند و تظاهر به فسق نمی‌کردند. هشام بن عبدالملک، به صورت علنی شراب نمی‌خورد؛ ولید بن عبدالملک، مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد الاقصی را توسعه داد، مسجد اموی را در دمشق، تعمیر کرد... این‌ها چون تربیت‌شده‌های مدینه بودند، ظاهر را رعایت می‌کردند. تربیت این‌ها اسلامی بود، ولو نه اسلام حقیقی؛ اما بالاخره، با نام اسلام حکومت می‌کردند.

اما از زمانی که حکومت به شام منتقل شد و خلفایی بر سر کار آمدند که در شام تربیت شده بودند، اوضاع تغییر کرد. شام، بهره‌ای از تربیت اسلامی نبرده بود؛ لذا خلفای تربیت‌شده شام، علناً تظاهر به فسق می‌کردند. مثلاً ولید بن یزید بن عبدالملک، می‌خواست روی کعبه بنشیند و شراب بخورد! از آن زمان، حکومت بنی‌امیه رو به افول رفت؛ چون انطباق فرهنگی خود را با فرهنگ عامه مردم از دست دادند.

پس اگر امام معصوم نیز بخواهد حکومت را در دست بگیرد، باید ذائقه فرهنگی مردم به گونه‌ای باشد که او را بپذیرند.

ابا عبدالله الحسین علیه السلام، نیز تنها برای ایجاد و ابلاغ این فرهنگ، حرکت کرد. چنانچه خود فرمود: «... إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي صَ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ<sup>۱</sup>...». حرکت امام حسین علیه السلام، مبتنی بر افشاگری بود؛ لذا زمانی که زینب کبری علیها السلام در شهر کوفه و در لباس اسارت، سخنرانی نمود، مردم را به گونه‌ای از خواب غفلت بیدار نمود که خوف شورش کوفیان می‌رفت. این کاروان، به هر کجا که پا گذاشت، پرده‌های غفلت را کنار می‌زد و جنایات و پلییدی حاکمان را افشا می‌نمود.

در شام هم وضعیت به همین گونه بود. بزرگ‌ترین دستاورد عاشورا، در شام به نمایش در آمد. مشهور است که بعد از خطبه حضرت زینب علیها السلام در کاخ یزید، جلسه، آن چنان علیه آن ملعون شد که به ناچار گفت: «خدا لعنت کند این مرجانه را. من نگفته بودم با حسین علیه السلام این گونه برخورد کند». هم‌چنین در حین سخنرانی امام زین العابدین علیه السلام در نماز جمعه شام، وضعیت به گونه‌ای شد که هرگاه ایشان نام امام حسین علیه السلام را می‌برد، صدای گریه و ضجه مردم بلند می‌شد و یزید مجبور شد برای فیصله دادن به آن شرایط، دستور دهد که اذان بگویند.

وقتی کاروان اسرا به شام رسید، مردم، ناسزا می‌گفتند و به ایشان سنگ می‌زدند؛ اما در اثر تبلیغات امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام، هنگام خروج از شام، کاروان سیاه‌پوش در میان اشک و اندوه شامیان، آن‌جا را ترک کرد.

آن وضعیت نفس‌گیر و شرایط اختناق فرهنگی به برکت قیام امام حسین علیه السلام از بین رفت و بعد از حادثه عاشورا، قیام‌ها و حرکات بسیاری علیه حکومت یزید، رخ داد. عبدالله بن زبیر، فرصت را غنیمت شمرد و با تکیه بر فرهنگ و خواسته مردم و به بهانه گرفتن انتقام اباعبدالله الحسین علیه السلام، حکومت مکه را از دست یزید بیرون آورد. در مدینه، با این عنوان که یزید بعد از شهادت حسین بن علی علیه السلام صلاحیت حکومت ندارد، حادثه حرّه اتفاق افتاد و ده هزار نفر کشته شدند. شرایط کوفه بحرانی شد. مختار به خون‌خواهی امام حسین علیه السلام قیام کرد و بسیاری تحولات دیگر از این دست، به تبع عاشورا اتفاق افتاد.

یزید قصد داشت جلوی فرهنگ‌سازی امام حسین علیه السلام را بگیرد؛ لذا ایشان را میان بیعت‌کردن و قتال، مخیر کرد. ایشان نیز شعار «هیهات منا الذله» سر داد و از بیعت امتناع کرد. هنگامی که از ایشان، علت این امر سوال شد، فرمود: «وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ

بَلَّيْتَ الْأُمَّةَ بِرَأْعٍ مِثْلِ يَزِيدٍ<sup>۱</sup>؛ «در صورتی که شخصی مثل یزید، حاکم اسلام باشد، باید فاتحهٔ اسلام را خواند»!

امام با بیعت نکردن خود، اختناق‌ی که جلوی فرهنگ‌سازی را گرفته بود، از بین برد و زمینه را برای امامان بعدی باز کرد. آن بزرگواران نیز به تربیت نیرو پرداختند، اما قیام مجددی از سوی ایشان صورت نگرفت؛ چراکه هنوز، زمان قیام همه جانبه و جهانی فرا نرسیده بود. اما در دورهٔ امام زمان علیه السلام، این فرصت پیش خواهد آمد و سراسر جهان، به دست ایشان فتح خواهد شد.

حکومت امام زمان علیه السلام، حکومتی علوی خواهد بود. مشخصه‌های این حکومت را می‌توان در نامه‌ای یافت که امام علی علیه السلام هنگام انتصاب مالک اشتر به حاکمیت مصر، به او داد. حضرت در آن نامه، دستوراتی برای ایجاد یک جامعهٔ ایده‌آل نگاشته و از مالک خواسته بود که در مصر، به آن دستورات عمل نماید. از آن نامه، دو مطلب استفاده می‌شود. یکی آن‌که حضرت، علت شهادت محمد بن ابی‌بکر را کمبود نیروهای آماده و مؤمن می‌دانند و به مالک، این نکته را تذکر می‌دهند که برای بقای حکومت، بایست نیروهایی برای خود تربیت کند. دومین نکتهٔ این نامه نیز، آینده‌نگری امام علی علیه السلام است تا اگر در آینده، برای کسی سؤال شد که چرا حکومت علی بن ابی

طالب علیه السلام در مصر قوام نیافت، این نامه را بخواند و بفهمد که امام، به دنبال این نوع از حکومت بود؛ اما کسی نبود که بتواند به آن عمل کند؛ تنها یک نفر بود، آن هم مالک؛ که در بین راه شهید شد.

حضرت در آن نامه به مالک فرموده بود که اگر بخواهد حکومتی علوی ایجاد کند، باید نیروهای مورد نیاز را به اندازه‌ای که بتوان به کمک آن‌ها بر مصر حکومت کرد، تربیت نماید. پس این حکومت، اگر منحصر به مصر باشد به تعداد مورد نیاز مصر، باید سرمایه‌گذاری کرد و نیرو تربیت نمود؛ اما اگر هدف، حکومت بر همه نقاط دنیا باشد، باید به همان مقدار نیز، نیروی تربیت‌شده داشته باشیم.

عاشورا حرکتی بود که با هدف ایجاد، حفظ و گسترش زمینه‌های تربیت نیرو برای قیام جهانی امام زمان علیه السلام، صورت گرفت. عاشورا زمینه تغییر فرهنگ را ایجاد کرد و کار را تا به این جا رساند. اکنون نوبت ماست تا به وسیله فرهنگ عاشورا و انتظار، نیروی مورد نیاز امام زمان علیه السلام را تربیت کنیم.





---

## تفسیر ارگانیک<sup>۱</sup> از عاشورا و غیبت

---

□ دکتر سیدرضی موسوی گیلانی\*

### مقدمه

تفسیر دقیق و درست از رخداد‌های تاریخی، یکی از دشوارترین عرصه‌ها در علم تاریخ تلقی می‌شود؛ چرا که فاصله زمانی حوادث گذشته و هم‌چنین، دور از دسترس بودن حوادث بی‌بدیل و تکرارناپذیر، علم تاریخ را از جمله علوم و معارف ظنی قرار داده است؛ به طوری که به اقرار فیلسوفان تاریخ، در تحلیل و تبیین تاریخی، تنها می‌توان بنا به حساب احتمالات، از قوت یک تحلیل، کاست و به قوت تحلیلی دیگر، اضافه نمود؛ اما هیچ‌گاه نمی‌توان در تجزیه و تحلیل حوادث تاریخی، به مانند گزاره‌های علوم تجربی، به یک نظر قطعی و یقینی رسید.

---

۱. تفسیر ارگانیک از یک پدیده تاریخی، بررسی ارتباط اندام‌وار آن با دیگر رخداد‌های تاریخی است؛ به گونه‌ای که ارتباط و پیوستگی منسجم آن‌ها با یکدیگر، مشخص گردد.  
\*. استاد حوزه و دانشگاه.

با توجه به دشواری و سختی قضاوت‌های تاریخی، یکی از شیوه‌هایی که در تحلیل حوادث تاریخی می‌تواند تا حد زیادی ما را به حقانیت و تبیین درست یک رخداد، رهنمون شود، تفسیر ارگانیسم و پیکره‌وار از کل تاریخ یک دین، تمدن و یا حادثه است؛ چرا که با کمک گرفتن از اجزا و عناصر یک مجموعه تاریخی، می‌توان به قضاوتی منصفانه و عادلانه دست یافت.

به نظر می‌رسد، همان‌طور که برخی از زبان‌شناسان برای فهم مقصود و منظور گوینده، با استفاده از روش «سمانتیک»<sup>۱</sup> یا «معنا شناسی»، علاوه بر الفاظ، کلمات و قواعد زبانی و نحوی، به دنبال دلالت تصدیقی یک گزاره نیز هستند؛ ما نیز در حیطه علم تاریخ و برای فهم رخدادهای تاریخی، علاوه بر تحلیل و تبیین یک رخداد، نیازمند دستیابی به جهان‌بینی، انگیزه‌ها و عواملی هستیم که در بروز و تحقق یک رخداد، نقش مؤثر ایفا می‌کنند. چرا که بسیاری از وقایع تاریخی، دارای ریشه‌ها و الگوهای اعتقادی و فکری دیرینه‌ای هستند که پس از گذشت سال‌های بسیار، بر وقوع آنان اثر گذارده‌اند. بنابراین در بررسی رخدادهای تاریخی، باید یک واقعه را در ضمن دیگر وقایع تاریخی سنجید و مورد مطالعه قرار داد.

## تفسیر پیکره‌وار از تاریخ اسلام

با نگاهی دقیق به آثار کلامی و تاریخی شیعی، در می‌یابیم که به اقرار تمامی پژوهش‌گران و مورخان تاریخ اسلام، پاره‌ای از رخدادهای مهم در شکل‌گیری تاریخ شیعه و جریانات مرتبط به آن، سهم بسزایی داشته‌اند؛ به طوری که هر یک از این حوادث، زمینه تحقق و وقوع رخدادهای بعدی محسوب می‌شوند. به همین جهت، در بررسی یک رخداد یا پدیده مهم دینی یا اجتماعی، نمی‌توان تنها به تفسیر تحلیلی آن واقعه، بسنده نمود؛ بلکه گاه برای تبیین دقیق یک رخداد، باید به روند ارگانیک، پیوسته و خطی آن رخداد با دیگر حوادث مربوط به آن نیز، توجه ویژه نمود.

به نظر می‌رسد، تحلیل پاره‌ای از عناصر تاریخی، زمانی امکان‌پذیر است که به شرایط زمانی و مکانی پیش از آن، اشراف و توجه داشته باشیم و در واقع، یک رخداد را در متن و بستر دیگر واقعه‌های تاریخی و اجتماعی، بررسی کنیم. تفسیر ارگانیک گواهی می‌دهد که گاه، وقوع یک رخداد بر شکل‌گیری رخدادهای چند قرن بعد، اثری ژرف و عمیق می‌گذارد. به همین دلیل، پاره‌ای از فیلسوفان معاصر، معتقدند که می‌بایست تاریخ را به صورت اندام‌وار و هم‌چون یک پیکره زنده، بررسی کرد؛ چرا که تمامی اعضا و عناصر پدیده‌های تاریخی، در ارتباط با هم هستند و با یک‌دیگر، احساس هم‌دردی دارند؛ لذا برای فهم رخدادهای تاریخی نیز، ناگزیر، باید احساس

تفاهم، هم‌دردی و هم‌زبانی را در بررسی‌ها دخیل نمود.

تفسیر ارگانیک از تاریخ که به منظور تبیین صحیح رخدادهای بزرگ تاریخ و کمک گرفتن از حوادث گذشته در تحلیل حادثه‌های بعدی صورت می‌گیرد، هم‌چون روش تفسیری «قرآن به قرآن» است که روش تفسیری برخی از مفسران- هم‌چون علامه طباطبایی- بوده و هست. یعنی همان‌طور که بعضی از آیات قرآن از جنبهٔ زبان‌شناسی و معناشناسی، در تفسیر آیاتی دیگر، سهم بسزایی دارند، در تحلیل تاریخ نیز می‌توان بررسی بعضی از حوادث را مبنای تحلیل حوادث بعدی قرار داد؛ چرا که هیچ رخداد تاریخی نمی‌تواند منفک و جدا از گذشتهٔ خود، که در حقیقت، بستر تکاملی آن بوده‌اند، به وقوع بپیوندد.

### نمونه‌هایی از حوادث تاثیرگذار بر روند تاریخی

برای بیان ارتباط ارگانیک و اندام‌وار تاریخ در اسلام و این که چگونه یک حادثهٔ تاریخی در ارتباط با دیگر حوادث تاریخی معنا می‌یابد، می‌توان به نمونه‌های زیادی اشاره نمود. به عنوان مثال، واقعهٔ سقیفه که پس از وفات پیامبر ﷺ، بر سر جانشینی و خلافت ایشان، رخ داد، بر تمامی حوادث بعدی تاریخ اسلام، اثر گذارد و موجب گردید وارسته‌ترین انسان‌ها- هم‌چون علی بن ابی‌طالب (علیه السلام)- کنار زده شوند و بنی‌امیه -که اجدادشان سرسخت‌ترین مخالفان اسلام، تلقی می‌شدند- بر مسند خلافت پیامبر ﷺ بنشینند.

بر خلاف سخن افرادی هم‌چون «احمد امین» که می‌گویند:

«سرانجام، امام علی علیه السلام به خلافت رسید، اما هیچ تغییری در وضعیت مسلمانان به وجود نیامد»، باید گفت زمانی امام علی علیه السلام به خلافت رسید که انحرافات اجتماعی و دولتی، هم‌چون غده‌ای سرطانی، جامعه اسلامی را چنان به تباهی نزدیک کرده بود که امام علی علیه السلام مجبور شد پس از به خلافت رسیدن، بیشترین تلاش خود را صرف ریشه‌کن‌سازی و درمان این غده سرطانی کند.

در تاریخ آمده است، روزی یکی از اصحاب زید بن علی علیه السلام از وی دربارهٔ حقانیت یا عدم حقانیت خلافت پرسید و او در پاسخ به آن فرد سکوت کرد؛ اما بعدها، هنگامی که در حین جنگ، تیری به او خورد و خون از پیشانی‌اش جاری گشت، به آن صحابی رو کرد و گفت: «در پاسخ به سؤالی که پیش از این پرسیده بودی، باید بگویم که اگر سقیفه به پا نمی‌شد، امروز این خون، جاری نمی‌گشت». در واقع، این پاسخ زید بن علی علیه السلام، نمونهٔ دیگری از ارتباط ارگانیک و پیوستگی رخدادهای تاریخی و حوادث روزگار است.

جریان سقیفه، بر حوادث آیندهٔ تاریخ اسلام اثر گذارد و بیشترین آسیب و خسارت را بر روند شکل‌گیری جامعهٔ ایده‌آل اسلامی وارد کرد. انحراف مسألهٔ جانشینی و خلافت، منزوی شدن امام علی علیه السلام، رخداد عاشورا، تقیّهٔ امامان شیعه و غیبت حضرت مهدی علیه السلام، همه از نتایج واقعهٔ سقیفه تلقی می‌گردد؛ اگر چه هر یک از این حوادث، به نوبهٔ خود، بر حادثهٔ بعدی، اثری ژرف نهاد.

شاید بهترین گواه بر این ارتباط تاریخی، سخنی باشد که یزید به هنگام دیدن سر بریده سید الشهداء علیه السلام بیان نمود. وی ضمن یک بیت شعر، اظهار داشت که توانسته است انتقام اجداد خود- هم چون ابوسفیان که در جنگ با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شکست خورده بود- را بگیرد. هم چنین نقل کرده اند، آنگاه که سر شهداء را به دربار یزید آوردند، صدای کلاغ ها بلند شد و از آن جا که در فرهنگ عرب، صدای کلاغ، سمبل شومی و بدیمنی است، یزید گفت:

«نعب الغراب، فقلت قل او لا تقل فقد اقتضيت من الرسول ديوني؛

«کلاغ ها قارقار کردند، اما من می گویم سر و صدای شما دیگر فرقی ندارد؛ زیرا امروز، من، انتقام خود را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گرفتم». این سخن، خود، دلیلی بر این حقیقت است که رخدادها در چیدمان تاریخی، تأثیر علی و معلولی دارند.

از دیگر نمونه ها در اثبات ارتباط ارگانیکی رخدادهای تاریخی، می توان به حوادث زمان امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام اشاره نمود؛ چرا که یکی از دلایل عدم بیعت امام حسین علیه السلام با حکومت یزید، این بود که ایشان، عدم وفاداری حکومت اموی به بیعت و اصول انسانی را در قبال برادر خود، امام حسن علیه السلام، مشاهده کرده بود و می دانست که امویان، قابل اعتماد و وفادار به بیعت و مذاکره نیستند.

### مؤلفه های بنیادین تاریخ اسلام

حال، بنا بر همین منطق، اگر گفته شود که روند خطی و ارگانیکی

تاریخ شیعه از کدام رخداد و واقعه مهم تاریخی تأثیر پذیرفته است، بی‌تردید می‌توان به چهار حادثه مهم «بعثت»، «غدیر»، «عاشورا» و «غیبت» اشاره نمود که واقعه پنجمی به نام «تشکیل حکومت جهانی» را نیز باید از جهت قطعیت تحقق آن در فرهنگ اسلامی، به آن افزود. حادثه نخست، یعنی بعثت پیامبر، بر تأسیس و ظهور اسلام، و سه حادثه غدیر، عاشورا و غیبت، به روند تاریخی این دین اشاره می‌نمایند و واقعه پنجم، یعنی حکومت جهانی مهدوی نیز، به عنوان آینده این تاریخ، به آن ملحق می‌گردد. این مؤلفه، یعنی اعتقاد به تشکیل حکومت جهانی و یا به تعبیر دیگر ادیان، منجی‌گرایی، سرانجام نیکوی تاریخ ادیان تلقی می‌گردد که در آموزه‌های دینی به عنوان سنت قطعی الهی و به منزله فصل الخطاب تاریخ، مطرح می‌شود. به تعبیر برخی از دین‌پژوهان، مسأله ظهور منجی، تجلی باطن تمامی ادیان ابراهیمی و نتیجه منطقی ارسال همه رسولان، تلقی می‌گردد که با تحقق آن، تمامی ادیان به سرانجام شکوهمند و هدف غائی خود می‌رسند. به تعبیر «هانری کربن»<sup>۱</sup>: «ظهور امام دوازدهم که در پایان عصر ما روی خواهد داد، کلیه مکنونات و منزلات الهی را آشکار خواهد کرد».

---

۱. Henri Corbin

۲. تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کربن، ترجمه اسدالله مبشر، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ سوم، س ۱۳۶۱، ص ۱۷.

هر یک از حوادث چهارگانه‌ای که ذکر شد، نتیجه منطقی شرایط و موقعیت‌هایی است که حوادث قبلی، آن را دامن زده‌اند. در حقیقت، به جهت آن که پس از واقعه بعثت و غدیر، حرکت خطی اسلام، دچار وقفه و بحران تاریخی شد، وقوع رخدادهایی هم‌چون عاشورا و غیبت، نتیجه تراژیک و غم‌ناک، اما ناگزیر این دورافتادگی از سنت منصوص نبوی بود. به عبارت دیگر، واقعه بعثت و غدیر از جمله سنت‌های جاویدان الهی برای تحقق آرمان و اهداف اسلام در جامعه و تاریخ بود؛ اما به جهت انحراف و دورافتادگی از این آرمان‌ها، رخدادهایی به وقوع پیوست که به نوعی، نتیجه ابتذال حکومتی و انحراف دینی شمرده می‌شود. حادثه عاشورا و غیبت، هیچ‌گاه مطلوب و مورد رضایت خداوند نبوده، بلکه عواملی هم‌چون انحرافات اجتماعی، قدرت‌طلبی و ابلیس-زدگی جوامع دینی، موجب تحقق آن دو حادثه شد.

البته این نکته قابل تذکر است که در مباحث متکلمین امامیه، تنها سه مؤلفه بعثت، غدیر و حکومت جهانی، زیر ساخت‌های تاریخی شیعی را تشکیل می‌دهند که از این سه مؤلفه، دو مؤلفه بعثت و غدیر، پیش از این، در عالم خارج تحقق یافته‌اند و حکومت جهانی، رخدادی است که فراروی جوامع اسلامی قرار دارد و هنوز به وقوع نپیوسته است.

بنابراین، در تفسیر تاریخی اسلام، پنج مؤلفه و در تفسیر کلامی، سه مؤلفه مطرح است که در این میان، حکومت جهانی یا عصر ظهور،



عنصر مشترک هر دوی آنهاست که سرانجام تحقق خواهد یافت. پس می‌توان ادعا کرد که حرکت تاریخ از دیدگاه اسلام، حرکتی خطّی و رو به پیشرفت است، نه حرکتی دوری یا حلزونی؛ چنانچه برخی از فیلسوفان تاریخ، به آن اعتقاد دارند.

هر چند که در تاریخ اسلام، رخدادهایی همچون عاشورا یا غیبت امام مهدی علیه السلام به وقوع پیوسته است و بعضی از دشمنان گمان نموده‌اند که با حذف ظاهری پیشوایان اسلام، جنبش اسلامی نابود خواهد شد؛ اما حق‌طلبی اسلامی، پیوسته، رو به پیشرفت و صعود بوده است و این جنبش، هر چند که در پاره‌ای از برهه‌های تاریخی به حداقل رسیده، اما از حرکت بازمانده و سرانجام به حکومت مهدوی، متصل خواهد گردید. پس می‌توان نتیجه گرفت که حرکت پیکره‌وار اسلامی، در نهایت، به غایت بزرگی دست خواهد یافت که نتیجه منطقی رخدادها و سخت‌کوشی‌های پیشوایان این مکتب است.

### محوریت واقعه عاشورا در تاریخ شیعه

انسان، همواره، در ارتباط با عوامل پیرامون خویش است و معمولاً از حمایت‌های دیگران بهره‌مند می‌شود؛ اما گاه، پاره‌ای از عناصر پیرامونی، از حمایت خود دست می‌کشند. مثلاً ممکن است انسان از حمایت خانواده و دوستان یا حاکمان سیاسی، محروم شود. اما اوج سختی و فشار، زمانی است که انسان، همه حامیان خود را از دست بدهد و بلکه از جانب اطرافیان، نفی و طرد شود.

امام حسین علیه السلام از جمله کسانی بود که در روز عاشورا، نه تنها پس از کشته شدن دوستان و برادران خویش، در اوج تنهایی قرار گرفت و هرگونه حامی را از دست داد، بلکه توسط دشمنان، شدیداً نفی شد. در واقع، رخدادی که برای امام حسین علیه السلام پیش آمد، از این منظر، رخدادی بی نظیر است که شاید هیچ گاه در طول تاریخ، برای کس دیگری به وقوع نپیوندد.

امویان - که واقعه عاشورا را به راه انداختند - نه تنها به دنبال سرکوب مخالفی هم چون امام حسین علیه السلام بودند، بلکه در صدد خشکاندن ریشه های مخالفت علوی و شیعی بودند؛ به طوری که علویان دیگر نتوانند انسجام خود را برای قیامی دیگر، کسب کنند. در واقع، امویان تصور می نمودند که بعد از واقعه عاشورا، تکلیف شیعه را یک سره نموده اند و برای همیشه از مخالفت آنان، در امان خواهند بود؛ زیرا با کشته شدن تمامی مردان لشکر امام حسین علیه السلام - که وفادارترین اشخاص، نسبت به تفکر شیعی بودند - این گمان، قوت می یافت که پس از این واقعه، هیچ مخالفت جدی در عرصه سیاسی و اجتماعی باقی نمانده نباشد؛ اما تقدیر بر این تعلق گرفته بود که اندیشه و تفکر شیعی، چونان آتش زیر خاکستر، روشن بماند تا در طول زمان، شعله ور شود و جریان بزرگی را در طول تاریخ به وجود آورد.

البته این نکته را نیز نمی توان نادیده گرفت که شیعیان، تا قرن ها

پس از واقعه عاشورا در جوّ خفقان آمیز و پرتقیه به سر می بردند. به طوری که «حمید عنایت»، دو مفهوم «شهادت» و «تقیه» را گره خورده با فرهنگ و زندگی شیعه می داند و معتقد است که نخستین مفهوم، یعنی شهادت، به یادگار مانده از فرهنگ عاشورا و دومین مفهوم، یعنی تقیه، یادگار دوره خفقان بار و سلطه جویانه بنی عباس است.<sup>۱</sup>

با این حال و با وجود آن که تجربه تاریخی نشان داده است که بسیاری از قیام ها و نهضت ها، پس از کشته شدن رهبران شان، نتوانسته اند پایدار بماند و به حرکت خود ادامه دهند؛ افشاگری یک انسان بیمار، هم چون امام سجاد (علیه السلام) و یک زن رنجور و آزردده خاطر، هم چون حضرت زینب (علیها السلام)، به شکل گیری مجدد جریان شیعه و دمیدن حیاتی دوباره، در آن انجامید.

آری! همان طور که خداوند فرموده است: «كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ»<sup>۲</sup>، باطل، به مانند کف روی آب است که خیلی زود، زوال می یابد؛ اما آن چه که خیر مردم در آن است، پایدار خواهد ماند. از

۱. اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، حمید عنایت و دیگران، انتشارات خوارزمی، تهران، چاپ

دوم، س ۱۳۶۵، ص ۲۸۰.

۲. «خدا برای حق و باطل مثل می زند که [باطل، چون] کف [روی آب] به زودی نابود می شود و اما [حق، چون] چیزی که خیر و منفعت مردم است، در زمین می ماند». سوره رعد، آیه ۱۷،

این رو، فرزندان امام حسین علیه السلام که از جمله رادمردان و دانش‌آموختگان نهضت حسینی بودند، یکی پس از دیگری، در پیچ و خم تاریخ، پرچم هدایت را به دوش کشیدند و در کوران‌های سخت روزگار اموی و عباسی، حقیقت محمدی و حسینی را زنده نگاه داشتند؛ به طوری که تاریخ گواهی می‌دهد که «الإسلامُ مُحَمَّدیُّ الْوُجُودِ وَ حُسینیُّ الْبَقَاءِ»؛ «اسلام به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تأسیس شد اما به وسیله امام حسین علیه السلام دوام یافت».

سرانجام، این قیام و جنبش‌های بعدی آن، منتهی به جریان بزرگ «اعتقاد به حکومت جهانی مهدوی» شد که در حقیقت، از دل واقعه عاشورا برخاسته بود. این جریان که با فرهنگ عاشورا، هم‌سویی داشت، با تکیه بر روایات متواتر و پیش‌گویی‌های نبوی و نویدهای دیگر پیشوایان فریقین، درباره تشکیل حکومت جهانی به وسیله یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام، در تاریخ شیعی شکل گرفت و در کنار عاشورا، بزرگ‌ترین اثر را در تفکر اسلامی به جای گذارد.

### تفسیر خطی از تاریخ

درباره آینده تاریخ و حرکت جوامع، نگرش‌های متفاوتی ارائه گردیده است. برخی از اندیشمندان و فیلسوفان تاریخ، درباره آینده تاریخ، معتقد به حرکت دوری هستند؛ یعنی بر این باورند که تمدن‌ها، دارای نقاط اوج و زوال هستند؛ گاه به مرحله اوج می‌رسند

و گاه، پس از یک دوره حرکت، رو به زوال و افول می‌روند. معتقدان به این نظریه، این حرکت چرخشی و دوری را برای جوامع، همیشگی و مستمر می‌دانند و معتقدند که این حرکت، برای همه تمدن‌ها، به وجود خواهد آمد. این خلدون از جمله افرادی است که به این فرضیه، باور دارد. وی معتقد است که پیش‌رفت و پس‌رفت‌ها، مرتب تکرار می‌شوند. بنا بر این تفکر، تاریخ، هیچ‌گاه یک حرکت مستقیم و رو به جلو را تجربه نمی‌کند.<sup>۱</sup>

از دیگر آراء فلسفه تاریخ، حرکت حلزونی و مارپیچی تاریخ و جوامع می‌باشد. بنابراین تفکر، جوامع، گاه به سوی جلو حرکت می‌کنند و گاه به سوی عقب؛ اما در هنگام زوال و عقب‌گرد، هیچ‌گاه به نقطه آغاز خود نمی‌رسند؛ بلکه حرکت تاریخ در هنگام انحطاط نیز مرحله‌ای بالاتر از نقطه صفر است و به جایی برمی‌گردد که قدری جلوتر از نقطه آغاز پیشین است. در واقع، بنا بر این تفکر - و بر خلاف نگرش آنانی که قائل به نظریه ادواری هستند - هر چند که تاریخ، حرکت رو به جلو و رو به عقب دارد، اما در مجموع، مقداری پیشرفت و حرکت رو به تکامل را نیز تجربه می‌کند. این نظریه، مورد توجه و قبول عده‌ای از فیلسوفان تاریخ هم‌چون «ویکو» می‌باشد.<sup>۲</sup>

۱. فلسفه تاریخ، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، س ۱۳۶۹، ص ۲۰.

۲. فلسفه تاریخ، پل ادوارد، ترجمه بهزاد سالکی؛ به نقل از مقاله «فلسفه تاریخ»، تألیف و. ه. دری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۲۲.

هم‌چنین، پاره‌ای از اندیشمندان و فیلسوفان تاریخ، همچون «اشپنگلر»<sup>۱</sup>، معتقد به فقدان نظم در تاریخ هستند. کسانی که قائل به این نگرش منفی هستند، بر این باورند که فرهنگ‌ها به طور تصادفی و بدون ارتباط با یک‌دیگر، رشد می‌یابند. از این رو، حرکت جوامع و فرهنگ‌ها را به رشد نامنظم گل‌های یک باغ، تشبیه می‌کنند. اشپنگلر، سرنوشت تمدن‌ها را هم‌چون سرنوشت گیاهان می‌داند که دارای حیات و مرگ مستمر هستند.<sup>۲</sup>

در این میان، عده‌ای دیگر نیز هستند که حرکت تاریخ، تمدن‌ها و فرهنگ‌ها را حرکتی خطی و رو به پیشرفت می‌دانند. افرادی هم‌چون «هگل»<sup>۳</sup> و «توین بی»<sup>۴</sup> از این دست هستند. توین بی، از جمله کسانی است که معتقد است حرکت تاریخ، در نهایت، به جایی می‌رسد که بینش دینی، آن را معرفی می‌کند. افکار او در زمینه نجات و رستگاری تاریخ، بسیار نزدیک به تفکر ادیان درباره مسئله

#### ۱. O. Spengler

۲. همان. ص ۲۴ (به نظر اشپنگلر، اگر به تاریخ با شیوه‌ای منضبط و عینی نگاه کنیم، خواهیم دید که چیزی است بدون محور یا نقطه ارجاع غائی و تاریخ، داستان شمار نامحدودی از تشکلهای فرهنگی است که اروپای غربی تنها یکی از آنهاست که با همان بی‌هدفی گل‌های باغچه رشد می‌کنند. او عقیده دارد که دستاوردهای چنین فرهنگ‌هایی تنها عنصر معناداری است که در سیر تاریخ، می‌توان یافت. آنها مجموعه‌هایی از معناهای بی‌ارتباط در گستره حیات بشری هستند که اغلب، بی‌تاریخ‌اند).

#### ۳. Friedrich Hegel.

#### ۴. Arnold Toynbee.

سرانجام تاریخ است.<sup>۱</sup>

از جمله نظراتی که معتقد به حرکت خطی و رو به پیشرفت تاریخ و جهان است، نگرش پیروان ادیان و معتقدین به مسأله منجی آخرالزمانی است. ادیان، سرانجام تاریخ را نیکو می‌دانند و بر این باور هستند که جوامع به سوی زندگی آباد، همزیستی مسالمت‌آمیز و حیاتی مملو از صلح و آرامش، در حال حرکت هستند. در واقع، اعتقاد به مصلح جهانی و جامعه مهدوی، اعتقاد به جامعه‌ای شکوفا، پیشرفته و در حال رشد است که همه انسان‌ها در آن، به اوج شکوفایی، عقلانیت و اصلاح نفس می‌رسند و طبیعی است که جامعه چنین انسان‌هایی، آباد و اصلاح‌شده خواهد بود.

### تفسیر ارگانیک از عاشورا و مهدویت

طبق آن‌چه که از تحلیل پیوسته و منسجم تاریخ شیعه ارائه شد، مشخص گردید که تاریخ امامت از غدیر آغاز شده، با حادثه عاشورا در آمیخته و تا عصر ولادت امام مهدی علیه السلام، ادامه یافته و پس از آن نیز در قالب دوران غیبت، به حیات خود ادامه داده است. به همین جهت، این تلقی در میان شیعیان وجود دارد که ظهور امام عصر علیه السلام، تفسیر دوباره و نوعی انتقام‌خواهی از واقعه عاشورا و تبیین دیگری از

۱. *فلسفه تاریخ*، پل ادوارد، ترجمه بهزاد سالکی؛ به نقل از مقاله «فلسفه تاریخ»، تألیف و. ه.

دری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۲۲.

جریان حق است. در واقع، در مبانی کلامی شیعه، همان‌طور که واقعهٔ عاشورا از عوامل تاریخی رخداد غیبت است، عصر ظهور نیز تفسیر دوبارهٔ عاشورا و بازگشت به اهداف امام حسین علیه السلام، تلقی می‌شود و به عبارت دیگر، قیام امام مهدی علیه السلام، حامل همان پیام‌هایی خواهد بود که قیام امام حسین علیه السلام در روز عاشورا به همراه داشت؛ زیرا رویارویی مجدد جریان حق و باطل، در واقع، بازخوانی دوبارهٔ یک حقیقت تکرر یافته است.

رگ‌رگ است این آب شیرین و آب شور در خلایق می‌رود تا نفع‌خور  
به همین جهت، در این فراز زیارت عاشورا، خون‌خواهی سید  
الشهداء به امام مهدی علیه السلام نسبت داده شده است: «وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ  
ثَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ».

از این رو می‌توان در یک نگاه ارگانیک و اندام‌وار، عاشورا و انتظار  
را دو عنصری دانست که با یک‌دیگر قابل تفسیر هستند و نمی‌توان  
آن دو را از هم تفکیک نمود. به همین جهت از امام باقر علیه السلام نقل شده  
است که در روز عاشورا این‌چنین گفته شود: «اعظم الله أجورنا  
بمصائبنا بالحسين علیه السلام و جعلنا و إياكم من الطالبين بثاره مع وليه  
الإمام المهدى من آل محمد صلى الله عليه و آله»<sup>۱</sup>. این سخن، بیانگر

۱. مصباح‌المجتهد، محمد بن الحسن الطوسی، تصحیح شیخ حسن الاعلمی، مؤسسه الاعلمی  
للمطبوعات، لبنان، ص ۵۳۸.



آن است که حرکت امام مهدی علیه السلام، ادامه حرکت امام حسین علیه السلام محسوب می‌شود؛ به طوری که بودن در کنار امام مهدی علیه السلام، به منزله بودن در کنار امام حسین علیه السلام تلقی شده است. بنا بر این، در تفسیری خطی و منسجم می‌توان گفت که عاشورا و غیبت، دو جزء از پیکره تاریخ شیعه هستند که وقوع نخستین رویداد، موجب تحقق رویداد دوم شده است و همانطور که عاشورا نتیجه منطقی سقیفه تلقی می‌گردد، غیبت امام عصر علیه السلام نیز نتیجه منطقی عاشورا است.

### فرهنگ عاشورا و فرهنگ مهدویت

با توجه به جایگاه خاص و مشترک فرهنگ عاشورا و فرهنگ مهدوی که از جهت وجودی و اعتقادی، با یکدیگر تعامل و ارتباط تنگاتنگ دارند، می‌توان گفت که این دو مؤلفه، تأثیرات ژرفی در جوامع شیعی به جای گذاشته‌اند؛ به طوری که پاره‌ای از متفکران معتقدند که هویت شیعه به وسیله این دو عنصر اعتقادی شکل گرفته است.

از جمله اندیشمندان برجسته‌ای که در بیان عناصر تفکر شیعه، به این دو مؤلفه توجه دارد، اندیشمند مسلمان، «حامد الگار» است. وی که از تئوری‌پردازان انقلاب اسلامی است، معتقد است که این انقلاب، ریشه در سنت‌های فکری شیعه دارد. آن‌گاه زیر ساخت‌های اندیشه شیعی را تحت سه مؤلفه «غیبت»، «فقدان قدرت سیاسی مشروع» و «نفی قدرت حاکم، بر اساس اندیشه شهادت» بر می‌شمرد.

وی، موضوع غیبت امام مهدی علیه السلام را دائمی‌ترین عنصر تاریخ اندیشه شیعی می‌داند که مرتبط با فقدان مشروعیت هرگونه قدرت سیاسی در عصر غیبت است. از نظر او، انقلاب اسلامی، تحت تأثیر اندیشه امامت و مهدویت است؛ به طوری که شیعه با الهام از مفهوم شهادت-که آن را وامدار واقعه عاشورا و جان‌باختگی حضرت سید الشهداء علیه السلام است- توانسته است در طول تاریخ و به ویژه در انقلاب اسلامی، به اهداف خود برسد.

در واقع، او تحلیلی ارگانیک و پیکره‌وار از انقلاب اسلامی ایران ارائه می‌دهد و معتقد است که انقلاب ایران، ریشه در تاریخ فکری شیعه و مبانی مذهبی دارد. به همین جهت، وی، امام خمینی رحمه الله را نماد یک سنت دیرینه می‌داند که در این دوره، موفق به تحقق انقلابی دینی در ایران شده است.

تاریخ جوامع شیعی، خود، حاکی از این حقیقت است که بیشترین کارکرد دین در تاریخ، متعلق به دل‌دادگی‌ها و توجهاتی است که توده مردم به فرهنگ عاشورا و فرهنگ مهدوی داشته‌اند؛ هر چند که در مقطعی از گذشته نه چندان دور، یک نوع گسستی را میان این دو مقوله مشاهده می‌کنیم؛ اما آن‌چه مسلم است، جایگاه ویژه‌ای است که عاشورا و مهدویت، همواره در مبانی نظری و اعتقادی شیعی داشته‌اند؛ به طوری که در پژوهش‌های نظری عالمان دینی، التفات به این دو مسأله- به ویژه در حوزه اختیار و قدرت مطلقه امام

مهدی علیه السلام پیوسته، مورد توجه بوده است. اگرچه این مسئله را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که در برهه‌هایی از زمان، تلاشی بر فرهنگ‌سازی مهدوی، صورت نپذیرفته است.

اما در عصر کنونی، نه تنها نیاز به این فرهنگ، شدیداً احساس می‌شود؛ بلکه با توجه به آسیب‌شناسی مسائل مهدوی و آفت‌های موجود در پیرامون آن، ترویج بررسی عقلانی و خردمندانه مسأله، موضوعی بسیار پر اهمیت است؛ چرا که در سال‌های اخیر، به دنبال برخورد‌های سطحی و قشری با موضوع مهدویت، انحرافات در این موضوع، پدید آمده است. به طور مثال، همان‌طور که نگاه عقل‌گريزانه حنبلی‌ها به دین، موجب شکل‌گیری فرقه وهابیت در اهل سنت شد، اخباری‌گری و عقل‌گريزی شیخیه نیز موجب شکل‌گیری فرقه بابیت و بهائیت گردید<sup>۱</sup> و جریانات انحرافی را در حوزه مسائل مهدوی، دامن زد. از این رو، توجه به کارکردهای عقلانی در مسأله مهدویت، از جمله اموری است که باید محور مهدویت‌پژوهی عصر حاضر، قرار گیرد.

۱. ر. ک به: قلب اسلام، سید حسین نصر، ترجمه مصطفی شهرآئینی، انتشارات حقیقت، تهران، س ۱۳۸۳، ص ۱۰۴. (سید حسین نصر از جمله کسانی است که معتقد است توجه به رویکرد غیر عقلانی و خردستیزانه فرقه شیخیه و گرایش شدید باطنی و پارسا منشانه به دین و همچنین احترام زیاد و افراطی به ائمه علیهم السلام، زمینه تأثیرپذیری فرقه بابیه از نهضت شیخیه شده است؛ به طوری که او این جنبه خردستیزی را عامل پیدایش جریان بابیه می‌داند. در واقع، نصر، خرد ستیزی را عامل و زمینه‌ساز رشد جریانات انحرافی مبتنی بر باطن‌گرایی و احساس‌گرایی دینی می‌داند).



---

## دو قیام حق طلبانه

---

□ حجت الاسلام و المسلمین رحیم کارگر\*

در فرهنگ پر افتخار شیعه، دو قیام و نهضت، جایگاه ویژه و برجسته‌ای دارند: یکی، «حماسه جاودانه حسینی» است که در گذشته روی داده و دیگری «انقلاب جهانی مهدوی» است که در آینده تحقق خواهد یافت. رهبر هر دو قیام، امام معصوم و از خاندان مطهر پیامبر گرامی اسلام ﷺ است.

«واقعۀ عاشورا» سر آغاز حیات، پویایی و بالندگی شیعه و «ظهور موعود»، نقطۀ اوج رشد، کمال و سعادت شیعه (و همه یکتاپرستان و صالحان) است. بین این دو نهضت، پیوند و ارتباطی وثیق و ناگسستنی وجود دارد و هر دو در امتداد هم و تکمیل‌کنندۀ یکدیگرند. مهم‌ترین جلوه هر دو قیام، بروز و ظهور کامل «حق» و

---

\* محقق و پژوهشگر عرصۀ مهدویت.

تشکیل جبهه «حق» در برابر گروه «باطل» است.

از نظر شیعه، مصاف نهایی حق (ایمان و نور و خیر) در برابر باطل (کفر و ظلمت و شر) در عصر ظهور و هنگام قیام جهانی امام مهدی علیه السلام روی خواهد داد. این نهضت - که فراگیر، جهانی، گسترده و کوبنده خواهد بود - را بسیاری از ملتها و شریعت‌ها، انتظار می‌کشند. وعده این مصاف نهایی - که منجر به نجات و رستگاری انسان‌ها می‌شود - در همه کتاب‌های آسمانی و آموزه‌های برخی ادیان دیگر بیان شده است.

با این حال، این قیام جهانی، متأثر از نهضت عاشورا و تکمیل - کننده آن است. برای تبیین این موضوع و فهم چگونگی تأثیرگذاری و نقش حماسه حسینی بر قیام مهدوی و نیز مصاف نهایی حق و باطل، چند ره‌یافت و تحلیل ارائه می‌شود:

۱. ره‌یافت فلسفی - تاریخی: بررسی پیوند هر دو قیام بر اساس فلسفه نظری تاریخ و بررسی نزاع و ستیز حق و باطل در طول تاریخ.

۲. ره‌یافت نظامی: بررسی و ارائه روایاتی که نهضت مهدوی را در جهت انتقام‌گیری و خون‌خواهی از دشمنان خدا و قاتلین امام حسین علیه السلام معرفی می‌کند.

۳. ره‌یافت سیاسی - دینی: بررسی آموزه‌ها، پیام‌ها، اهداف، انگیزه‌ها و برنامه‌های مشترک و همسان هر دو قیام، و تبیین نقش و تأثیر آموزه‌های عاشورا بر قیام مهدوی.

بر اساس این چند ره‌یافت، درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال هستیم که: «آیا نهضت عاشورا، نقشی در مصاف نهایی حق و باطل دارد؟»

واقعه عاشورا، نمادی از یک خط سیر تاریخی است که در آن، حسینیان و یزیدیان، همواره با هم در نبرد هستند. عاشورا و قیام خونین حسین علیه السلام، آینده‌نگری مثبت پیامبران الهی را تحقق بخشید و باعث ایجاد انگیزه، جهت حفظ دین و امید به آینده روشن اسلام در پرتو قیام جهانی امام زمان علیه السلام گردید. بی‌تردید آینده بشریت، مرهون خون عاشورائیان است؛ چرا که عاشورا، حلقه اتصال آغاز ظهور پیامبران آسمانی، با پایان راه تکاملی ادیان و استقرار عدل جهانی است. اگر راه پیامبران تداوم یافت و سیره آنان در مقابله با اشرار و گروه باطل، حفظ شد و اگر دین اسلام، پاینده و استوار ماند، به برکت خون‌های ریخته شده در عاشورا است.

### حق و باطل

دو انگاره «حق» و «باطل»، از واژه‌های مهم و کلیدی در فرهنگ-نامه دین جاودانه اسلام و دارای مفاهیم و معانی گسترده و گوناگون هستند، به گونه‌ای که در هر برهه‌ای از زمان، تجلیات و نمودهای مختلفی داشته‌اند. مهم‌ترین نمودهای معنایی حق و باطل که در طول تاریخ، بروز و ظهور یافته‌اند را می‌توان در وجود دو گروه و جبهه مخالف هم، شناسایی کرد؛ گروه اول در جبهه خیر، ایمان و

حق‌پرستی و گروه دیگر در جبهه شرّ، کفر، طغیان و فسادگری. در یک جبهه، پیامبران، اولیای الهی، یکتا پرستان، حق‌پویان، عدالت‌گرایان و مؤمنان قرار داشته و دارند و در جبهه مقابل، جبّاران، فراعنه، حاکمان ظلم و جور، مُترَفان، ثروت‌اندوزان، کافران و حق‌ستیزان بوده و هستند.

در طول تاریخ، همواره، بین این دو گروه، نزاع، درگیری و چالش‌های فراوان وجود داشته است و در آینده نیز وجود خواهد داشت. مبارزه و نزاع حق و باطل، در تاریخ بشری و مکاتب الهی، پیشینه‌ای دراز و طولانی دارد. باطل، در زمینه افکار و عقاید- چه در بُعد رفتار و اخلاق، چه در محور اجتماعی و حکومتی، و چه در زمینه فرهنگ و سیاست- به گونه‌ای بوده است که همه پیامبران، اوصیا و امامان با آن، مبارزه کرده‌اند. در این میان، سنت الهی نیز بر آن بوده که با نیروی حق، باطل را نابود سازد.

در همین راستا، بشر، شاهد دو قیام حق‌طلبانه و نهضت باطل-ستیزانه تأثیرگذار و شکوهمند بوده و خواهد بود:

۱. نهضت عاشورایی امام حسین علیه السلام، در دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری.

۲. قیام حق‌پویانه امام مهدی علیه السلام در آخرالزمان.

پیوندها و ارتباطات گسترده و مستقیم این دو قیام و نهضت، به گونه‌ای زیاد است که می‌توان گفت این دو، در حقیقت، تکمیل‌کننده،



تداوم بخش و در امتداد یکدیگر قرار گرفته‌اند. هر دو قیام، در جبهه «حق» تعریف می‌شوند و در برابر آن‌ها، گروه «باطل» (مفسدان، ستمگران، دین‌ستیزان) قرار می‌گیرند. هدف هر دو، اصلاح جامعه فاسد و رو به تباهی است و مهم‌ترین برنامه آن‌ها، احیای آموزه‌های والای دینی- انسانی و ریشه‌کنی ناهنجاری‌ها و موانع رشد و کمال انسان‌هاست.

پیام سیاسی- دینی این دو قیام، مبارزه با حکومت‌های جور و فساد، و عدم سازش با جباران و طاغوت‌ها است و هدف اصلی آن‌ها، رساندن جامعه بشری به تعالی و کمال نهایی - یعنی عبودیت و قرب خدای متعال- و ایجاد انقلاب و دگرگونی در اخلاق و رفتار ناپسند مردم است. یکی، آغازگر جهادی خونین و حماسه‌ای بی‌نظیر علیه ظلم و فساد و بی‌دینی است و دیگری، پایان‌بخش طومار عمر باطل و هدایت‌گر مبارزه نهایی علیه شرّ و کفر.

هر دو قیام در تداوم نهضت‌ها و انقلاب‌هایی است که در طول تاریخ، توسط پیامبران و صالحان، شکل گرفته‌اند و خود نیز منشأ و سرچشمه بسیاری از قیام‌های حق‌طلبانه و ظلم‌ستیزانه بوده و خواهند بود.

در این جا به بررسی پیوندها و ارتباط‌های دو قیام حق‌طلبانه و نقش و تأثیرگذاری آن‌ها بر هم‌دیگر می‌پردازیم.

## یک. تحلیل فلسفی - تاریخی هر دو قیام

توضیح، تفسیر و تحلیل تاریخ بشری و ارتباط مستمر گذشته با حال و آینده، بر عهده «فلسفه نظری تاریخ» است. بر اساس تعریفی جامع و کامل که نگارنده ارائه داده، فلسفه نظری تاریخ، کشف الگو و قوانین حاکم بر تاریخ و شناسایی اهداف، مسیرها و عوامل حرکت آفرین آن، جهت پیش‌بینی آینده و معنابخشی به حرکت تاریخ است.<sup>۱</sup>

قیام امام حسین علیه السلام و مهدی موعود علیه السلام، حلقه‌ای از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق، منتهی می‌شود. سر منزل و مقصد نهایی این مبارزه نیز حاکمیت اهل حق بر جهان، گسترش فضیلت‌های اخلاقی، ریشه‌کنی شرارت و رذالت و تحقق کمال اخلاقی و عقلانی است.

بر این اساس، نهضت امام حسین علیه السلام، در امتداد قیام‌های پیامبران و صالحان و یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین این مبارزات بوده است. مهم‌ترین شاخصه و ویژگی آن - مانند سایر قیام‌های انبیا و اولیا - حق‌محوری و تلاش برای احیای حق و خیر و ایمان بوده است؛ همان‌گونه که مهم‌ترین شاخصه و ویژگی قیام مهدوی نیز، حق‌طلبی و تلاش برای حاکمیت خیر و ایمان و حق خواهد بود.

۱. مقاله «فلسفه نظری تاریخ و دکتیرین مهدویت»، نگارنده، فصل‌نامه انتظار، ش ۱۷، ص ۸۷

در کربلا و حماسه عاشورا، دو جمعیت و گروه، در مقابل یکدیگر قرار گرفتند: یک گروه، نماینده حق و حقیقت، ایمان و حق‌باوری، درستی و صداقت، شرف و کرامت، عبادت و طاعت و در یک کلمه، گروه «حق» بودند و گروه دیگر، نماینده شر و فساد، ظلم و تباهی، نفاق و بی‌ایمانی، پستی و رذالت و در یک کلمه، گروه «باطل».

### باطل‌ستیزی در عاشورا و عصر ظهور

#### الف. قیام حق طلبانه حسینی

امام حسین علیه السلام، نه تنها خود از گروه حق و رهبر آنان بود؛ بلکه مهم‌ترین برنامه و ایده خود را احقاق حق و نابودی باطل می‌دانست. آن حضرت، در موارد و مراحل مختلف به این موضوع، اشاره کرده است. از جمله آن که فرمود: «أَلَا تَرَوْنَ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ الْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ»؛ «آیا نمی‌بینید که به حق، عمل و از باطل پرهیز نمی‌شود؟ سزاوار است که مؤمن برای ملاقات خدا مشتاق باشد».

امام حسین علیه السلام، مهم‌ترین اختلاف خود (و سایر امامان) با بنی‌امیه و یزید را در رابطه با حق-که همانا خدا و توحید است- می‌دانست: «نَحْنُ وَ بَنُو أُمِّيَّةٍ اخْتَصَمْنَا فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، قُلْنَا صَدَقَ اللَّهُ، وَ قَالُوا كَذَبَ

اللَّهِ»<sup>۱</sup>؛ «ما و بنی‌امیه درباره خدا با هم نزاع داریم. ما می‌گوییم خداوند راست گفته؛ اما آنان می‌گویند خداوند دروغ گفته است»!

به همین جهت، شهادت در راه حق و حق‌خواهی را بزرگ‌ترین سعادت و نیک‌فرجامی می‌دانست و به آن افتخار می‌کرد: «مَا أَهْوَنَ الْمَوْتُ عَلَى سَبِيلِ نَبِيلٍ أَلِغِزٍّ وَ إِحْيَاءِ الْحَقِّ»<sup>۲</sup>؛ «مرگ، در راه رسیدن به عزت و زنده کردن حق، چه آسان است».

بر این اساس، محورهای مهم حق‌گرایی و حق‌طلبی در نظر امام حسین علیه السلام عبارت بود از:

توحید و خدامحوری؛ عزت و آزادگی در پرتو حق‌طلبی؛ امامت و ولایت اهل‌بیت علیهم السلام؛ احیای نشانه‌های راستین دین خدا (به عنوان معالم حق)؛ از بین بردن بدعتها و موانع حق‌گرایی (مبارزه با گروه باطل)؛ تداوم سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرمؤمنان علیه السلام؛ اصلاح جامعه فاسد و...

### ب. قیام حق‌طلبانه مهدوی

بر اساس آیات و روایات و ادله دیگر، کشمکش و مبارزه حق و باطل، همیشگی و پایدار نیست؛ بلکه سرانجام با پیروزی و غلبه نهایی گروه حق و حزب خدا و شکست و اضمحلال گروه باطل و حزب

۱. همان، ج ۳۱، ص ۵۱۷.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۴۲۰.

شیطان، پایان می‌یابد.

این پیروزی و غلبه کامل حق بر باطل، در عصر مهدی موعود علیه السلام، تحقق خواهد یافت و این اوج حرکت تاریخ برای رسیدن به آخرین منزل مبارزه است. رسیدن به این منزل، نزدیک شدن به مرحله والا و متکامل تاریخ، یعنی عبودیت و قرب خدای متعال و دوری از استکبار، افساد و ابلیس‌گرایی است.

بر اساس دیدگاهی که اسلام در فلسفه نظری تاریخ دارد، حق و ایمان با قیام و پیروزی امام مهدی علیه السلام، به طور کامل تحقق خواهد یافت و سپاه ظلمت و کفر، از بین خواهد رفت. در این عصر، تمامی نیروهای اهریمنی و شیطانی، فرجام ذلت‌باری می‌یابند؛ قدرت و شوکت ظاهری و باطل آن‌ها فرو خواهد پاشید؛ حربه‌های شیطنت و فسادگری ابلیس و زمینه‌های انحراف و استکبار انسان، از بین خواهد رفت؛ حضرت مهدی علیه السلام، رهبری گروه حق را بر عهده می‌گیرد و با تمام توان، به جنگ نهایی با جبهه کفر و باطل می‌پردازد تا در تحقق وعده الهی - مبنی بر حاکمیت عدالت، معنویت، امنیت، عقلانیت و دیانت - پیروز شود. بدین ترتیب، تاریخ زندگی بشری نیز به فرجام شکوه‌مند خود می‌رسد.

«شقاوت» و «سعادت» که در کربلا مشاهده شد، بار دیگر، در مقیاس کلی‌تر و در سطح گسترده جهانی، در عصر ظهور دیده خواهد شد. مخالفان و دشمنان حضرت مهدی علیه السلام نیز از طیف‌ها و گروه‌های

مختلفی خواهند بود. هم‌چنان‌که نقل شده است: «... [امام مهدی علیه السلام] علیه یهود، نصارا، صائبین، مادی‌گرایان و برگشتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب کره زمین، قیام می‌کند و اسلام را به آنان پیشنهاد می‌دهد...»<sup>۱</sup>.

در لسان روایات نیز، بسیاری از آیات مربوط به حق و باطل و نصرت مؤمنان و...، به امام مهدی علیه السلام تفسیر و تأویل شده است. جابر می‌گوید: «شنیدم که امام باقر علیه السلام، درباره آیه شریفه «لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَ يُبْطِلَ الْبَاطِلَ»<sup>۲</sup>، فرمود: «مراد این است که هنگام خروج حضرت قائم علیه السلام، حق آل محمد علیهم السلام را تثبیت می‌کند و باطل را بر می‌اندازد»<sup>۳</sup>.

این، آخرین جنگی است که بشر، شاهد آن خواهد بود و پس از پایان این نزاع و رفع فساد و فتنه و ستم از جهان، حضرت مهدی علیه السلام دست به اقدامات اصلاحی و احیاگرانه خواهد زد؛ به طوری که هیچ مانعی در برابر فعالیت‌های گسترده و جهانی او نخواهد بود<sup>۴</sup> و در واقع این آیه محقق خواهد شد که: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ...»<sup>۵</sup>.

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴.

۲. «تا حق را محقق و پایدار کند و باطل را محو و نابود سازد»؛ سورة انفال، آیه ۸.

۳. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۶۸؛ اثبات الهداة، ج ۷، ص ۹۷.

۴. ر. ک: آینده جهان، جلال برنجیان، ص ۱۷۹ و ۱۸۰.

۵. «با کافران بجنگید تا دیگر فتنه و فسادى نماند»؛ سورة بقره، آیه ۱۹۳؛ سورة انفال، آیه ۳۹.

## دو. تحلیل نظامی (انتقام و خون خواهی)

یکی از ابعاد قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه علاوه بر جنبه‌های اصلاح‌گری، انسان‌سازی، عدالت‌گستری، کمال‌بخشی و احیاگری، جهاد بی‌امان با کفار و خون‌خواهی آن حضرت از دشمنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام - به خصوص امام حسین علیه السلام - و تمامی مظلومان و هم‌چنین پایان‌بخشیدن به عمر دولت‌های جائر و نامشروع خواهد بود؛ تا آن‌جا که زمین، آکنده از عدل و داد خواهد شود و دولت‌های ظالم و ستمگر از بین خواهند روند.

مهم‌ترین بُعد این قضیه، آن است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه انتقام‌گیرنده خون حضرت اباعبدالله، حسین بن علی علیه السلام خواهد بود. این بشارت و وعده‌ای است که خداوند متعال، در روز عاشورا به فرشتگان داده است.

پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز انتقام‌گیری خون حسین علیه السلام را بر عهده مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه دانسته‌اند. بر اساس روایات مختلفی که در این زمینه موجود است، به یقین، یکی از ابعاد انقلاب و جهاد حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، خون‌خواهی از دشمنان امام حسین علیه السلام خواهد بود؛ البته معنا و گستره این انتقام‌گیری نیز در روایات، مشخص شده است؛ یعنی، با توجه به روایات، آن حضرت، ابتدا از کسانی که راضی به شهادت امام حسین علیه السلام بوده و به جنایات پدران خود افتخار می‌کنند، انتقام خواهد گرفت؛ و سپس از همه کسانی که با خدا، رسول او، اهل

بیت علیه السلام و همهٔ مظلومان و مستضعفان عالم، دشمنی داشته‌اند. در عصر ظهور، زلال همیشه جاری خون حسینی، طوفانی سهم‌گین خواهد شد که طومار عمر ظالمان و جبّاران را در هم خواهد پیچید و ریشهٔ فساد و ستم را بر خواهد کند. بنابراین اگرچه گروه باطل مدتی جولان بدهد و برای خود، شوکت و قدرت ظاهری دست و پا کند، اما بالاخره نابود خواهد شد و از میان خواهند رفت و این تداوم راه حق و حقیقت در هر عصر و زمانی است.

در اینجا به برخی از روایات مربوط به انتقام امام مهدی علیه السلام از دشمنان و گروه باطل اشاره می‌شود.

#### الف. انتقام‌گیری خون حسین علیه السلام

در روایت مشهوری آمده است: «الْقَائِمُ مِنَّا إِذَا قَامَ طَلَبَ بَنَاءَ الْحُسَيْنِ علیه السلام؛ «هنگامی که قائم علیه السلام ما قیام کند، خون حسین علیه السلام را طلب خواهد کرد».

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرموده‌اند: «چون حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسید، فرشتگان الهی ضجّه سردادند و گفتند: "پروردگارا! با حسین چنین شد؛ در حالی که او برگزیدهٔ تو و فرزند پیامبر تو است!" پس خداوند، نور قائم علیه السلام را به آنان نشان داد و فرمود: "به

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰، ح ۶۱؛ بحار الانوار، ح ۶۴، ص ۲۱۸، ح ۷.



وسیلۀ قائم علیه السلام، انتقام او را خواهیم گرفت»<sup>۱</sup>.

### ب. انتقام گیری خون حسین علیه السلام وظیفۀ همگانی

از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «همانا [در روز عاشورا] چهار هزار فرشته برای نصرت و یاری حسین علیه السلام، به زمین فرود آمدند اما هنگامی که نازل شدند، دیدند حسین علیه السلام کشته شده است؛ از این رو ژولیده و غبارآلود در نزد قبر آن حضرت، اقامت کردند و هم‌چنان خواهند بود تا آن که قائم علیه السلام، قیام کند. آن‌گاه آنان از یاوران و سپاه آن حضرت و شعارشان «یا لثارت الحسین» خواهد بود»<sup>۲</sup>. بر اساس این روایت، در آن هنگامه، همگان برای انتقام‌گیری خون اباعبدالله علیه السلام دعوت می‌شوند.

### ج. فریاد انتقام‌خواهی مهدی علیه السلام و یارانش

هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام قیام می‌کند، خود را به عنوان «منتقم خون حسین بن علی علیه السلام» معرفی می‌کند: «الا یا اهل العالم! انا الامام القائم؛ الا یا اهل العالم! انا الصمصام المنتقم؛ الا یا اهل العالم! ان جدی الحسین قتلوه عطشاناً...»<sup>۳</sup>؛ «ای جهانیان! آگاه باشید که من امام قائم هستم؛ ای اهل عالم! آگاه باشید که من شمشیر انتقام‌گیرنده

۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۰، ح ۱؛ کافی، ج ۱، ص ۴۶۵.

۲. امالی صدوق، مجلس ۲۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۵.

۳. الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۸۲.

هستم؛ ای اهل جهان! بدانید که جدّ من، حسین علیه السلام را تشنه کام کشتند...».

در روایت دیگری نیز آمده است، شعار یاران و سپاهیان حضرت مهدی علیه السلام، خون خواهی امام حسین علیه السلام خواهد بود: «إِنَّ شِعَارَ أَصْحَابِ الْقَائِمِ علیه السلام يَا لَثَارَاتِ الْحُسَيْنِ علیه السلام»<sup>۱</sup>.

#### د. انتقام از تمامی دشمنان حق

امام مهدی علیه السلام برای رهایی بشر از چنگال گروه ظلمانی باطل و رفع تمامی موانع رشد و تعالی انسان‌ها، به مبارزه سخت و گسترده علیه آن‌ها می‌پردازد و طی جنگ‌های شدیدی، همه آن‌ها را سرکوب و مغلوب می‌سازد. این گروه باطل، شامل کافران، افسادگران، مشرکین، منافقین، ثروتمندان مترف، مستکبران استضعاف‌گر، دشمنان سرسخت اهل بیت علیهم السلام، ستمگران عدالت‌گریز و... خواهند بود.

بر این اساس، دایره انتقام و خون‌خواهی امام زمان علیه السلام گسترده می‌شود و علاوه بر دشمنان اهل بیت علیهم السلام، شامل دیگر ستمگران نیز می‌گردد. چنان‌چه، امام باقر علیه السلام، آیه شریفه «فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَهْلُهُمْ رُؤُودًا»<sup>۲</sup> را این‌گونه تبیین فرمود: «ای محمد! کافران را تا زمانی که

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱، پ ۶۷.

۲. «پس کافران را مهلت ده و مدت اندکی آنان را در این حالی که هستند، واگذار»؛ سورة طارق، آیه ۱۷.

قائم علیه السلام قیام کند و از ستمگران، جنایت کاران قریش، بنی امیه و هر قوم ظالم دیگر انتقام بگیرد، مهلت بده»<sup>۱</sup>.

### سه. تحلیل سیاسی - دینی

یکی از اساسی ترین ابعاد و وجوه حماسه عاشورا، درس ها، عبرت ها و پیام های جاودانه و فراگیر آن است. این آموزه ها و پیام ها، همواره حیات بخش، حرکت آفرین، تأثیرگذار و ماندگار بوده است. این قیام، هر چند در مکان و زمان خاصی روی داده؛ ولی آثار و برکات آن، همیشگی و گسترده بوده و مرزهای زمانی و مکانی را پشت سر گذارده است.

شعار «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا»، در حقیقت، ارائه یک الگو و برنامه برای همه ملت ها و فرهنگ های حق طلب و عدالت خواه است. بر این اساس، حماسه حسینی یعنی ذلت ناپذیری و عزت نفس؛ ظلم ستیزی و مبارزه با ستم کاران؛ حق گرایی و دعوت به رهبری ائمه علیهم السلام؛ عدالت و برابری؛ آزادی و آزادگی؛ احیای دین و سنت های اسلامی؛ رسواسازی باطل و مبارزه با بدعت؛ اقامه حق و عدل و امر به معروف و نهی از منکر؛ اصلاح جامعه و پیکار با مفسد؛ ترویج روحیه فداکاری و جهاد در راه عقیده و مرام؛ بایستگی تشکیل حکومت دینی؛ تبیین مظلومیت اهل بیت علیهم السلام؛ شکست سلطه ها در

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۹، ح ۱۹؛ الزام الناصب، ص ۲۴۲.

برابر سلاح شهادت و مظلومیت؛ الهام بخشی به آزادگان و حق طلبان؛ موج آفرینی مثبت در تاریخ؛ ضرورت اصلاح جامعه فاسد و منحرف و... با توجه به مؤلفه های یاد شده که سراسر، پیام، عبرت، درس، اثر و نتیجه است، روشن می شود که پیروز واقعی «واقعه طف» (کربلا)، اندیشه و اعتقاد راستین امام حسین علیه السلام است؛ نه شمشیرها و نیزه- های خونریز یزیدی. در واقع، وقتی سخن از پیروزی و ظفرمندی گروه حق به میان می آید (و در قرآن به آن تصریح می شود)، صرفاً غلبه نظامی و مادی مطرح نیست؛ بلکه پیروزی اعتقادی، فکری و معنوی و چیرگی پیام و روح آن است.

در واقعه عاشورا - که لشکر امام حسین علیه السلام و لشکر یزید رویاروی هم قرار گرفته و با هم جنگیدند - هر چند در ظاهر، غلبه و چیرگی، از آن یزید و یزیدیان بوده است؛ اما در واقع، امام حسین علیه السلام پیروز شد و توانست اندیشه و پیام خود را برای همه عصرها و ملت ها به یادگار نهد.

به همین جهت است که در نهضت مهدوی، راه و آرمان او، هویدا و اندیشه و پیامش احیا خواهد گردید؛ به عبارت دیگر، الگو و اسوه انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام، قیام خونین حسینی علیه السلام است.

چنانچه امام راحل رحمه الله در این باره می فرمود: «واقعه ی عظیم عاشورا - از سال ۶۱ هجری - تا خرداد ۴۳، و از آن زمان تا قیام حضرت بقیت

الله ﷻ - اروحنا لمقدمه الفداء - در هر مقطعی، انقلاب ساز است.<sup>۱</sup>

خود حضرت ابا عبدالله علیّه نیز در شب عاشورا و در ضمن یک سخنرانی برای افراد لشکر خود، به آینده و تحولات آن اشاره کرده است. ایشان، ره آورد خون اصحاب و یاران خویش را ایجاد حرکت های بعدی تحلیل می کند و برای یاران، تصریح می نماید که قیامشان تا ابد، زنده و جاویدان خواهد بود تا به ظهور حضرت مهدی علیّه و حکومت جهانی قرآن، متصل شود.

ایشان در همان سخنرانی می فرمایند: «فَوَ اللَّهُ لَئِنْ قَتَلُونَا فَإِنَّا نَرِدُّ عَلَى نَبِيَّنَا ثُمَّ أَمْكُثُ مَا شَاءَ اللَّهُ فَأَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ...»<sup>۲</sup> و این گونه به عصر ظهور و دوران رجعت و بازگشت دوباره امامان معصوم اشاره می نمایند و خود را تداوم بخش حکومت عدل جهانی مهدی علیّه معرفی می کنند. در حقیقت، ایشان با طرح این مباحث در شب عاشورا، در صدد زمینه سازی مناسب برای ایجاد آمادگی لازم در یاران بوده است.

به یقین، قیام امام مهدی علیّه نیز، ادامه نهضت عاشورا و برگرفته و ملهم شده از آن است. مهم ترین دلیل این برداشت، یکسانی و هماهنگی اهداف، پیام ها و برنامه های هر دو قیام است.

۱. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۷۹.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸۱: الخرائج لا لجرائع، ج ۳، ص ۸۴۸، ح ۶۳.

در این جا به برخی از مؤلفه‌های مشترک هر دو قیام اشاره می‌شود.

## الف. پیام‌ها و اهداف قیام حسینی

### ۱. بایستگی قیام حق طلبانه علیه باطل‌گرایی

امام حسین علیه السلام، در تشریح شرایط زمانه خویش که ایشان را ملزم به قیام مسلحانه می‌کرد، فرموده است: «آیا نمی‌بینید که به حق، عمل نمی‌گردد و از باطل، روی گردانی نمی‌شود؟<sup>۱</sup>». ایشان، در حقیقت به این موضوع اشاره دارند که چون جامعه دچار چنین وضعیتی شده است، برای اصلاح آن، قیام کرده اند و در این سیر اگر کسی از ایشان حمایت کند، حق را یاری کرده است: «فمن قبلنی بقبول الحق فالله اولی بالحق...»؛ «هر کس این را نپذیرد که حق است، راه خدا را پذیرفته است...».

### ۲. عدالت‌گرایی و برپاداشت قسط

از برنامه‌ها و ایده‌های امام حسین علیه السلام در قیام کربلا، دعوت به عدالت و برابری انسان‌ها و شکستن سلطه تبعیض و بیداد، و گسستن حصارها و بندهای بردگی از دست و پای مردم بود. امام حسین علیه السلام در نامه‌ای به مردم کوفه نوشت: «فَلْعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ،

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱

القائمُ بِالْقِسْطِ الدَّائِنُ بِدِينِ الْحَقِّ...»<sup>۱</sup>؛ «به جان خودم سوگند؛ امام و پیشوا کسی است که با کتاب خدا داوری کند، دادگر و عدالت گستر باشد و خود را متدین به دین حق نماید».

### ۳. مبارزه با حکومت فسق و جور (ستم‌ستیزی)

یکی از برنامه های اساسی امام حسین علیه السلام، مبارزه پیگیر و مداوم با ظلم و ستم حاکمان وقت و ریشه‌کنی جور و استکبار و خود کامگی از جوامع اسلامی بود.

آن حضرت، به قرار گرفتن خلافت در دست فاسق و جائری چون یزید اعتراض شدیدی، داشت و می‌فرمود: «وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ، إِذْ قَدْ بُلِيتِ الْأُمَةُ بِرَاعٍ مِثْلُ يَزِيدٍ...»<sup>۲</sup>؛ «اگر کسی مانند یزید، حاکم امت شود، باید با اسلام وداع کرد». ایشان هم‌چنین از این که در دوران چنین افرادی زندگی می‌کرد، اظهار برائت می‌نمود و می‌فرمود: «فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»<sup>۳</sup>.

### ۴. هدایت‌گری و نجات‌بخشی

امامت، در حقیقت، هدایت و راهبری انسان به راه راست و حقیقی، و دعوت او به سوی رشد و سعادت و معنویت است و یکی از

۱. الارشاد مفید، ص ۲۰۴.

۲. لُهوف، ص ۲۰.

۳. تحف العقول، ص ۲۴۹؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۰۵.

محورها و برنامه‌های بنیادین امام حسین علیه السلام نیز، چه در طول حیات پربار خود و چه در جریان قیام کربلا، ارشاد و هدایت امت و تلاش برای رساندن آنان به کمال و سعادت بود. به همین جهت، ایشان از هر فرصتی برای دعوت و آگاهی‌بخشی به آنان استفاده می‌کرد و آنان را به نیکی‌ها، فضایل اخلاقی، ایمان، معنویت و... دعوت می‌نمود.

### ۵. اصلاح‌گری و تحول‌گرایی مثبت

یکی از اهداف و غایات امام حسین علیه السلام از قیام، ایجاد اصلاحات اساسی در جامعه و دگرگون کردن رفتارها، پندارها و گفتارهای نادرست و انحرافی بود؛ چراکه اسلام اموی، آموزه‌های وحیانی را تحریف کرده و برداشت‌ها و سلايق شخصی را جایگزین آن ساخته بود و سطوح مختلف جامعه، دچار خمودگی، نفاق، دنیازدگی، فساد و انحراف شده بودند؛ به همین جهت، اصلاح جامعه در ابعاد مختلف آن، ضروری می‌نمود.

در آن شرایط، امام حسین علیه السلام قیام کرد و مهم‌ترین پیام و شعار خود را این‌گونه بیان داشت: «أَنْتِي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَّتْ سَلَامٌ عَلَيْهَا أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي



طَالِبٌ عَلَيْهِ السَّلَام؛<sup>۱</sup> «من نه از روی هوس و سرکشی و تبه کاری و ستمگری، که تنها به انگیزه اصلاح در امت جدّم قیام کردم. می خواهم به نیکی ها فرمان دهم و از بدی ها باز دارم و روش جدّ خود و پدرم، علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام را دنبال کنم».

## ۶. احیای آموزه های دینی

از دیگر از علت ها و انگیزه های مهم نهضت عاشورا، حفظ دین اسلام، احیای آموزه های متعالی آن و بدعت ستیزی و تحریف زدایی از چهره غبارگرفته دین بود. در حقیقت، امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام به دنبال زنده کردن آموزه ها و تعالیمی چون امر به معروف، نهی از منکر، ایثار-گری در راه دین، پرهیز از منکرات و حرام خواری، لزوم اطاعت از قرآن، ترویج عزت و آزادگی و جوان مردی، عمل به تکلیف، شهات-طلبی در راه خدا، دوری از دنیاگرایی و... بود.

## ۷. تشکیل حکومت و اعمال ولایت سیاسی

امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، با بیعت نکردن با یزید و قیام علیه او، حکومت او را نامشروع جلوه دادند و در حقیقت، در صدد پس گیری منصب خلافت برآمدند. اگر چه ایشان، در دست گرفتن حکومت را تنها وسیله ای برای رسیدن به دیگر اهداف والا و متعالی خود می دانستند. اکنون و با روشن شدن اهداف نهضت حسینی، اگر به مرور اهداف

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۰.

و برنامه‌های حضرت مهدی علیه السلام بپردازیم، در می‌یابیم که غالباً در تداوم و تکمیل نهضت حسینی علیه السلام هستند.

## ب. پیام‌ها و اهداف نهضت مهدوی

### ۱. حق‌گرایی و محو تمامی جلوه‌های باطل

حضرت مهدی علیه السلام در این راستا، نهضتی گسترده، قاطع و حق-طلبانه را رهبری می‌کند که در مدتی کوتاه، بر همه سران کفر و گمراهی چیره می‌گردد و سپاهیان شیطان را نابود می‌سازد. چنان‌چه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «يُظْهِرُ اللَّهُ الْحَقَّ بِهِمْ وَ يُخْمِدُ الْبَاطِلَ بِأَسْيَافِهِمْ...»<sup>۱</sup>؛ «خداوند حق را به دست آنان ظاهر می‌کند و باطل را با شمشیرهایشان نابود می‌سازد».

### ۲. عدالت‌گستری و برپاداشت قسط

قیام امام مهدی علیه السلام، نه تنها نهضتی برای گسترش عدل و داد و قسط است؛ بلکه او، خود، مظهر عدالت و دادگری است (هو العدل المنتظر و هو الامام العادل). «عدالت»، تنها با ظهور و وجود امام مهدی علیه السلام معنا و بروز پیدا می‌کند و این آرمان همیشگی تاریخ بشر، به دست حسینی او محقق می‌شود.

۱. /مالی طوسی، ص ۳۵۲؛ کشف الغمّة، ج ۱، ص ۳۹۹.

### ۳. ظلم‌ستیزی و نابودی حکومت‌های فسق و جور

همان‌گونه که امام حسین علیه السلام به سبب ظلم و فسادگری حکومت و فزونی رنج و اندوه مردم، قیام نمود؛ امام مهدی علیه السلام نیز زمانی به پا خواهد خاست که فسق و فجور حکومت‌ها و گروه‌های تأثیرگذار بر جامعه، از نهایت بگذرد و بشر در گردابی از بیدادگری‌ها، تبعیض‌ها، انحرافات و... غرق شود. نجات بشر، در گرو رفع موانع و بن‌بست‌ها است و این مهم، با نابودی تمام مظاهر فسق و فجور، امکان‌پذیر است. امیر المؤمنین علیه السلام، در این باره می‌فرمایند: «... وَ لَيُعْزِلَنَّ عَنْكُمْ أُمَرَاءَ الْجَوْرِ وَ لَيُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍ...»؛ «به طور حتم، او [مهدی علیه السلام] فرمان‌روایان ظالم و جائر را بر کنار می‌کند و زمین را از لوٹ گمراه‌کنندگان و خدعه‌کاران، پاک می‌گرداند».

### ۴. هدایت‌گری و ارشاد بشر

یکی از وجوه ممتاز و برتر عصر ظهور، هدایت بشر به سوی راه مستقیم الهی که همانا راه توحید و اسلام است، می‌باشد؛ همان‌گونه که امام حسین علیه السلام نیز درصدد تحقق این امر بود (وَ مَا أَهْدِيَكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ<sup>۱</sup>). امام زمان علیه السلام از شیوه‌ها و راه‌های مختلف به هدایت و راهنمایی بشر می‌پردازد و ضمن تبیین صراط نورانی ایمان، بر

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

۲. «و شما را جز به راه راست هدایت نمی‌کنم»؛ سوره غافر، آیه ۲۹.

بصیرت، عقلانیت و معنویت انسان‌ها می‌افزاید.

در واقع، نجات و سعادت بشر و رهنمونی او به قلّه کمال و تعالی در سایه عبودیت و یکتا پرستی، به دست آن امام، محقق خواهد شد. چنان‌چه در روایتی آمده است: «يُشِيرُ بِالتَّقَى وَ يَعْمَلُ بِالْهُدَى...»؛ «[مهدی علیه السلام] با تقوا گام بر می‌دارد و بر اساس هدایت، رفتار می‌کند...».

## ۵. اصلاح‌گری و تربیت انسان‌ها

همان‌گونه که عدالت مهدوی علیه السلام دارای ابعاد و زوایای مختلفی، چون عدالت سیاسی، عدالت توزیعی، عدالت قضایی و دادگری، عدالت اخلاقی و... است، اصلاحات ایشان نیز در زمینه‌های گوناگون، جاری و محقق خواهد شد. اصلاح اخلاق و رفتارهای ناپسند، اصلاح قوانین و مقررات، اصلاح برداشت‌های نادرست از دین، اصلاح سیستم و ساختار معیوب سیاسی- اجتماعی، اصلاح روابط مردم در سطوح مختلف (با خدا، با خود، با دیگران و با طبیعت) و... از جمله برنامه‌ها و اقدامات سازنده و اصلاح‌گرایانه امام عصر علیه السلام است.

## ۶. احیاگری و زنده‌کردن آموزه‌های الهی و دینی

امام مهدی علیه السلام، بزرگ‌ترین احیاگر آموزه‌های دینی و مبلّغ تعالیم راستین دین الهی خواهد بود. این احیاگری به حدی خواهد رسید که

بسیاری از گفتارها و برنامه‌های آن حضرت، نو و جدید به نظر خواهد آمد.

امام صادق علیه السلام، این گونه به این موضوع اشاره کرده‌اند: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَ جَاءَ بِأَمْرِ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ فِي بَدْوَ الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرِ جَدِيدٍ»<sup>۱</sup>؛ «هنگامی که قائم علیه السلام قیام می‌کند امر جدید می‌آورد؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آغاز اسلام به امری جدید دعوت کرد».

## ۷. تشکیل حکومت دینی

بعد سیاسی و تشکیل حکومت جهانی اسلام، از محورهای مهم نهضت حضرت مهدی علیه السلام است.

حکومت و دولت آن حضرت، فراگیر و جهانی خواهد بود و قدرت و سلطه ایشان، از شرق تا غرب دنیا را فرا خواهد گرفت. دولت و نظام سیاسی مهدوی-که پس از نابودی و پایان یافتن تمامی دولت‌های عالم، شکل خواهد گرفت- بهترین، کامل‌ترین، مردمی‌ترین و تأثیرگذارترین دولت‌ها خواهد بود. در این حکومت جهانی، اصحاب و یاران مؤمن حضرت، به عنوان حاکمان و والیان کشورها و بلاد مختلف، برگزیده و منصوب خواهند شد.

روایات متعددی به موضوع حکومت حضرت مهدی علیه السلام پرداخته‌اند.

۲. /ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۴؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۶۵.

از جمله، سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود: «وَيَبْلُغَ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ»؛ «سلطه و برتری او [حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه]، شرق و غرب [جهان] را در بر می گیرد».

هم چنین امام صادق علیه السلام فرموده اند: «وَدَوْلَتُنَا فِي آخِرِ الدَّهْرِ تَظْهَرُ»؛ «دولت ما، در آخر الزمان ظاهر می شود».

در روایتی از امام باقر علیه السلام نیز آمده است: «دَوْلَتُنَا آخِرُ الدُّوَلِ وَلَنْ يَبْقَى أَهْلُ بَيْتٍ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لِنَلَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا مِثْلَ سِيرَةِ هَؤُلَاءِ»؛ «دولت ما (دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه)، آخرین دولت ها است؛ هیچ خاندانی که حکومتی برای آن، مقدّر شده باشد، نیست؛ جز آن که پیش از او به حکومت می رسد؛ تا کسی نگوید: "اگر ما نیز به قدرت می رسیدیم، این چنین، رفتار می کردیم"».

با توجه به تحلیل های سیاسی و دینی ارائه شده، روشن می شود که هر دو قیام، وجوه و ابعاد مشترک فراوانی دارند که آن را می توان در اهداف، برنامه ها و خواست های همسان آن ها مشاهده کرد. برخی از این اهداف، در قیام عاشورا، به تحقق پیوست و باقی آن ها در عصر ظهور و در پرتو نهضت جهانی مهدوی عجل الله تعالی فرجه تحقق خواهد یافت.

۱/ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۰، و ص ۳۳۰؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۱، ج ۱۲

۲/ مالی صدوق، ص ۶۸۹، ج ۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۳، ج ۳

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳

حق خواهی و باطل ستیزی، عدالت خواهی و برپاداشت قسط، نابودی حکومت های فسق و جور و ستم، هدایت گری و نجات بخشی، اصلاح-گری و تحول گرایی مثبت، احیای آموزه های متعالی دین و در نهایت، تشکیل حکومت و تحقق ولایت سیاسی امامان، بعضی از این وجوه مشترک است.

قیام امام حسین علیه السلام، نقش ویژه و تأثیرگذاری در ارائه این اهداف و برنامه ها به صورت پیام ها و عبرت های جاودانه و جهانی داشته و تحقق کامل آنها نیز به دست حضرت مهدی علیه السلام اتفاق خواهد افتاد.







---

## دلایل پیوند عاشورا و انتظار

---

□ حجت الاسلام و المسلمین امان‌الله شفايي \*

### مقدمه

«عاشورا» و «انتظار»، در تطوّر حیات مکتب شیعه، دو نقطه عطف، محسوب می‌شوند و با همین دو مفهوم، بسیاری از مبانی، اصول و عقاید مذهب تشیع، مورد مطالعه قرار گرفته و از سایر فرقه‌ها و نحله‌های اسلامی، باز شناخته می‌شود. البته ما معتقدیم که اساس و مبنای تشیع، به وسیله پیامبر ﷺ گذاشته شده است و شخصیت‌هایی مانند حضرت علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسن علیه السلام برای نشو و نشر آن زحمات فراوانی کشیده و مرارت‌های بسیاری را تحمل کرده‌اند؛ اما حادثه عاشورا به عنوان انقلابی شناخته می‌شود که موجب شد بسیاری از زوایای تاریک و پنهان عملکرد

---

\* محقق و پژوهشگر.

خاندان اموی آشکار شود و اسلام حقیقی و نیز حقانیت ائمه علیهم السلام، عیان گردد.

پس از واقعه کربلا و امامت ائمه بعدی علیهم السلام، جریان غیبت آخرین امام شیعیان، برجسته‌ترین موضوعی است که جزء اعتقادات اصلی پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، به شمار می‌آید. این اعتقاد برخاسته از این اصل است که خداوند هیچ‌گاه، زمین را بدون حجت نمی‌گذارد. بر این اساس و با غایب شدن ظاهری حجت‌بن‌الحسن علیه السلام از نظرها، مفهوم «انتظار» متولد، و مسئله انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام جزء مبانی فکری و عقیدتی واقع شد.

بر اساس این مفهوم، اگر چه حجت خدا، در پس پرده غیبت به سر می‌برد، اما به صورت محسوس و غیر محسوس، جهانیان و خاصه، شیعیان را همواره از عنایات و توجهات خود، بهره‌مند می‌کند و لحظه‌ای از راهنمایی و ارشاد آنان، باز نمی‌ایستد.

به دنبال پذیرش مسئله غیبت، این اعتقاد نیز تثبیت شد که با فراهم شدن شرایط ظهور، آن حضرت به اذن خداوند ظهور خواهد کرد و بساط ظلم و بیداد را برخواهد چید و جامعه را به سوی کمال و سعادت، هدایت خواهد کرد.

هرچند که از عاشورا، به عنوان یک واقعه و حادثه یاد می‌شود و از انتظار، به عنوان یک اعتقاد؛ ولی بررسی و شناخت شخصیت‌های خالق این دو مفهوم و اهداف و برنامه‌های ایشان، این فرضیه را به

دست می‌دهد که میان این دو عنصر اصلی اعتقادات شیعی، اتحاد و هم‌پوشانی کامل برقرار است.

اما این ارتباط، چیست و چگونه این دو مفهوم، در یک قالب جای می‌گیرند و نهایتاً به هم می‌پیوندند؟  
این، سوالی است که پاسخ به آن، هدف این نوشتار است.

### تحلیلی بر مفاهیم

**پیوند:** در لغت به معنی «خویشاوندی و نزدیکی نسبی» و هم‌چنین به عمل «فروبردن شاخه درختی به درخت دیگر» گفته می‌شود.<sup>۱</sup> گاهی، پیوند و رابطه‌ای که میان دو چیز و یا دو کس برقرار می‌شود، آن دو را تا سر حدّ «اتحاد» پیش می‌برد؛ به گونه‌ای که میان آنان، هیچ فاصله و مرزی باقی نمی‌ماند. مراد از پیوند در عبارت «پیوند عاشورا و انتظار»، به نوعی با هردوی این معانی سازگار است.

**عاشورا:** در زبان عربی، به معنی دهمین روز ماه است. عاشورا از جمله روزهایی است که نزد مسلمانان و یهودیان، اهمیت داشته و دارد. به اعتقاد یهودیان، عاشورا یا «کیپور»، روزی است که خداوند در آن، فرعونیان را در رودخانه نیل غرق کرد و حضرت موسی علیه السلام و بنی‌اسرائیل را از دست ایشان نجات داد؛ از این رو، روز دهم ماه تشرین را -که عید کیپور نامیده می‌شود- روزه می‌گیرند و آن را

۱. لغت‌نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، دانشگاه تهران، [بی تا]، ۱۳۴۲ ش، ج ۱۲، صص ۷۹۸ - ۸۰۲.

کفارهٔ گوساله‌پرستی بنی اسرائیل، می‌دانند.

البته بسیاری از مورخان عرب، معتقدند که عاشورای مورد نظر یهودیان، با عاشورای مسلمانان، از لحاظ زمانی تفاوت دارد. به اعتقاد آنان، عاشورای یهود (کیپور)، روز دهم ماه تشرین (اولین ماه عبری) است.

اما در نزد مسلمانان، این روز اعتبار دیگری دارد. بسیاری از اهل سنت، این روز را روزی مبارک و خجسته می‌دانند و بر این باورند که در این روز، خداوند، آدم و حوا را آفریده است؛ لذا روزه گرفتن در این روز را مستحب می‌دانند. ولی در نظر شیعیان، این روز، به جهت کشته شدن امام حسین علیه السلام در آن، شوم است؛ لذا این روز را روز حزن و اندوه قرار می‌دهند و در مساجد، برای امام حسین علیه السلام، نوحه-سرایی و مرثیه‌خوانی می‌کنند.<sup>۱</sup>

**انتظار:** در لغت، به معنی «چشم به راه داشتن»<sup>۲</sup>، و در اصطلاح «چشم‌انتظاری برای فرا رسیدن ظهور موعود آخرالزمان» است. هرچند که اعتقاد به «مهدویت»، در بسیاری از ادیان و مذاهب وجود دارد، اما «انتظار»، در فرهنگ شیعه، هویت یافته است. به اعتقاد مکتب شیعه، دوازدهمین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله، در پس پردهٔ غیبت است

۱. دایرة المعارف بستانی، معلم پطرس بستانی، دارالمعرفه، بیروت، [بی تا]، ج ۱۱، ص ۴۴۶

۲. لغت‌نامهٔ دهخدا، ج ۷، ص ۲۹۴

و در زمانی که فقط خدا می‌داند، ظهور خواهد کرد؛ لذا اعمال و مناسکی را جهت تعجیل در فرج آن حضرت، انجام می‌دهند.

### عاشورا و انتظار به مثابه دو فرهنگ

روشن است که منظور از عاشورا، صرف واقعه‌ای که در آن، امام حسین علیه السلام و یارانش به شهادت رسیدند نیست. چه آن‌که، اگر با این رویکرد، سالگرد عاشورا را گرامی بداریم، آن را به سطح یک سنت، تنزل داده‌ایم. بنابراین عاشورا را باید به چشم حادثه‌ای نگریست که رفته‌رفته به شکل فرهنگی پایدار در آمده و بر باورهای اعتقادی، استوار گشته است؛ لذا می‌توان ادعا کرد که حادثه عاشورا، از سطح فرهنگ نیز گذشته و به مثابه یک مکتب درآمد است. در این فرهنگ و مکتب، مفاهیمی همانند عزت، ایثار، شجاعت، ایمان، عمل به تکلیف و... به برکت حماسه امام حسین علیه السلام و اصحابش، بسیار جلوه‌نمایی می‌کند.

انتظار نیز به باور ما، بر مدار معنای لغوی و حتی بر محور اعتقاد تعبدی به ظهور امام زمان علیه السلام، نمی‌گردد. انتظار در فرهنگ شیعی، مفهومی با تشعشعات همه‌جانبه است. در این باور، انتظار، صرفاً اعتقاد به ظهور منجی نیست؛ بلکه اعتقادی عملی و همراه با مسئولیت می‌باشد و مهمترین مسئولیت نیز، فراهم نمودن زمینه های ظهور و دعا برای فرج حضرت حجت علیه السلام است. به این ترتیب، اعتقاد به ظهور، همراه با عمل به تکالیف، رنگ و بوی عبادی پیدا

می‌کند؛ همان‌گونه که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «انتظارُ الفرجِ عبادة»<sup>۱</sup>. پس انتظار نیز همانند عاشورا، تبدیل به فرهنگ شده است؛ فرهنگی که در رأس آن، اعتقاد به غیبت و ظهور دوازدهمین ولیّ خداوند، قرار دارد.

### شخصیتهای اصلی فرهنگ عاشورا و انتظار

چنان چه گذشت، عاشورا و انتظار از حد یک واقعه و عقیده عبور کرده و تبدیل به دو فرهنگ قوی و بالنده شده‌اند که امام حسین علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام، به عنوان قهرمانان و شخصیت‌های اصلی، در رأس آن‌ها قرار دارند. در واقعه کربلا، امام حسین علیه السلام مرکزیت جریان را بر عهده داشت. ایشان در تمام طول جریان کربلا- یعنی از زمانی که کاروان حسینی علیه السلام، به واسطه اجبار یزید بر اخذ بیعت، تصمیم به خروج از مدینه گرفت و در مسیر پر حادثه کربلا واقع شد، تا زمانی که حماسه خونین عاشورا به وقوع پیوست- محوریت اصلی را به دوش می‌کشید و تصمیمات به اراده ایشان، اتخاذ می‌شد. هر چند که در قیام عاشورا، خاندان آن حضرت، به ویژه حضرت زینب علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام نیز هنرنمایی کرده‌اند، اما جملگی آنان، تحت پرچمی گرد آمده بودند که امام حسین علیه السلام به اهتزاز درآورده بود.

۱. بحار/الانوار، مؤسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۳ ق، ج ۵۲، ص ۱۲۲

اما در فرهنگ انتظار، قهرمان و شخصیت اصلی، حضرت حجت‌بن‌الحسن علیه‌السلام است. در این فرهنگ، همان‌گونه که امام حسین علیه‌السلام، در جایگاه امامت، حماسه عاشورا را خلق کرد، حضرت حجت علیه‌السلام نیز از همان جایگاه، فرهنگ و عقیده انتظار را آفرید.

پنهان شدن آن حضرت از نظرها، باعث شد که پیوسته شعله شور و اشتیاق به ظهور و دیدار آن حضرت، در قلوب منتظران و پیروان، زبانه کشد. در فرهنگ انتظار، همه عناصر، پیرامون شخصیت آن حضرت قرار می‌گیرد. سخن گفتن از تاریخ و فلسفه غیبت، دوران غیبت، مدت غیبت، ارتباط با نائبان خاص، شرایط و زمان ظهور، وظایف منتظران و هر موضوعی که در فرهنگ انتظار مطرح می‌شود، به صورت مستقیم به شخصیت حضرت حجت علیه‌السلام مرتبط است.

بدین ترتیب، هنگامی که از پیوند عاشورا و انتظار سخن می‌گوییم، به نوعی از پیوند امام حسین علیه‌السلام و حضرت مهدی علیه‌السلام سخن گفته‌ایم؛ چه آن‌که، عاشورا و انتظار با نام این دو شخصیت الهی، قابلیت طرح و معنا پیدا می‌کند و اگر برای یک لحظه نام امام حسین علیه‌السلام و حضرت مهدی علیه‌السلام را از مفهوم عاشورا و انتظار جدا کنیم، برای این دو مفهوم، ماهیتی جز معنای لغوی، باقی نخواهد ماند.

### مهمترین دلایل پیوند

با اندکی تأمل پیرامون حادثه عاشورا و مفهوم انتظار، همبستگی و پیوند میان آنان، روشن می‌گردد؛ که جملگی این روابط، در ظلّ

اصلی‌ترین دلیل، که حقانیت و حقیقت دین اسلام است، جای می‌گیرند. بنابراین، دلیل اصلی پیوند عاشورا و انتظار و حتی دیگر مفاهیم و عناصر اسلامی، دین مبین اسلام است که تمام موضوعات و مسایل دینی، در متن آن، تعریف می‌شوند.

اما آن‌چه که از آن، به عنوان مهم‌ترین دلایل پیوند عاشورا و انتظار، یاد می‌شود، صرفاً تحلیل و تشریح موضوع، از طریق تقسیم تفکیک آن است؛ وگرنه این روابط، کاملاً آشکار و هویدا است. هرچند، مدعی نیستیم که تمام دلایل را به صورت جامع و مانع، دسته‌بندی کرده‌ایم؛ چه آن‌که، بررسی و تحلیل موضوع عاشورا و انتظار، به اندازهٔ وسعت این دو مفهوم، گسترده است. خوشبختانه برای تمامی جنبه‌ها و حوزه‌هایی که از مبحث عاشورا و انتظار، استخراج می‌شود، پشتوانهٔ عظیمی از روایات معصومین علیهم‌السلام وجود دارد. به گونه‌ای که بیش از ده هزار روایت، دربارهٔ تمام جوانب مفهوم مهدویت، موجود است.<sup>۱</sup> اینک، مهم‌ترین و کلی‌ترین دلایل پیوند میان عاشورا و انتظار، را با استفاده از روایات تشریح می‌کنیم.

### ۱. خاندان واحد

هرچند که نسبت‌های خونی، تنهاترین عامل انتقال صفات و خُلقیات، از نسلی به نسل دیگر نیست، اما همین عامل، یکی از

۱. /ستر/تزی/انتظار، اسماعیل شفیعی سروسناتی، موعود عصر، تهران، چ پنجم، ۱۳۸۰ش، ص ۶۹



اصلی‌ترین عوامل اتصال صفات و خصوصیات جسمانی و نفسانی از گذشتگان به آیندگان است. علم و تجربه، نشان داده است که در افراد بسیاری، صفات، نه تنها از والدین، که از اجداد بالاتر، به ارث رسیده است.

یکی از پیوند های میان عاشورا و انتظار، تعلق شخصیت‌های اصلی آن دو، به یک خانواده واحد است که آن، خاندان مطهر اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. حضرت مهدی علیه‌السلام، فرزند با واسطه امام حسین علیه‌السلام محسوب می‌شود و این رابطه پدر و فرزندی، صرف نظر از صفات مشترک الهی، تا حدودی تعامل میان عاشورا و انتظار را تسهیل می‌کند.

در این قسمت، به برخی روایات که مؤید وجود حضرت مهدی علیه‌السلام از نسل امام حسین علیه‌السلام است، اشاره می‌کنیم.

۱. روایت شده است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در یکی از روزهای آخر عمر مبارکشان، در حالی که دستشان را به شانه امام حسین علیه‌السلام گذاشته بودند، خطاب به حضرت فاطمه علیها‌السلام فرمودند: «مِنْ هَذَا مَهْدِيْ الْأُمَّةِ»؛ «مهدی امت، از نسل این فرزندم است».

۲. حضرت علی علیه‌السلام نیز خطاب به امام حسین علیه‌السلام فرموده‌اند: «ثُمَّ يَظْهَرُ أَمِيرُ الْأَمْرَةِ وَ قَاتِلُ الْكَفَرَةِ، السُّلْطَانُ الْمَامُولُ الَّذِي تَحْيِرَ فِي غَيْبَتِهِ

العُقُول وَ هُوَ التَّاسِعُ مِنَ وَلَدِكَ يَا حُسَيْنٌ»<sup>۱</sup>؛ «امیر امرا و قاتل کفار، پادشاهی که عقول در غیبتش به حیرت مانده‌اند، ظهور خواهد کرد و ای حسین، او نهمین فرزند تو است».

۳. خود امام حسین علیه السلام نیز این گونه به این مطلب، تصریح می‌کند: «قَائِمُ هَذِهِ الْأُمَّةِ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِي وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ وَ هُوَ الَّذِي يُقَسِّمُ مِيرَاثَهُ وَ هُوَ حَيٌّ»<sup>۲</sup>؛ «نهمین فرزند من، قائم به حق است و او صاحب غیبت خواهد بود که خداوند، زمین مرده را به وسیله او دوباره زنده خواهد کرد».

## ۲. مکتب واحد

اسلام، به عنوان جامع‌ترین و کامل‌ترین دین، حجت را بر بشریت تمام کرده است. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»<sup>۳</sup>؛ «و هرکس دینی غیر از اسلام اختیار کند، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است».

در دین مبین اسلام، در کنار کتاب خداوند، ائمه علیهم السلام همانند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مظهر هدایت، معرفی شده‌اند. هر یک از ائمه علیهم السلام، در طول

۱. منتخب الاثر فی احوال الامام الثانی عشر، لطف الله صافی گلپایگانی، حضرت معصومه علیها السلام،

قم، ج ۱۱، ۱۳۷۷ ش، ص ۴۶۷

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۴

۳. سورة آل عمران، آیه ۸۵

دوران امامت خود، رسالت خویش را در قبال حفاظت و پاسداری از اساس و کیان اسلام، به نیکوترین شکل، به انجام رسانیدند. لذا، سکوت حضرت علی علیه السلام به مدت ۲۵ سال و سپس قبول خلافت توسط آن حضرت، جریان صلح امام حسن علیه السلام، قیام امام حسین علیه السلام و تقیّه مصلحتی سایر ائمه علیهم السلام و بالاخره، غیبت حضرت مهدی علیه السلام، راهبرد اختصاصی هر یک، برای صیانت از اساس اسلام بود که جملگی با اذن خداوند، صورت گرفت. بنابراین تمامی استراتژی معصومین را باید در فرهنگ و مکتب واحد مورد مطالعه قرار داد. مکتب اسلام، جانبازی و ایثار برای حفظ ارزش‌ها را- در صورتی که زمینه‌های آن فراهم باشد- اصلی مسلم دانسته است؛ همان‌گونه که امام حسین علیه السلام با فدا نمودن جان خود و خانواده‌اش و تحمل مشقات بسیار، اصل اسلام را که توسط یزیدیان به مخاطره افتاده بود، حفظ نمود.

چنان‌چه خود ایشان فرموده اند:

«إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَآلِهِ، أَنْ أُرِيدُ أَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام؛ «همانا من به منظور ایجاد اصلاح در امت جدم، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قیام کرده‌ام. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره و روش جد و پدرم عمل نمایم».

اساس فرهنگ انتظار نیز بر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و احیای سنت‌های فراموش‌شده اسلام و نابودی سنت‌های باطل، استوار است. همان‌گونه که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: «فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُعِيدَ الْإِسْلَامَ عَزِيزًا فَصَمَّ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ أَنْ يُصْلِحَ أُمَّةً بَعْدَ فَسَادِهَا»؛ «زمانی که خداوند بخواهد اسلام را عزیز کند، تمامی ستمگران را نابود می‌نماید و خداوند بر این‌که امت را پس از تباه‌شدنش اصلاح کند، تواناست».

امام علی علیه السلام نیز در تشریح موضوع «اصلاح بعد از افساد» می‌فرماید: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي تَجْرِي الْمَلَا حِمُّ عَلَى يَدَيْهِ وَ يُظْهَرُ الْإِسْلَامُ»؛ «اگر از عمر دنیا، یک روز باقی مانده باشد، خداوند، آن روز را به قدری طول می‌دهد تا مردی از خاندانم تسلط پیدا کند و احکام، به وسیله او اجرا شود و اسلام ظاهر گردد».

### ۳. اهداف واحد

همان‌گونه که گذشت، فرهنگ عاشورا و انتظار در درون مکتبی بزرگ‌تر و جامع‌تر، به نام مکتب اسلام، جای دارند و در این مکتب، تمام عناصر و مؤلفه‌ها، به صورت هدفمند و در یک جهت، حرکت

۱. همان، ج ۵۱، ص ۸۳.

۲. همان.

می‌کنند. مهم‌ترین رسالت و هدف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ارشاد معنوی و اخلاقی مردم، تأسیس حکومت اسلامی و مبارزه با مستبدان و ستمگران بود که در این راه، رنج‌ها و مرارت‌های زیادی را نیز متحمل شدند. این وظایف، پس از پیامبر صلی الله علیه و آله به ائمه علیهم السلام منتقل شد و تمامی ایشان، با استفاده از شیوه‌های متفاوت کوشیدند تا علاوه بر این‌که رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله را ادامه می‌دهند، از تحریف اصول و به خطر افتادن اساس اسلام نیز جلوگیری کنند. قیام امام حسین علیه السلام و مسئله غیبت حضرت مهدی علیه السلام، دو شاهد بارز این مدعاست.

از مجموع سخنان امام حسین علیه السلام، اهداف والای نهضت عاشورا به خوبی روشن می‌شود که احیای قرآن، احیای سنت نبوی و سیره علوی، از بین بردن کج‌روی‌ها، حاکم ساختن حق، حاکمیت بخشیدن به حق‌پرستان، از بین بردن سلطه استبدادی حکومت ستمگران و تأمین قسط و عدل در تمامی عرصه‌ها از آن جمله است. از سوی دیگر، وقتی اهداف قیام منجی عالم بشریت و ویژگی‌های حکومت آن حضرت را مطالعه می‌کنیم، همین اهداف و انگیزه‌ها را در آن مشاهده می‌کنیم. حضرت علی علیه السلام در تائیل آیه شریفه «وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّاهَا»<sup>۱</sup> فرمود: «ذَالِكَ هُوَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا»<sup>۲</sup>؛

۱. سورة شمس، آیه ۳.

۲. تفسیر فرات کوفی، فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، مکتبه الداوری، قم، [بی تا]، ص ۲۱۲

«منظور از آیه، قائم آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام است که زمین را پر از قسط و عدل می‌کند».

پس، حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَام، در ادامه قیامی که امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام علیه باطل نمود، قیام خواهد کرد که قیام ایشان به اذن خدا، به پیروزی نهایی- یعنی از بین بردن تمامی آثار باطل و برقراری حقیقت در سراسر جهان- خواهد انجامید؛ که این، همان هدف نهایی امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام از برپایی قیام عاشورا است.

حضرت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، شخصاً از تحقق اهداف خود توسط فرزندش حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، این‌گونه خبر می‌دهد: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَالِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْ وَلَدِي فَيَمْلَأَهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ جُورًا وَ ظُلْمًا»؛ «اگر از عمر دنیا یک روز باقی باشد، خداوند آن روز را چنان طولانی می‌گرداند که مردی از فرزندان من قیام کند و دنیا را پس از آن که از ظلم و ستم پر شده بود، پر از عدل و داد نماید».

پیامبر اسلام عَلَيْهِ السَّلَام نیز اهداف قیام حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را این‌گونه بیان می‌کنند: «وَجَعَلَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام اِئِمَّةً يَقُومُونَ بِأَمْرِي... التَّاسِعَ مِنْهُمْ قَائِمٌ أَهْلَ بَيْتِي... فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جُورًا وَ

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق)، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۸ق، ج ۱، ص ۳۱۷.

ظُلماً»؛ «خداوند از نسل حسین علیه السلام، امامانی قرار داده است که نهمین آنها قائم اهل بیت من است که پس از ظهور، زمین را پر از قسط و عدل می‌کند، در حالی که از ظلم و جور پرشده بود».

نتیجه آن‌که، علاوه بر اشتراک اهداف نهضت عاشورا و قیام امام مهدی علیه السلام، در زمان حکومت جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام، بذرها و نهال‌های غرس شده در جریان قیام کربلا، به بار خواهند نشست؛ به برکت آن‌ها، جهان پر از عدل و داد، و تمام اهداف انبیای الهی، از آدم تا خاتم صلی الله علیه و آله و سلم محقق خواهد شد و بشر، طعم واقعی صلح و امنیت و سعادت را خواهد چشید.

#### ۴. خط مشی واحد

خط و مشی و استراتژی مشترک، از قوی‌ترین دلایل پیوند عاشورا و انتظار است. ائمه علیهم السلام نه تنها هیچ‌گاه حکومت‌های نامشروع جور را تأیید نکردند، بلکه بسته به شرایط، علیه آن‌ها نیز به پا خواستند؛ لذا عاشورا و انتظار را باید از حیث راهبرد و خطّ مشی، در این چارچوب بررسی کرد. بررسی‌ها به سهولت ثابت می‌کنند که استراتژی امام حسین علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام، از این نظر نیز، منطبق هستند.

در واقع قیام اباعبدالله علیه السلام از آن‌جا کلید خورد که «ولید بن عتبه» فرماندار مدینه، از ایشان خواست که یا با یزید بیعت کند و یا تبعید

را بپذیرد. این خواسته، برای امام چنان سهمگین بود که برآشفتمند و فرمودند: «الَا وَ أَنَّ الدَّعَىٰ بِنَ الدَّعَىٰ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَيْنِ، بَيْنَ السَّلَّةِ وَ الدَّهْلِ وَ هِيَهَاتَ مِنَّا الدَّهْلُ»؛ «همانا نابکار، فرزند نابکار، مرا بین مرگ و ذلت قرار داده است و ذلت از ما دور باد».

ایشان، در جایی دیگر علت عدم بیعت با یزید را این‌گونه بیان می‌کنند: «یزید رَجُلٌ فَاسِقٌ، شَارِبُ الْخَمْرِ، قَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحْتَرَمَةِ، مُعَلِنٌ بِالْفِسْقِ وَ مِثْلَى لَا يُبَاعِعَ بِمِثْلِهِ»<sup>۱</sup>؛ «یزید، فردی فاسق، شراب‌خوار، قاتل جان بی‌گناهان و ظاهر الفسق است و کسی مانند من با چنین شخصی بیعت نمی‌کند».

از نظر امام حسین علیه السلام بیعت کردن با یزید، نه تنها صحه گذاشتن بر روی خلافت شخص او، که به معنای قبول سنت «خلافت سلطنتی» بود که معاویه، پایه‌گذار آن محسوب می‌شد.<sup>۲</sup>

تصمیم امام حسین علیه السلام بر عدم بیعت با یزید، تصمیمی از روی عصبيت و اراده شخصی نبود. بلکه این تصمیم، با مشیت خداوند و در چارچوب کلی مکتب اسلام اتخاذ شد و هر امام دیگری نیز در چنین شرایطی، همین تصمیم را اتخاذ می‌نمود. چنان‌چه خود ایشان

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸

۲. همان، ج ۴۴، ص ۳۲۵

۳. فرهنگ عاشورا، جمعی از نویسندگان، مرکز چاپ و نشر مجمع، قم، ۱۳۸۲ش، ص ۲۳



فرموده است: «إِنِّي لَا يُبَايِعُ لَهُ (یزید) أَبَدًا لِأَنَّ الْأَمْرَ إِنَّمَا كَانَ لِي مِنْ بَعْدِ أَخِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛ «من هرگز با یزید بیعت نمی‌کنم؛ چرا که پس از برادرم امام حسن علیه السلام تصمیم‌گیری با من است».

در موضوع مهدویت و انتظار نیز، مسئله عدم بیعت با حکومت نامشروع، کاملاً برجسته است. در بسیاری از روایات، تصریح شده که علت و حکمت غیبت حضرت مهدی علیه السلام این است که آن حضرت، به وسیله غیبت، از یوغ بیعت با طاغوت‌های زمان، آزاد می‌شود تا تعهد و بیعت با هیچ طاغوتی را به عهده نداشته باشد.

هر چند برخی از ائمه علیهم السلام، برای حفظ کیان اسلام و اساس مذهب شیعه، مجبور به تقیه و سکوت بودند؛ اما این مسأله، در مورد امام زمان علیه السلام مطرح نخواهد بود؛ چراکه آن حضرت، پس از ظهور، بدون هیچ تقیه‌ای، با شمشیر برهنه، به جنگ با ستمکاران و کافران خواهد رفت.

حضرت مهدی علیه السلام، خود، در این باره می‌فرمایند: «إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدًا مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَدْ وُضِعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةُ لُطَاغِيَةِ زَمَانِهِ وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَائِفِ فِي عُنُقِي»؛ «همانا هیچ‌کدام از

۱. مقتل الحسين للخوارزمي، ابی الموید احمد المکی، مکتبه المفید، ج اول، [بی تا]، ج ۱،

ص ۱۸۲

۲. احتجاج، ابی منصور احمد بن ابی طالب طبرسی، موسسه اعلمی، بیروت، ۱۹۸۳م، ج ۲،

ص ۴۷۱

پدران من نبودند، مگر آن که بیعتی از ستمکاران برگردن داشتند و من، خروج و ظهور خواهم کرد، در حالی که هیچ بیعتی با طواغیت، به گردن ندارم».

امام صادق علیه السلام نیز بر این موضوع، این گونه تصریح می‌کند: «يَقُومُ الْقَائِمُ وَ لَا يَسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِأَحَدٍ»؛ «قائم قیام می‌کند، در حالی که در قبال هیچ کس، بیعتی ندارد».

هنگامی که این روایات و روایات مشابه دیگر را با کلمات امام حسین علیه السلام در مورد عدم بیعت، کنار هم قرار می‌دهیم، روشن می‌شود که استراتژی سازش‌ناپذیری و عدم بیعت در برابر طاغوتیان و ستمگران، در فرهنگ عاشورا و انتظار، مشترک است.

#### ۵. مهدی علیه السلام منتقم حادثه عاشورا

حادثه عاشورا، علی‌رغم صحنه‌های زیبایی از عشق و ایثار، صحنه‌های غم‌انگیز بسیاری را نیز در خود داشت؛ به گونه‌ای که به واقع، آن را می‌توان یک تراژدی بزرگ خواند. در این تراژدی، دنیاپرستان و خودکامگان، چنان صحنه‌های دهشتناکی را از درنده‌خویی خود، به نمایش گذاشتند که پس از چهارده قرن، هنوز هم داغ فجایعی که بر امام حسین علیه السلام و اهل بیتش روا داشته شد، تازگی دارد؛ که البته، همین امر، مکتب تشیع را زنده و پویا نگه داشته است.

اگرچه پس از پایان پذیرفتن فاجعه عاشورا، بسیاری به خود آمدند و به فکر انتقام‌گیری از جنایتکاران واقعه کربلا افتادند و تا حدود زیادی نیز موفق شدند که قاتلین شهدای کربلا را به سزای اعمالشان برسانند؛ اما داغی که عاشورا بر دل ائمه علیهم‌السلام گذاشت، چیزی نبود که با قیام کسانی چون مختار و توابین، تسکین یابد؛ لذا پیوسته از روزی خبر می‌دادند که شخصی از نسل آنان خواهد آمد و از ظالمین و مستکبرین، انتقام خواهد گرفت.

البته هنگام ظهور حضرت حجت علیه‌السلام، تمامی جنایتکاران واقعه کربلا- جز عده‌ای که در رجعت، بازگردنده خواهند شد- وجود ندارند، اما انتقام‌گیری از مستکبران، به منزله انتقام‌گیری از قاتلین امام حسین علیه‌السلام خواهد بود؛ چرا که انتقام‌گیری حضرت مهدی علیه‌السلام از افراد نیست، بلکه از فرهنگ ظلم و بیداد است که علیه مظلومان، اعمال می‌شود. بنابراین نابودی ظالمین و جبارین عالم، به نوعی انتقام خون امام حسین علیه‌السلام و فاجعه عاشورا است.

امام حسین علیه‌السلام در باره چگونگی خون‌خواهی حضرت حجت علیه‌السلام می‌فرماید: «وَلَلَّهِ لَا يَسْكُنُ دَمِي حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ الْمَهْدِيَّ فَيَقْتُلَ عَلَيَّ دَمِي مِنَ الْمُتَافِقِينَ الْكَفَرَةَ الْفَسَقَةَ سَبْعِينَ أَلْفًا»؛ «سوگند به خدا؛ خون من از جوشش باز نمی‌ایستد تا این که خداوند، مهدی علیه‌السلام را برانگیزد. او به

انتقام خون من، هفتاد هزار نفر از منافقان را خواهد کشت». امام صادق علیه السلام نیز در تفسیر آیه «وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا»<sup>۱</sup>، فرمودند: «نُزِلَتْ فِي الْحُسَيْنِ لَوْ قَتَلَ وَلِيَّهُ أَهْلَ الْأَرْضِ مَا كَانَ مُسْرِفًا وَوَلِيَّهُ الْقَائِمُ عليه السلام»<sup>۲</sup>؛ «مراد از مظلوم، در این آیه، حضرت امام حسین علیه السلام است که مظلوم کشته شد و ولی او، قائم عليه السلام می باشد که تمام تجاوزگران زمین را خواهد کشت».

در مورد همین آیه، امام باقر علیه السلام نیز فرموده اند: «نَحْنُ أَوْلِيَاؤُهُ وَ الْقَائِمُ مِنَّا إِذَا قَامَ طَلَبَ بِنَارِ الْحُسَيْنِ، فَيَقْتُلُ حَتَّى يُقَالَ قَدْ أَسْرَفَ فِي الْقَتْلِ»<sup>۳</sup>؛ «ما اولیای دم امام حسین علیه السلام هستیم. هنگامی که قائم عليه السلام قیام کند، به قدری ظالمان را به هلاکت خواهد رساند که گفته خواهد شد: بسیاری را کشت».

در دعای ندبه نیز، این گونه، به این حقیقت اشاره شده است: «أَيْنَ طَالِبُ بَدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَا».

همچنین، بنابر دلالت روایات زیادی، در هنگام ظهور، حضرت مهدی علیه السلام و یاران آن حضرت، شعار خون خواهی حسین علیه السلام را سر

۱. «هرکس مظلوم کشته شود، ما برای ولی او تسلطی بر ظالم قرار می دهیم»؛ سورة اسراء، آیه ۳۳.

۲. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، قم، چ سوم، [بی تا]، ج ۲، ص ۴۱۹.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۰.

می‌دهند.<sup>۱</sup>

در زیارت عاشورا نیز می‌خوانیم: «أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ ﷺ»؛ «از خداوند می‌خواهم که خون خواهی تو را همراه با امامی که از اهل بیت پیامبر ﷺ است، نصیب من فرماید».

مسئله بازخواست از قاتلین امام حسین ﷺ، چنان مهم است که یکی از القاب حضرت مهدی ﷺ «منتقم» می‌باشد. بدین ترتیب، چه دلیلی محکم‌تر از خون خواهی، برای پیوند عاشورا و انتظار وجود دارد؟!

## ۶. پیوند عاطفی میان دو امام

یکی از ملاک‌های ارزیابی و سنجش رابطه دو فرد، تعاملات بین الاثنینی و میزان عبارات محبت‌آمیزی است که میان آنان مبادله می‌شود. البته بعضاً تعبیر ریاکارانه نیز در روابط افراد وجود دارد، اما عبارات خالصانه و عاشقانه، هیچ‌گاه با تملقات ساختگی، مخدوش نمی‌شود و طریق بازشناسی میان آنان، بسیار آسان است.

یکی از راه‌های برآورد میزان پیوند میان عاشورا و انتظار، رابطه عاطفی و تعبیر محبت‌آمیزی است که میان امام حسین ﷺ و حضرت مهدی ﷺ وجود دارد.

۱. النجم الثاقب، حسین طبرسی نوری، مسجد جمکران، قم، ۱۳۵۷ش، ص ۴۶۹.

البته روابط عاشقانه و خالصانه میان تمامی معصومین علیهم السلام، به حدی است که می‌توان گفت بسیار بالاتر از حدّ روابط انسان‌های عادی است؛ چرا که عشق و عطوفتی که معصومین علیهم السلام نسبت به یکدیگر داشته‌اند، رنگ الهی داشت. برای مثال، رابطه خاصی که میان حضرت علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا حضرت زهرا علیها السلام برقرار بود را هرگز نمی‌توان در محدوده روابط خویشاوندی محصور کرد.

بر همین اساس، رابطه طرفینی امام حسین علیه السلام - قهرمان نهضت عاشورا - و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه - قهرمان نهضت انتظار - نیز بسیار فراتر از رابطه پدری و فرزندی است. چرا که در جملات زیبا و خالصانه‌ای ایشان نسبت به یکدیگر، صبغه خدایی دیده می‌شود. چنانچه، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، تعجیل در فرج خود را با عزاداری بر امام حسین علیه السلام پیوند زده است: «إِنِّي لَادْعُوا الْمُؤْمِنِينَ يُذَكِّرُ مُصِيبَةَ جَدِّي الشَّهِيدِ ثُمَّ يَدْعُوا إِلَيَّ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ وَالتَّائِيْدِ»؛ «همانا، من برای فرد مؤمنی که مصیبت جد شهیدم را به یاد آورد و سپس تعجیل در فرج و تأیید من را از خدا بخواهد، دعا خواهم کرد».

عباراتی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در رثای امام حسین علیه السلام نقل شده، چنان سوزناک است که درک آن، از توان انسان خارج می‌شود:

«السَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الَّذِي سَمِحَتْ نَفْسُهُ بِسَمَحَةِ الْإِسْلَامِ، السَّلامُ عَلَى مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ..»<sup>۱</sup>.

«سلام بر حسین؛ کسی که جانش را قربانی حفظ اسلام کرد. سلام بر کسی که خداوند را به صورت آشکار و پنهان اطاعت می نمود.»

«السَّلامُ عَلَى الْمُعْسَلِّ بِدَمِ الْجَرَّاحِ، السَّلامُ عَلَى الْمُقْطُوعِ الْوَتَيْنِ، السَّلامُ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ، السَّلامُ عَلَى الْخَدِّ التَّرِيبِ...»<sup>۲</sup>.

«سلام بر کسی که با خون زخم‌هایش غسل داده شد؛ سلام بر رگ بریده گردن؛ سلام بر محاسن خونی؛ سلام بر گونه‌های به خاک افتاده...»

حضرت اباعبدالله علیه السلام نیز همواره به یاد مهدی موعود علیه السلام بوده‌اند. روایاتی که در بخش‌های گذشته از امام حسین علیه السلام ذکر کردیم، سرشار از عشق و عطوفت آن حضرت نسبت به آخرین حجت خداوند بود. به ویژه عباراتی که امام حسین علیه السلام در آن، از آمدن شخصی از نسل خودشان خبر می‌دادند که پس از غیبت ظهور خواهد کرد و اهداف ناتمام عاشور را به بار خواهد نشانید.

هم‌چنین، در دعای روز ولادت امام حسین علیه السلام از امام مهدی علیه السلام

۱. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۱۸

۲. همان، ج ۱۰۱، ص ۳۱۷-۳۲۸

یاد می‌شود و در روز عاشورا و زیارت این روز، نام و یاد مهدی عجل الله تعالی فرجه تسلی‌بخش قلوب سوزان شیفتگان اهل بیت علیهم السلام است. از این رو، صرف نظر از دیگر پیوندها، روابطی استوار و آکنده از عشق و عطوفت، میان این دو امام وجود دارد و همین امر، میان عاشورا و انتظار، پیوندی از سلک احساسات و عواطف الهی، برقرار کرده است.

### مؤیدات، قرابت‌ها، اشتراکات

علاوه بر دلایل گذشته، مؤیدات، قرابت‌ها و اشتراکات فراوانی میان عناصر عاشورا و انتظار وجود دارد که نه تنها می‌تواند دلایل گذشته را بیش از پیش تقویت کند، که هر کدام از آن‌ها، خود، سند آشکار پیوند عاشورا و انتظار هستند.

#### ۱. مؤیدات

الف. ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روز عاشورا

ائمہ علیهم السلام در روایات بسیاری، ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه را مقارن با روز عاشورا دانسته‌اند. به عنوان مثال، امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «إِنَّ الْقَائِمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يُنَادِي بِاسْمِهِ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ وَ يَقُومُ يَوْمَ عَاشُورَا يَوْمَ قَتَلَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام»؛ «قائم - که درود خدا بر او باد -



در شب بیست و سوم ماه رمضان به نامش ندا می‌شود و در روز عاشورا، روزی که حسین بن علی علیه السلام در آن کشته شد، قیام خواهد کرد.

امام باقر علیه السلام نیز در این مورد می‌فرماید: «يَخْرُجُ الْقَائِمُ يَوْمَ السَّبْتِ يَوْمَ عَاشُورَا الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ عليه السلام»؛ «قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، در روز شنبه، مصادف با روز عاشورا، یعنی همان روزی که امام حسین علیه السلام در آن به شهادت رسید، قیام خواهد کرد».

ب. رجعت امام حسین علیه السلام پس از ظهور مهدی علیه السلام  
بر اساس روایات بسیاری، امام حسین علیه السلام و یارانش، پس از تشکیل دولت مهدی علیه السلام به جهان، رجعت و آن حضرت را یاری خواهند کرد. امام حسین علیه السلام، خود، در این رابطه می‌فرماید: «أَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يَنْشَقُّ الْأَرْضَ عَنْهُ فَأَخْرُجُ»؛ «من اولین کسی خواهم بود که زمین برایش شکافته می‌شود و رجعت می‌کند».

ج. منتظران مهدی علیه السلام عاشقان امام حسین علیه السلام  
منتظران واقعی مهدی موعود علیه السلام، پیروان و معتقدان به قیام و فرهنگ عاشورا هستند؛ لذا عاشقان امام حسین علیه السلام، لباسی از فرهنگ

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵

۲. همان، ج ۵۳، ص ۶۲

انتظار می‌پوشند؛ با هوشیاری و بیداری، در صدد شناخت عناصر ظلم و عداوت بر می‌آیند و خود را برای دفاع همه جانبه از اسلام آماده می‌کنند. بنابراین، پیروان امام حسین علیه السلام، با تأسی از راه و مرام ایشان و گرمی داشت حماسه عاشورا، قدوم و ظهور حضرت مهدی علیه السلام را به انتظار می‌نشینند و این چنین، عاشورا و انتظار را به هم گره می‌زنند.

## ۲. قرابت‌ها

### الف. یاد دو امام در مناسبت‌ها

از روایات و ادعیه وارده در ایام منتسب به حضرت اباعبدالله و امام مهدی علیه السلام، این نکته به خوبی فهمیده می‌شود که یاد و نام هر یک از ایشان، در ایام منتسب به دیگری، ظهور و بروز خاصی دارد. برای مثال، در روز ولادت و شهادت امام حسین علیه السلام، زیارت و یاد امام مهدی علیه السلام و در روز ولادت امام زمان علیه السلام، زیارت امام حسین علیه السلام وارد شده است.

### ب. صفات و خصال

روشن است که فرزندان، صفات روحی و جسمی زیادی را از والدین خود به ارث می‌برند؛ اما با بیشتر شدن فاصله نسل‌ها، قدرت انتقال این صفات، ضعیف‌تر می‌شود. با این حال، حضرت مهدی علیه السلام - که نسل نهم از فرزندان امام حسین علیه السلام است - تشابهات زیادی در خصال با جدّ خود دارد؛ به گونه‌ای که حتی طنین صدای ایشان را

شبيه صدای امام حسين عليه السلام دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

در زمينه اخلاق، رفتار و توانايی‌های جسمانی نیز، امام مهدی عليه السلام صفات بسياری را از جدشان، امام حسين عليه السلام به ارث برده‌اند که بارزترین اين خصوصيات، «شجاعت» می‌باشد. در مورد نمايش شجاعت امام حسين عليه السلام در روز عاشورا، روايت شده است: «وَلَقَدْ كَانَ يَحْمِلُ فِيهِمْ وَ قَدْ تَكَلَّمُوا أَلْفًا فَيَنْزَهُمُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ كَأَنَّهُم الْجَرَادُ الْمُنْتَشِرُ»<sup>۲</sup>؛ «آنان (يزيديان) که در دسته‌های هزار نفری بودند، همانند ملخ‌های پراکنده در اطراف او نابود می‌شدند».

امام كاظم عليه السلام در خصوص شجاعت مهدوی، می‌فرماید: «وَأَيُّبِرُ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ يُهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ»<sup>۳</sup>؛ «به دست او، هر جبار سرسختی نابود و هر شیطان سرکشی، هلاک می‌گردد».

### ۳. اشتراکات

الف. مکه و کوفه، خاستگاه و پایگاه مشترک

امام حسين عليه السلام، نهضت خود را از مکه آغاز کردند؛ یعنی پس از خروج از مدینه، به مکه آمدند، در کنار بیت‌الله الحرام، از قیام خود به مردم خبر دادند و آن‌گاه به سمت کوفه حرکت کردند.

۱. همان، ج ۵۲، ص ۲۳.

۲. الارشاد، شيخ مفيد، المؤتمر العالمي لآلفية شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۱۶

۳. کمال الدين وتمام النعمة، ج ۲، ص ۱۲۱

بر اساس روایات، امام مهدی علیه السلام نیز پس از ظهور، در مکه، جهانیان را به بیعت با خود فرا می‌خوانند و آنگاه حرکت‌های اصلاحی را شروع خواهند کرد و پس از اتمام قیام و برقراری عدل در سراسر جهان، مقرر حکومت خویش را در کوفه قرار خواهند داد. چنان‌چه، حضرت امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: «يَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ هُوَ وَ مَنْ مَعَهُ الثَّلَاثَ مِائَةٍ وَ بَضْعَةَ عَشَرَ يُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ»؛ «حضرت مهدی علیه السلام و سیصد نفر از یارانش، از مکه برخوانند خواست و ده‌ها نفر با او بیعت خواهند کرد».

#### ب. شرایط اجتماعی یکسان

از دیگر موارد مشترک میان عاشورا و انتظار، شرایط اجتماعی متشابهی است که در زمان وقوع هر دو قیام وجود دارد. قیام امام حسین علیه السلام در زمانی صورت گرفت که جامعه اسلامی، به شدت به سمت فساد و تباهی سوق داده می‌شد و حاکمان فاسد و ظالم، در رأس آن قرار گرفته بودند. شرایط به گونه‌ای بود که امام حسین علیه السلام می‌فرمود: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ»؛ «آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل جلوگیری نمی‌گردد؟»

طبق روایات، همین شرایط در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵

۲. تحف العقول، محمد حسن بحرانی، نشر اسلامی، قم، چ دوم، ۱۳۶۳ش، ص ۲۴۵

پیش خواهد آمد. بر اساس بسیاری از روایات، آن حضرت، هنگامی از پشت پرده غیبت خارج خواهند شد که ظلم و تباهی، توسط حاکمان جور، جهان را فرا گرفته باشد و مردم از زندگی، ناامید شده باشند. چنانچه امام صادق علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «لَا وَ اللَّهِ لَمَّا يَكُونَ مَا تُمَدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنُكُمْ إِلَّا بَعْدَ الْيَاسِ»؛ «به خدا سوگند؛ آن چه چشم به راهش هستید، فرا نمی‌رسد مگر بعد از یاس و ناامیدی».

### ج. حامیان و یاران

در حادثه کربلا، یاران اندکی، امام را همراهی کردند که سرانجام نیز همگی به شهادت رسیدند؛ اما همین عده قلیل، نسبت به امام حسین علیه السلام، چنان پاک‌باخته بودند که مرگ در رکاب آن حضرت را افتخار می‌دانستند. ابا عبدالله علیه السلام در توصیف ایشان می‌فرماید: «فَأَنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْلَى وَلَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي»؛ «همانا من یارانی والاتر و بهتر از یاران خود، سراغ ندارم».

در نهضت حضرت حجت علیه السلام نیز از سیصد و سیزده نفر به عنوان یاران خاص، یاد می‌شود که کاملاً مطیع و شیفته امام خود هستند: «هُمْ أَطَوَعَ لَهُ مِنَ الْأَمَّةِ لِسِيْدِهَا»<sup>۱</sup>؛ «آنان نسبت به مولای خود، مطیع‌تر از کنیز هستند».

۱. الغیبه، ص ۳۳۶

۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹

۳. همان، ج ۵۲، ص ۳۰۸

بنابراین، همان‌طور که حماسهٔ عاشورا با جانبازی عده‌ای اندک، رقم خورد قیام حضرت مهدی علیه السلام نیز با محوریت عده‌ای اندک، اما پاک‌باخته به انجام خواهد رسید.

نقش‌آفرینی زنان در عرصهٔ این دو قیام نیز، از دیگر موارد اشتراک است. نقش زنان و خصوصاً حضرت زینب علیها السلام در نهضت عاشورا، به حدّی روشن است که نیازی به تشریح آن نیست. جایگاه این نقش، به اندازه‌ای مهم است که اگر آگاهی‌بخشی‌ها و افشاگری‌های حضرت زینب علیها السلام پس از حادثهٔ عاشورا نبود، انقلاب امام حسین علیه السلام، ناتمام می‌ماند. «طوعه» و «ماریه» و «زنان قبیلهٔ بنی‌اسد» از جمله زنانی هستند که در صحنهٔ قیام کربلا، جایگاه ممتازی دارند.

زنان، در قیام حضرت مهدی علیه السلام نیز نقش‌آفرینی خواهند کرد. از آن‌جا که در طول تاریخ، بیشترین ظلم‌ها و اجحاف‌ها در حق زنان صورت گرفته است، قیام امام زمان علیه السلام به نوعی دل‌جویی از ایشان و جبران ستم‌های روا شده بر آنان نیز هست. بنابراین، در راستای این هدف، عده‌ای از زنان به آن حضرت، یاری خواهند رساند.

امام باقر علیه السلام، در این خصوص می‌فرماید: «وَجِئِیْ وَاللّٰهُ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَبِضْعَةِ عَشَرَ رَجُلًا فِیْهِمْ خَمْسُونَ اِمْرًا»؛ «به خدا سوگند؛ همراه مهدی علیه السلام سیصد و سیزده نفر به پا می‌خیزند که پنجاه تن از آنان زن هستند».

### د. موانع و مشکلات

از دیگر وجوه مشترک عاشورا و انتظار، موانع و مشکلاتی است که بر سر راه هر دو، وجود دارد. قیام امام حسین علیه السلام در شرایط بسیار سختی صورت گرفت؛ به طوری که هم‌اکنون، پس از چهارده قرن، شیعیان به یاد مصیبت‌ها و مظلومیت‌های امام حسین علیه السلام و اهل بیت آن حضرت، اشک می‌ریزند.

اصولاً انقلاب‌های پایدار و جهانی، همواره با ریخته شدن خون، به ثمر می‌نشینند. قیام حضرت مهدی علیه السلام نیز از این ویژگی مثبتی نیست و آن هم با ایثار و جانبازی آن حضرت و یارانشان، به پیروزی خواهد رسید.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ...»<sup>۱</sup> می‌فرماید: «لَوْ قَدْ خَرَجَ الْقَائِمُنَا لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْعَلَقُ وَالْعَرَقُ وَالْقَوْمُ عَلَى السُّرُوجِ»<sup>۲</sup>؛ «هنگامی که قائم ما قیام کند، خون است و عرق‌ریختن و سوار بر مرکب‌ها بودن».

### تحلیل و نتیجه

از مجموع آنچه گذشت، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که مذهب و مکتب تشیع بر مبنای دو عنصر مهم عاشورا و انتظار، استوار

۲. «و البته شما را به پاره‌ای از سختی‌ها چون ترس و گرسنگی و... می‌آزماییم»: سورة بقره، آیه ۱۵۵.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۵۹.

است. پیروان این مکتب، همان‌گونه که از حماسه عاشورا به نیکوترین وجه، تجلیل به عمل می‌آورند و در رثای اباعبدالله علیه السلام و خاندان و اصحاب آن حضرت عزاداری می‌کنند، چشم به راه ظهور حجت خدا و آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله نیز هستند؛ تا از پرده غیبت بیرون آید و آلام و رنج‌های را تسکین بخشد.

دلایل، مؤیدات، اشتراکات و قرابت‌هایی که ذکر شد، بیش از پیش بر این حقیقت، صحه گذارد که مفاهیم «عاشورا» و «انتظار»، از سطح یک حادثه و عقیده فراتر رفته و تبدیل به دو فرهنگ بالنده شده‌اند.

عاشورا به عنوان فرهنگ حماسه و ایثار، زمینه درک و فهم انتظار را برای پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام فراهم کرد و اگر عاشورا و عبرت‌ها و درس‌هایی که از آن حاصل شد، نبود، اسلام از مسیر خود، منحرف، و چهره مکتب بر حق تشیع، در گرد و غباری که دنیاپرستان و کج‌اندیشان به پا کرده بودند، مخدوش می‌شد. همان‌طور که اگر انتظار نبود، تمام زحمات و رنج‌هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام برای حیات اسلام کشیده بودند، کاملاً به هدر می‌رفت و از اسلام راستین، نام و نشانی باقی نمی‌ماند.

عاشورا، بال سرخ و انتظار، بال سبزی است که شیعیان می‌توانند با آن دو اوج بگیرند. میان این دو فرهنگ، پیوندی ناگسستنی وجود دارد؛ به طوری که با بررسی عناصر و مؤلفه‌های هر کدام، در خواهیم یافت که میان آنان، انطباق و هم‌پوشانی کامل بر قرار است.



در رأس عناصر عاشورا و انتظار، دو حجت الهی قرار دارند که با شناخت ابعاد مختلف پیوند میان این دو حجت خداوندی، در واقع به شناخت و درک پیوند عاشورا و انتظار خواهیم رسید و آن‌گاه کیفیت نقشی که این دو فرهنگ در حاکمیت احکام و ارزش‌های الهی در سرتاسر عالم دارند، مشخص خواهد شد.





---

## درس‌های عاشورا برای منتظران

---

□ حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی حائری پور\*

تردیدی نیست که قیام امام حسین علیه السلام در حصار زمان و مکان نمی‌گنجد؛ بلکه زمان‌ها و مکان‌ها را در نوردیده و بر همه تاریخ، نورافکنی می‌کند. عاشورا یک مکتب و فرهنگ است که باید از آن درس گرفت و در زندگی به کار بست. آری! باید با عاشورا زندگی کرد و در هوای کربلا بال و پر گرفت تا بتوان به مفهوم واقعی اسلام و تشیع، دست یافت.

عاشورا آغاز راهی است که به جاده انتظار حضرت مهدی علیه السلام منتهی می‌گردد. در حقیقت، عاشورائیان، همان منتظرانند و اهل انتظار، تربیت شده و درس گرفته عاشورا. پس شایسته است که بر درس‌های عاشورا- که مشق امروز منتظران است- مروری داشته باشیم.

---

\*محقق و پژوهشگر عرصه مهدویت.

## ۱. معرفت نسبت به امام

آنچه در واقعه عاشورا، اصل و ریشه همه فضیلت‌هاست، گوهر معرفت و شناخت امام حق است. یاران حسین علیه السلام، عاشورایی شدند و جاودانه گردیدند؛ چون امام خود را شناختند و با همین شناخت، تا پای جان با امام خویش ماندند و در نتیجه به فوز عظیم<sup>۱</sup> رسیدند. در مقابل، یزیدیان که از شناخت امام حق، بازماندند، به پیشوای باطل گرویدند و برای ابد، سعادت را باختند.

در تاریخ آمده است زمانی که رویارویی دو لشکر قطعی شد، امام حسین علیه السلام آیه استرجاع را تلاوت نمود و چون علی‌اکبر علیه السلام جوان رشیدش، علت را جویا شد، در جواب فرمود: «گویا به گوشم شنیدم که این کاروان به سوی مرگ می‌رود!» علی که سرشار از عرفان و شناخت است، پرسید: «آیا ما بر حق نیستیم؟!» و هنگامی که پدر، صحبتش را تأیید نمود، با افتخار فریاد زد: «اذاً لانبالی بالموت»، «در این صورت، ما را از مردن باکی نیست؛ بلکه برای آن، آغوش گشوده‌ایم!»

آری! این گونه است که شناخت امام و راه و هدف او، آدمی را استوار و پایدار می‌کند. امروز نیز، منتظران عاشورایی باید با همه توان، مهدی آل پیامبر علیه السلام را به عنوان مظهر حق و تنها راه منتهی

۱. در پایان زیارت وارث، خطاب به شهدای کربلا می‌خوانیم: «... و فرتم فوزاً عظیماً؛ «شما به رستگاری بزرگ دست یافتید».

به خدا<sup>۱</sup> بشناسند و حق و باطل و معروف و منکر را با او محک بزنند<sup>۲</sup>؛ چرا که اگر جز این باشد قطعاً از مسیر حقیقت، گمراه شده و به دامن یزیدیان زمان، خواهند افتاد.

اگرچه امروز، امام منتظران، غایب است؛ ولی کسب معرفت امام خواهد توانست که بین منتظران و امامشان، پیوند برقرار کند و منتظران را در همین عصر، در خدمت امام و اهداف او قرار دهد.

## ۲. حمایت کامل و خالص از امام

یکی از درس‌های مهم عاشورا، حمایت کامل از امام حق است. امروز نیز منتظران باید پیوسته در اندیشهٔ حمایت از امام عصر عجل الله تعالی فرجه باشند. اگر حمایت از حسین بن علی علیه السلام به حضور در جبههٔ جنگ نظامی بود، حمایت از مهدی عجل الله تعالی فرجه به حضور در جبهه‌های گوناگون فکری و فرهنگی است. منتظران، باید در مقابل هجوم فرهنگ بیگانه به فرهنگ دینی و قرآنی، هوشیار باشند تا بتوانند خود دیگران را در مقابل خطرات آن، حفظ کنند.

---

۱. در زیارت حضرت صاحب الامر، می‌خوانیم: «السلام علیک یا سبیل الله الذی من سلک غیره هلك»؛ «سلام بر تو، ای راه خدا که هر که غیر آن راه را برود هلاک شده است».

۲. در زیارت آل یاسین می‌خوانیم: «فالحق ما رضیموه و الباطل ما اسخطموه و المعروف ما امرتم به و المنکر ما نهیتم عنه»؛ «حق همانست که شما به آن راضی هستید و باطل همانست که شما بر آن خشم می‌گیرید و معروف آن است که شما به آن امر می‌کنید و منکر آنست که شما را از آن نهی می‌کنید».

آری! حمایت از مهدی علیه السلام، حمایت از اهداف الهی اوست و همان‌طور که عاشورائیان سال ۶۱ هجری، با اخلاص تمام، از امام خود حمایت کردند، منتظران هم باید مخلصانه در این میدان پای گذارند و بدون هیچ چشم‌داشتی، تلاش کنند تا کارها به بار نشیند و ثمراتش ماندگار گردد.

### ۳. وفاداری به امام

درس بزرگ عاشورا، وفاداری کامل، نسبت به امام حسین علیه السلام بود؛ به گونه‌ای که هیچ تشویق و تهدیدی نتوانست حسینیان را از مولایشان جدا کند؛ تا آن‌جا که امام حسین علیه السلام به وفاداری ایشان گواهی داد و آنان را بی‌نظیر و بی‌مانند خواند.

در شب عاشورا، امام حسین علیه السلام، یاران خود را فراخواند و بیعت خویش را از آنان برداشت تا هر که تمایلی به ماندن نداشت، از معركة کربلا بگریزد؛ اما هریک از آن شیرمردان و نمونه‌های بی‌نظیر مردانگی، به بیانی و کلامی، اعلام وفاداری نمودند و آرزو کردند که کاش، هزار جان داشتند تا در پای حسین علیه السلام نثار کنند. سرسلسله آن اسطوره‌های عشق و ایثار، حضرت ابوالفضل علیه السلام، اسوه بزرگ وفا و برادری بود که امان‌نامه دشمن را با خشم و قهر رد کرد و همه هستی خود را فدای مولای خویش نمود و جاودانه شد. منتظران مهدی علیه السلام نیز شایسته است که هر روز با امام خود، تجدید عهد کنند و وفاداری خود را

این گونه به امام، اثبات نمایند: «فابذل نفسی و مالی و ولدی و اهلی و جمیع ما خوکنی ربی بین یدیک»<sup>۱</sup>؛ «جان و مال و فرزندان و خاندانم و همه آن چه پروردگارم به من عطا فرموده را در پیشگاهت نثار می‌کنم». نشانهٔ صداقت در این عهد و پیمان، آن است که هر لحظه، در خدمت امام و اهداف او باشند و جز به رضای او فکر نکنند.

#### ۴. صبر و پایداری

از دیگر درس‌های مهم عاشورا، صبر و پایداری در حمایت از دین خدا و امام زمان است. کم نبوده‌اند کسانی که ادعای دین‌داری داشته‌اند؛ اما سختی‌های راه را تاب نیاوده‌اند و از میانهٔ راه برگشته‌اند. ولی عاشورائیان تا پای جان ایستادند و در حمایت و وفاداری، سنگ تمام گذاشتند.

منتظران مهدی علیه السلام هم باید برای تحقق زمینه‌های ظهور، در جبههٔ انتظار، استوار و مقاوم بمانند و از زخم‌ها و نیش‌هایی که بر دل و جان‌شان می‌نشیند، خسته نشوند؛ بلکه از آن استقبال کنند؛ همان‌طور که حسینیان عاشورائی از زخمِ شمشیرها و نیزه‌ها نهراسیدند، بلکه در راه خدا از آن استقبال کرده و به روی شهادت، لبخند زدند<sup>۲</sup> و

۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام.

۲. حضرت قاسم بن حسن علیه السلام در شب عاشورا فرمودند: «شهادت نزد من از غسل شیرین‌تر است».

همان‌گونه که بانوان عاشورایی، سختی طاقت‌فرسای اسارت را به جان خریدند و به زیبایی، پیام کربلا را به شهرها و نسل‌های آینده رساندند. در این میدان، الگوی صبر و استقامت، حضرت زینب کبری علیها السلام است که با اقتدا به مقتدای بزرگ خود، حضرت زین‌العابدین علیه السلام، به نیکوترین شیوه، رسالت خویش را انجام داد و کربلای حسین علیه السلام را در تاریخ، جاودانه ساخت. آن حضرت، با وجود آن همه مصیبت و سختی، در جواب یزید ملعون فرمود: «ما رأیت منه الاّ جمیلاً»؛ «من از خدای خود، جز زیبایی ندیدم» و به این ترتیب، درس بزرگی به همه تاریخ داد و آن، این که در راه حق و حقیقت، استواری و پایداری، مهم‌ترین وسیله برای رسیدن به پیروزی است.

آری! همان‌گونه که عاشورائیان برای نجات اسلام عزیز و حمایت از ولی خدا، هر گونه سختی را بر جسم و جان خریدند؛ اهل انتظار هم برای ترویج فضیلت‌ها و حفظ راه و رسم دین‌داری و تحقق ارزش‌ها در جامعه، باید صبور باشند؛ از کمی نفرت نلرزد و به خود ناامیدی راه ندهند که طلیعه ظهور، نزدیک است و صبح ظفر، قریب.

## ۵. فریاد علیه ظلم و ظالمان

حسینیان با اقتدا به امام خود، در برابر ظلم و ظالمین قیام کردند و این، خود، درس دیگری برای منتظران مهدی علیه السلام است؛ تا در طول زمان غیبت، هر کجا فرصتی دست داد، در برابر ستمگران موضع بگیرند و بر سر ظالم، فریاد عدالت‌خواهی بزنند. همان‌گونه که در



زیارت عاشورا می‌خوانیم: «فلعن الله امّة اسست اساس الظلم و الجور عليكم اهل البيت... برئت الى الله و اليكم منهم و من اشياهم و اتباعهم و اوليائهم»؛ «خدا لعنت کند امتی را که مبنای ظلم و ستم را بر شما، اهل بیت علیهم السلام بنا نهادند... من به سوی خدا و به سوی شما از ایشان و نیز از پیروان و دنباله‌روان و دوستان ایشان بی‌زاری می‌جویم».<sup>۱</sup>

تبری که از فروغ دین است، جهت حرکت ما را مشخص می‌کند و پیوسته هشدار می‌دهد که نباید با ظالمان هم‌کاسه شد و دست در دست آن‌ها گذاشت و یا حتی در برابر ظلم و تباهی آن‌ها، ساکت نشست.

## ۶. اعلام دوستی و اظهار نسبت به امام

آدمی با عشق و محبت شناخته می‌شود و دل‌بستگی‌ها و دوستی‌هایش، جهت زندگی و مرگش را ترسیم می‌کند. در جبهه عاشورا، یاران حسین علیه السلام بیشترین عشق و ارادت را به حسین بن علی علیه السلام داشتند و آن را به خوبی به نمایش گذاردند. علاقه به فرزند، مهر مادری، محبت پدری، ارتباط و علقه همسری و نه هیچ دوستی دیگری، مانع از آن نشد که یاران امام، قلب خود را به امام خویش بسپارند و همه هستی خود را فدایش کنند.

۱. مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا.

منتظران عاشورایی هم به امام خود، عشق می‌ورزند؛ در عشق او می‌سوزند و بی‌صبرانه ظهور او را چشم به راهند: «مَتَى تَرَانَا وَ نَرِيكَ وَ قَدْ نَشَرْتَ لِيَاءَ النَّصْرِ تُرى اَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَ اَنْتَ تَامُّ الْمَلَأُ»؛<sup>۱</sup> «کی می‌شود که تو ما را ببینی و ما تو را ببینیم؛ در حالی که پرچم پیروزی را بر افراشته‌ای؟! آیا [می‌شود که] ما را ببینی در آن حال که گرد وجودت حلقه زده‌ایم [و آمادهٔ جانبازی هستیم] و تو مردمان را رهبری می‌کنی؟!»




---

۱. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

---

## زن در آینه قیام حسینی و قیام مهدوی

---

🔲 حجت الاسلام و المسلمین عباس خادمیان\*

با آفرینش زن، برگ ظریفی به برگ‌های زرین عالم وجود افزوده شد؛ چرا که زن، جلوه‌ای از صفات جمال و جلال الهی بود که اراده خداوند بر آشکار شدنش تعلق گرفته بود. این نور الهی از آغاز آفرینش تا کنون، اعصار تلخ و شیرینی را سپری کرده و جز در موارد محدود، بر فطرت خویش استوار مانده است. تاریخ، به خوبی مؤید این مطلب است که زنان صالح، همراه با حرکت انبیای الهی و دوشادوش مردان صالح، در طریق هدایت و خداپرستی گام برداشته‌اند. قرآن - این کتاب هدایت بشری- در کنار هر مرد صالح و با ایمانی، از یک زن صالح و با ایمان یاد می‌کند؛ چنان‌چه از همسران آدم و ابراهیم، از

مادران موسی و عیسی علیه السلام و... در نهایت تجلیل، یاد کرده است. قرآن، درباره مادر موسی علیه السلام می‌فرماید: «ما به مادر موسی وحی کردیم که کودک را شیر بده و هنگامی که بر جان او بیمناک شدی، او را به دریا بیفکن و نگران نباش؛ که ما او را به سوی تو باز خواهیم گرداند»<sup>۱</sup>.

قرآن، همچنین در موارد متعددی از مریم علیه السلام - مادر حضرت عیسی علیه السلام - به نیکی یاد می‌کند و تصریح می‌نماید که ملائکه همواره در محراب عبادت با او سخن می‌گفتند؛ از غیب برای او روزی می‌رسید و از لحاظ مقامات معنوی، آن‌گونه اوج گرفته بود که پیغمبر زمانش - زکریا علیه السلام - را در حیرت فرو برده بود.<sup>۲</sup>

در تاریخ اسلام نیز نمونه‌های فراوانی از زنان والا مرتبه می‌توان یافت. خدیجه علیه السلام - همسر بزرگوار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم - نمونه اتم و اکمل یک زن شایسته است. چنانچه، امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف احوالات زمان شروع بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «آن روزها تنها سرپناهی که خانواده‌ای اسلامی را در خود جای داده بود، خانه پیامبر و خدیجه علیهما السلام بود و من سومین آنان بودم»<sup>۳</sup>.

۱. سوره قصص، آیه ۷.

۲. سوره مریم، آیه ۱۷.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نیز در چنان مقام و مرتبه‌ای قرار دارند که قلم، از بیان فضایل ایشان عاجز است. بی‌تردید، هیچ‌کس - جز پیغمبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام - به مقام و منزلت ایشان نمی‌رسد؛ چرا که ایشان بر تمامی امامان و پیامبران - جز حضرت ختمی مرتبت - برتری دارد؛ تا جایی که فرزند گرامی‌اش حضرت حجت بن الحسن علیه السلام می‌فرماید: «دختر رسول خدا، فاطمه زهرا علیها السلام برای من الگوی تمام عیار است»<sup>۱</sup>.

### الف. نقش زنان در قیام عاشورا

یکی از مهم‌ترین اتفاقات عظیم تاریخ اسلام، «حماسه جاودانه عاشورا» است. عاشورا، میدان نبرد جبهه حق و باطل بود و در آن ماجرا، زنان، چنان نقش کلیدی و اثرگذاری از خود نشان دادند که به جرأت می‌توان ادعا کرد که در آن عرصه، زن، نه در حاشیه، که در متن اصلی هنرنمایی می‌کرد. چه کسی می‌تواند نقش حضرت زینب علیها السلام و زنان و دختران امام حسین علیه السلام را در نهضت حسینی نادیده بگیرد؟ آیا حضور آنان، سبب پر رنگ شدن و ماندگاری قیام عاشورا نبود؟

آری! این گزارشگران و پیام‌آوران شیردل بودند که اصل قیام، حقانیت و مظلومیت حسینیان را زنده نگه داشتند؛ چراکه پس از

۱. لسان المیزان، ص ۳.

واقعۀ حماسی و سوزناک عاشورا، رسالتِ سنگینِ بانوانِ کاروانِ حسینی آغاز گردید. آنان با وجود شرایط سخت جسمی و روحی، می‌بایست از اندیشه، کلام و احساس خود، یاری بگیرند و با خطبه‌های پرشور خویش، مردمی را که در عمق وجود خود، اسیر تارهای عنکبوتی نادانی و تمایلات نفسانی بودند، در پرتو نور حقانیت قیام امام حسین علیه السلام قرار دهند.

این‌جاست که به هدف والای امام حسین علیه السلام از همراه کردن زنان و کودکان با کاروان خویش، پی می‌بریم. شهید مطهری در این‌باره می‌فرماید: «ابا عبد الله علیه السلام اهل بیت خودش را حرکت می‌دهد برای این‌که در تاریخ، رسالتی عظیم را انجام دهند؛ برای این‌که نقش مستقیمی در ساختن این تاریخ عظیم داشته باشند؛ اما با قافله سالاری زینب علیه السلام و بدون آن‌که از مدار خودشان خارج شوند. از عصر عاشورا زینب علیه السلام تجلی می‌کند و از آن به بعد، به او واگذار شده بود». البته در این مختصر، مجال بیان فضایل آن بانوی بزرگوار، نیست؛ به همین جهت، به بیان احوالات دیگر زنان قهرمان کربلا اکتفا می‌کنیم. اگرچه نباید فراموش کرد که روشنگری‌های تبلیغی و فرهنگی این بانوان نیز به رهبری و مدیریت حضرت زینب علیه السلام صورت گرفته است.

### سخنرانی و خطابه‌های زنان در حماسه حسینی

پیام‌رسانی و افشاگری جنایات یزیدیان، چه در سفر اسارت و چه پس از بازگشت به مدینه، به معنای پاسداری و تثبیت فرهنگ زلال عاشورا بود که بانوان خیام حسینی، این امر مهم را به دو شیوه خطبه‌خوانی و گفتگوهای پراکنده، به نحو احسن، به انجام رساندند. مسلماً اگر تلاش این بزرگواران نبود، امروز حادثه عاشورا به این روشنی تجلی نمی‌کرد و چه بسا آن واقعه عظیم، در صندوقچه تاریخ مانده بود. اگر ندای حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی شهیدان کربلا از حنجره بانوان به اسارت گرفته شده، بلند نمی‌شد جامعه خفته آن روز، متحول نمی‌شد.

به همین جهت است که سخنرانی‌های بانوان هاشمی را می‌توان مهم‌ترین عامل روشنگری و در نتیجه، براندازی حکومت یزید به حساب آورد؛ چرا که آنان با اخطارها و هشدارهای خود، ضربه سنگینی به پیکر عناد و نفاق آل‌امیه وارد نمودند.

اسارت این بانوان، اگرچه اجباری و ناخواسته و در قابل یک تهدید بود، ولی با مدیریت آگاهانه حضرت زینب علیها السلام، این تهدید به فرصتی تبدیل شد که از طریق آن توانستند پیام خود را به گوش جهانیان برسانند.

آنان اسارت را به آزادی تبدیل کردند و در قابل اسارت ظاهری، به اسیران واقعی نفس، درس حریت و آزادگی دادند. تأمل درباره شخصیت و موقعیت هر یک از این زنان، می‌تواند عظمت و بزرگی

اقدامات شایسته آنان را جلوه‌گر نماید و درسی برای تمامی زنان، به خصوص بانوان منتظر در عصر غیبت باشد.

## شرح حالی از بانوان قهرمان کربلا

### ۱. رباب؛ همسر امام حسین علیه السلام

رباب، دختر «امرء بن عدی بن اوس» بود. او در کربلا حضور داشت و شاهد شهادت همسر و فرزند شیرخواره‌اش، علی اصغر، بود و پس از اتمام حادثه کربلا و اسارت، در میدنه ساکن شد. در برخی روایات آمده است که پس از بازگشت اسرا به مدینه، رباب دستور داد که سقف خانه‌اش را بردارند و خود و دخترش، سکینه، در خانه بی‌سقف روزگار می‌گذرانند. هرگاه به او گفته می‌شد که از زیر آفتاب سوزان برخیز؛ با گریه و شیون پاسخ می‌داد: «من با چشمان خود، حسین علیه السلام را دیدم، در حالی که گرمی آفتاب، بدنش را می‌گذاخت». ایشان، به این شیوه، از ستم یزید و عمالش، افشاگری می‌کرد.

### ۲. ام البنین؛ مادر چهار شهید

فاطمه، دختر «حزام بن خالد»، از همسران بسیار با کمال امام علی علیه السلام و از خانواده شجاع «بنی کلاب» بود. عقیل، برادر علی علیه السلام او را برای آن حضرت، خواستگاری و تزویج کرد. او را هنگامی که از امام علی علیه السلام، دارای چهار پسر - عباس علیه السلام، عبدالله، جعفر و عثمان - شد،



ام‌البنین (مادر پسران) کنیه دادند. تمامی پسران او در سپاه امام حسین علیه السلام جنگیدند و در رکاب ایشان به شهادت رسیدند.

ام‌البنین، وقتی خبر شهادت فرزندانش را در ماجرای کربلا شنید، به سوگ نشست و تا آخر عمر، به یاد آن‌ها- به خصوص عباس دلاور- عزادری نمود. نقل است که وی ضمن اشعاری می‌گفت: «ای کسی که فرزند رشیدم عباس را دیدی که همانند پدرش بر دشمنان می‌تاخت؛ فرزندان علی علیه السلام شیران بیشه شجاعت‌اند. شنیده‌ام بر سر عباس، عمود آهنین زدند، در حالی که دست‌های او را قطع کرده بودند. اگر دست در بدن پسرم بود، چه کسی جرأت داشت نزد او آید و با او بجنگد؟»

ام‌البنین به امام حسین علیه السلام علاقه وافری داشت؛ به گونه‌ای که وقتی بشیر به مدینه آمد و اخبار کربلا را به مردم رساند، ام‌البنین نزد او رفت و پرسید: «از امام حسین علیه السلام مرا خبر بده؛ فرزندانم و همه آن‌چه زیر آسمان کبود است، فدای حسین علیه السلام باد!» و وقتی خبر شهادت امام حسین علیه السلام را شنید، ناله‌اش بلند شد و گفت: «رگ‌های دلم را پاره کردی».

این علاقه، نشان از کمال معنویت او دارد که با وجود آن همه

ایثارگری در راه امام، باز هم، تنها از امام سخن به میان می‌آورد!<sup>۱</sup>  
 آری! این شیر زنان، با پرورش سربازانی دلیر و شجاع برای دفاع از  
 دین و ولایت، حضور مؤثر خود را در میدان نبرد حق علیه باطل،  
 خود نشان دادند.

### ۳. مادر و همسر وهب؛ تازه داماد کربلا

کاروان امام حسین علیه السلام در مسیر حرکت به سوی کوفه، به سرزمین  
 سرسبزی به نام «ثعلبیه» رسید. در آنجا، چشم حضرت به خیمه‌ای  
 افتاد و به سمت آن رفتند. در خیمه، پیرزنی مسیحی را یافتند که در  
 انتظار پسر و عروسیش بود که گوسفندان را برای چرا برده بودند. امام از  
 احوالات آن‌ها پرسید و پیرزن، از کمبود آب آشامیدنی گفت. امام علیه السلام -  
 که همواره دلش برای نیازمندان می‌تپید- با نیزه خود، قسمتی از خاک  
 زمین را کنار زد و ناگهان، آب از زمین جوشید. پیرزن که از این واقعه  
 متحیر شده بود، مجذوب بزرگواری امام علیه السلام شد. امام علیه السلام جریان  
 مسافرتش را به او گفت و فرمود: «هرگاه پسرت آمد، به او بگو که اگر  
 می‌خواهد به کمک ما بیاید».

پس از حرکت کاروان امام علیه السلام، وهب به خیمه بازگشت. این جوان  
 پاک‌دل، وقتی آب خوشگوار را دید و از ماجرا مطلع شد، مجذوب  
 امام علیه السلام گردید و با این که تنها پنج - یا هفده - روز از عروسی‌اش

۱. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۰؛ ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۲۹۲.

می‌گذشت، همراه مادر و همسر خود به خدمت امام علیه السلام رفت. این خانواده نیک‌سرشت، چنان به امام ایمان آورده بودند که پس از گفتگوی کوتاهی، همگی به اسلام گرویدند. در روز عاشورا، مادر شجاع و هب، به او گفت: «به جای شیری که به تو داده‌ام، از تو می‌خواهم که جانت را در طبق اخلاص بگذاری و با دشمن امام علیه السلام تا سر حدّ شهادت بجنگی». و هب گفت: «در مورد همسرم چه کنم؟» مادر جواب داد: «عزیزم! جمال همیشگی را به جمال چند روزه، نفروش». سخنان مادر، و هب را دگرگون و قلبش را لبالب از عشق امام حسین علیه السلام کرد.

در هنگام وداع، همسرش به او گفت: «جان من و تو، هزاران بار فدای امام حسین علیه السلام باد! من از تو یک تقاضا دارم و آن، این‌که در حضور امام، با من تعهد کنی که تا وقتی به تو ملحق نشده‌ام، وارد بهشت نشوی». و هب قبول کرد و در حضور امام علیه السلام تعهد خود را اظهار نمود.

سپس به میدان رفت و گروهی از دشمنان تبه‌کار را کشت و آن‌گاه، در حالی که از شمشیرش خون می‌چکید، نزد مادر آمد و گفت: «آیا از من خشنود شدی؟» مادر گفت: «از تو خشنود نخواهم شد، تا در پیشاپیش امام علیه السلام کشته شوی».

و هب دوباره به میدان تاخت و هم‌چنان جنگید تا به شهادت رسید. پس از شهادت او، همسرش، خود را به پیکر در خون‌تپیده او

رساند و سرش را روی سینه او گذارد. در همان حال، کسی از سپاه یزید، عمودی آهنین بر فرق او کوبید و او را نیز به شهادت رساند. هنگامی که بدن به خون آغشته و هب را نزد عمر بن سعد بردند، عمر نگاهی به او کرد و گفت: «حملات تو، چه سخت و شدید بود!». آن گاه دستور داد که سرش را از بدن جدا کردند و به سوی مادرش بیفکنند.

مادر، سر جوانش را برداشت و بوسید و گفت: «سپاس خداوندی را که با شهادت تو- در رکاب امام حسین علیه السلام- مرا رو سفید کرد». سپس غرش کنان برخاست و سر و هب را به سوی دشمن پرت کرد و گفت: «سری که برای دوست داده ایم، باز نمی ستانیم». آن گاه به خیمه آمد و ستون خیمه را برداشت و به جنگ دشمن شتافت. پس از آن که دو تن از دشمنان را کشت، امام حسین علیه السلام او را به خیمه بازگرداند و برای او دعا کرد و به او مژده بهشت داد. مادر و هب، خوشحال شد و گفت: «خدایا! امید بهشت را از من مگیر»<sup>۱</sup>.

#### ۴. همسر زهیر بن قین

زهیر، بزرگ طایفه بنی فزاره، به همراه عده ای از افراد قبیله اش، از کوفه به حج رفته بود. در مکه، ماجرای حرکت امام حسین علیه السلام را

۱. خواهران قهرمان، محمد محمدی اشتهاردی، ص ۱۷۰. اقتباس و تلخیص از: ریاض الانس، کاشانی، ج ۱، ص ۱۱؛ ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۰۰.

شنید، اما از آن جایی که آمادگی معنوی برای حمایت آن حضرت نداشت، در صدد بود کاروانش را در راه بازگشت، از مسیری حرکت دهد که با کاروان امام حسین علیه السلام برخورد نکند تا ناچار به یاری او شود. از این رو سعی او بر این بود که دور از کاروان امام حرکت کند و به ایشان و همراهانشان نزدیک نشود.

در یکی از منزلگاه‌ها - که زهیر و همراهانش مشغول خوردن غذا بودند - فرستاده‌ای از طرف امام، نزد آنان آمد و خطاب به زهیر بن قین گفت: «ای زهیر! امام علیه السلام خواسته است که نزد او بروی». در آن هنگام، هرکس که لقمه‌ای در دست داشت، از تعجب آن را انداخت و سکوت همه را فرا گرفت.

ناگهان از گوشه‌ای، صدای پرشور همسر زهیر بلند شد که: «ای زهیر! فرستاده امام به این جا آمده است. چرا جوابش را نمی‌دهی؟ چه می‌شود به حضور امام علیه السلام بروی و سخنش را بشنوی؟!» سخنان همسر زهیر، تأثیر به سزایی بر او گذاشت. به همین جهت به خدمت امام علیه السلام رسید. این ملاقات نورانی، محبت دنیا را از زهیر دور کرد و خورشید ایمان و عشق به آن حضرت را در وجود او پر فروغ‌تر نمود؛ تا جایی که به لشگر او پیوست و در روز عاشورا، عاشقانه از ایشان دفاع کرد و با شجاعتی بی‌نظیر، پس از کشتن عده‌ی زیاد به فیض

شهادت نایل گردید.<sup>۱</sup>

وقتی زهیر به شهادت رسید، امام حسین علیه السلام به بالین او آمد و فرمود: ای زهیر! خدا تو را در پیشگاهش جای دهد و دشمنان را آن چنان لعن کند که به صورت بوزینه و خوک درآیند.<sup>۲</sup>

حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه - در زیارتی که سید بن طاووس رحمه الله، آن را منسوب به آن حضرت می‌داند - می‌فرماید: «درود بر زهیر بن قین که به امام حسین علیه السلام گفت: هرگز از تو دست بر ندارم، آیا پسر پیامبر صلی الله علیه و آله را در میان دشمنان بگذارم و بروم؟ خدا مرا برای آن روز نگذارد».

### ب. نقش زنان در حکومت امام زمان علیه السلام

یکی دیگر از مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین حرکت‌ها و وقایع جهان بشری، انقلاب حضرت مهدی علیه السلام است. لذا سزاوار است بدانیم زنان در این قضیه مهم، چه نقشی ایفا می‌کنند و چه مسؤولیتی بر عهده دارند. بر اساس برخی از روایات، حضور و نقش این زنان از نظر زمان و موقعیت، چند صورت دارد:

۱. الهوف، ص ۱۳۲.

۲. سیمای خاوران قهرمان، ص ۱۷۳.

### حضور پنجاه زن در بین یاران امام

امام باقر علیه السلام در بیان بعضی از نشانه های ظهور، می فرماید: «و یجیء والله ثلاث مئة و بضعة عشر رجلا فیهم خمسون امرأة یجتمعون بمكة علی غیر میعاد قزعاً قزعاً الخریف یتبع بعضهم بعضها و هی الآیة التی قال الله: "أَیْنَ مَا تَكُونُوا یَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِیعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ"»<sup>۱</sup>؛ «به خدا سوگند، ۳۱۳ نفر می آیند که پنجاه تن از این عده زن هستند و بدون هیچ قرار قبلی، در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد. این است معنای آیه شریفه: هر جا باشید خداوند همه شما را حاضر می کند، زیرا او بر هر کاری توانا است».

نکته شگفت در این روایت، این است که از ۳۱۳ نفر، پنجاه تن زن هستند. این افراد، جزء همان ۳۱۳ یار اصلی هستند؛ زیرا اولاً امام علیه السلام می فرماید: «فیهم» و اگر مقصود، همراهی خارج از این عده بود، امام علیه السلام می فرمود: «معهم»، دوم اینکه شاید تعبیر «مردان» بدین سبب باشد که بیشتر این افراد، مرد هستند و این کلمه از باب فزونی عدد مردان، چنین ذکر شده است.

۱. سورة بقره، آیه ۱۴۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲.

## رجعت زنان

این اعتقاد مسلم شیعه است که هم‌زمان با ظهور مهدی آل محمد علیه السلام، برخی از پیامبران (مانند حضرت خاتم الانبیا وآله و سلم) و معصومین (همانند امیر مؤمنان علیه السلام و امام حسین علیه السلام) و برخی از مؤمنان حقیقی و پیروان اهل بیت علیهم السلام، به اذن پروردگار زنده خواهند شد و بار دیگر به دنیا باز خواهند گشت. بازگشت این عده، نه تنها غیرممکن نیست؛ بلکه از نظر قرآن کریم، این پدیده، امری مسلم قلمداد شده و در آیات متعددی، به آن سخن اشاره شده است.<sup>۱</sup>

سید مرتضی رحمه الله در این باره می‌نویسد: «علت این که شیعه عقیده دارد خداوند در موقع ظهور امام زمان علیه السلام، برخی از مردگان را زنده می‌کند، این است که به ثواب یاری امام زمان علیه السلام نائل آیند و دولت حق آل محمد وآله و سلم را که در انتظار آن بوده اند، از نزدیک شاهد باشند و انتقام گیری از ظالمان را به چشم ببینند و از ظهور حق و اعتلای کلمه توحید، لذت ببرند».<sup>۲</sup>

در میان کسانی که به دنیا رجعت خواهند کرد، گروهی از زنان باایمان نیز هستند. در منابع معتبر اسلامی، نام سیزده زن ذکر شده که به هنگام ظهور قائم آل محمد علیه السلام زنده خواهند شد و در لشکر

۱. رک: سورة بقره، آیه ۲۴۳ و ۲۵۹.

۲. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۱۱.



امام زمان علیه السلام به مداوای مجروحان جنگی و سرپرستی بیماران، خواهند پرداخت.

طبری در *دلائل الامامة*، از مفضل بن عمر نقل کرده که او گفت: «امام صادق علیه السلام فرمود: "همراه قائم آل محمد علیه السلام سیزده زن خواهند بود." من پرسیدم: "آنان را برای چه کاری می‌خواهد؟" فرمود: "به مداوای مجروحان پرداخته و سرپرستی بیماران را به عهده خواهند گرفت." عرض کردم: "نام آنان را بیان فرمایید." فرمود: "قنواء دختر رشید هجری، ام ایمن، حبابه والبیه، سمیه مادر عمار یاسر، زبیده ام خالد احمسیه، ام سعید حنفیه، صیانه ماشطه، ام خالد جهنیه" <sup>۱</sup>.

امام صادق علیه السلام در این روایت از میان سیزده زن، فقط نام هشت نفر را ذکر می‌کند. در کتاب *خصایص فاطمی* به نام «نسیبه، دختر کعب مازنیه» و در کتاب *منتخب البصائر* به نام «وتیره» و «أحبشیه» نیز اشاره شده است.

نکته مهم این‌جاست که در معارف شیعی، رجعت، برای مؤمنان، یک مقام ممتاز و ویژه است و لذا، شامل هرکسی نمی‌شود؛ مگر این‌که لیاقت این سعادت عظیم را به دست آورده باشد.

این گروه نیز بهای این توفیق بزرگ را پرداخته‌اند. برخی از آنان همچون صیانه، مادر چند شهید بوده‌اند و خود با وضعی جان‌سوز به

شهادت رسیده‌اند. برخی دیگر چون سمیه، در راه دفاع از عقیده اسلامی خود، سخت‌ترین شکنجه‌ها را تحمل نموده و تا پای جان از عقیده خود دفاع کرده‌اند. گروهی دیگر هم‌چون ام خالد، نعمت تندرستی پیکر را برای حفظ پیکر اسلام، بر خود حرام کردند و جانباژ شدند.

آری! آنان دل‌سوختگانی‌اند که با انجام آن رشادت‌ها ثابت کردند که می‌توانند گوشه‌ای از بار سنگین حکومت جهانی اسلامی را بر دوش کشند. در ادامه به معرفی برخی از آنان می‌پردازیم.

### ۱. صیانه ماشطه

در کتاب خصائص فاطمیه آمده است: «در دولت مهدی علیه السلام سیزده زن برای معالجه زخمیان، زنده شده و به دنیا باز می‌گردند، که یکی از آنان صیانه است که همسر حزقیل و آرایشگر دختر فرعون بوده است. شوهرش حزقیل پسر عموی فرعون و گنجینه‌دار وی بوده است. او مؤمن خاندان فرعون بود و به پیامبر زمانش موسی علیه السلام ایمان داشت»<sup>۱</sup>. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «در شب معراج، در مسیر بین مکه معظمه و مسجد اقصی، ناگهان بوی خوشی به مشام رسید که هرگز مانند آن را نبویده بودم. از جبرئیل پرسیدم: این بوی خوش چیست؟ گفت: ای رسول خدا! همسر حزقیل به حضرت موسی بن عمران ایمان آورده

۱. ریاحین الشریعة، ج ۵، ص ۱۵۳؛ خصائص فاطمیه، ص ۳۴۳.

بود و ایمان خود را پنهان می‌کرد. عمل او آرایشگری در حرمسرای فرعون بود. روزی مشغول آرایش دختر فرعون بود که ناگهان شانه از دستش افتاد و در هنگام برداشتن شانه، بی‌اختیار «بسم الله» گفت. دختر فرعون پرسید: «آیا پدر مرا ستایش می‌کنی؟» گفت: «نه؛ بلکه کسی را ستایش می‌کنم که پدر تو را آفریده است و او را از بین خواهد برد». دختر فرعون، شتابان نزد پدرش رفت و گفت: «زنی که در خانه ما آرایشگر است، به موسی ایمان دارد».

فرعون او را احضار کرد و گفت: «مگر به خدایی من اعتراف نداری؟» صیانه گفت: «هرگز؛ من از خدای حقیقی دست نمی‌کشم و تو را پرستش نمی‌کنم». پس فرعون دستور داد، تنوری مسی بر افروزند و چون آن تنور سرخ شد، همهٔ بچه‌های او را در حضور او در آتش اندازند. زمانی که خواستند نوزاد شیرخوارش را که در بغل داشت، بگیرند و در آتش افکنند، صیانه منقلب شد و خواست که با زبان از دین، اظهار برائت و بی‌زاری کند که ناگاه به امر خدا، آن کودک به سخن آمد و گفت: «ای مادر! صبر کن که تو راه حق را می‌پیمایی». فرعونیان آن زن و بچهٔ شیرخوارش را نیز در آتش افکندند و سوزاندند و خاکسترشان را در این زمین ریختند و تا روز قیامت این بوی خوش، از این زمین استشمام می‌شود...!»<sup>۱</sup>

۱. منهاج‌الدعوت، ص ۹۳؛ به نقل از: نجم‌الدین طوسی، چشم‌اندازی به حکومت مهدوی علیه السلام، ص ۷۱.

آری! او از زنانی است که زنده می‌شود و به دنیا باز می‌گردد و در رکاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه انجام وظیفه می‌کند.

## ۲. سمیه؛ مادر عمار یاسر

سمیه، هفتمین نفری بود که به اسلام گروید. بدین سبب، دشمن سخت به خشم آمد و بدترین شکنجه‌ها را بر او روا داشت. ابوجهل، او و شوهرش، یاسر، را مجبور کرد که به پیامبر خدا دشنام دهند؛ اما آنان حاضر به چنین کاری نشدند. او نیز زره آهنین به سمیه و یاسر پوشانید و آن‌ها را در آفتاب سوزان نگه داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله که گاه از کنارشان عبور می‌کرد، آنان را به صبر و مقاومت سفارش می‌نمود و می‌فرمود: «صبراً یا آل یاسر فان موعدکم الجنة»؛ «ای خاندان یاسر! صبر پیشه سازید که وعده گاه شما بهشت است». سرانجام ابوجهل بر هر یک، ضربتی وارد ساخت و ایشان را به شهادت رساند.

خداوند، این زن را به پاداش صبر و مجاهدتی که در راه اعتلای اسلام، نشان داد و بدترین شکنجه‌ها را در راه خدا تحمل کرد؛ در ایام ظهور مهدی آل محمد علیهم السلام زنده خواهد نمود تا تحقق وعده الهی را ببیند و در لشکر ولی خدا به یاوران آن حضرت خدمت کند.

## ۳. امّ خالد

هنگامی که استاندار عراق، یوسف بن عمر، زید بن علی را در شهر کوفه به شهادت رسانید، دستِ امّ خالد را نیز به جرم تشیع و تمایل به قیام زید، قطع کرد. ابو بصیر می‌گوید: «خدمت امام صادق علیه السلام بودیم که امّ خالد با دست بریده شده آمد. حضرت فرمود: ای ابا بصیر! آیا میل داری سخن امّ خالد را بشنوی؟ عرض کردم: آری و به آن شادمان می‌گردم. امّ خالد به نزد حضرت مشرف شد و سخنانی عرضه داشت. من او را در کمال فصاحت و بلاغت یافتم. حضرت علیه السلام نیز در مسأله ولایت و برائت از دشمنان با او سخن گفت»<sup>۱</sup>.

مسأله مهمی که می‌توان به روشنی از سرگذشت او حس کرد، این است که اراده خداوند متعال، بر این بوده که اگر کسی در کمال غربت و گم‌نامی به حق روی کرد و در دین خدا ثابت قدم ماند؛ خداوند نیز در کنار اجرها و پاداش‌های اخروی، او را شهره جهان می‌گرداند و جزء یاوران بزرگ‌ترین واقعه انسانی که همانا حکومت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه است، قرار می‌دهد.

۱. معجم رجال الحديث، ج ۱۴ صص ۲۳ و ۱۰۸ و ۱۷۶؛ ریا حین / الشریعه، ج ۳، ص ۳۸۱.

## آخرین سخن

با در نظر گرفتن اطلاق ادله انتظار فرج (افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزوجل<sup>۱</sup>) و یا روایت امام صادق علیه السلام در دعای عهد - که زنان و مردان را به طور مساوی در بر می گیرد- زنان نیز همچون مردان در صف منتظران حضرت حجت قرار دارند. آنچه از روایات و معارف دینی استفاده می شود، آن است که انقلاب حضرت حجت با حضور یاران و سربازان مؤمن و عاشق صورت می پذیرد و با در نظر گرفتن نقش تربیت در امر پرورش نیروهای انسانی، روشن می شود که اگر بر فرض، هیچ زنی هم در نهضت و قیام حضرت حجت علیه السلام حضور نداشته باشد؛ تمام مردان آن صحنه، با تلاش و تربیت زنان، لیاقت حضور پیدا کرده اند و این را می توان علاوه بر نقش حضور شخصی، یک حضور فعال برای تمامی زنان لحاظ کرد.

جای دارد در این جا سخن امام خمینی رحمه الله را زینت بخش کلام خود کنیم که: «زن، نقش بزرگی در اجتماع دارد. زن، مظهر تحقق آمال بشر است. زن، پرورش دهنده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن، مرد به معراج می رود. دامن زن، محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است»<sup>۲</sup>.



۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲. کلام امام، دفتر سوم، زن، ص ۱۱۱.

---

## بررسی سندی زیارت ناحیه مقدسه

---

□ حجت الاسلام والمسلمین نجم الدین طبسی \*

### روش بحث

به طور معمول، مبنای پژوهش‌های مهدوی، بررسی موضوعی احادیث است؛ چراکه حجم و تعداد احادیث وارده در این زمینه، بسیار بیشتر از آن است<sup>۱</sup> که مجال بررسی تجزیه‌ای و رسیدگی به تک تک احادیث فراهم باشد.

مقصود ما از روش موضوعی، کنکاش و بررسی موضوعات مطرح در مبحث مهدویت است؛ موضوعاتی چون حکومت‌های بعد از حضرت مهدی عج، داستان حضرت نرجس خاتون علیها السلام، قیام‌های

---

\* استاد حوزه و پژوهشگر.

۱. در معجم احادیث الامام المهدی با وجود فشردگی زیاد و حذف مکررات و ادغام احادیث متشابه، حدود ۲۵۰۰ حدیث آمده است که اگر به این تعداد، مستدرکات آن را هم اضافه کنیم، بالغ بر ۳۵۰۰ حدیث مهدوی به دست می‌آید!

دوران غیبت، جزیره خضراء و...

در این پژوهش قصد داریم تا به موضوع زیارت ناحیه مقدسه بپردازیم که منتسب به امام زمان علیه السلام است. در گام اول، متن زیارت را از قدیمی‌ترین منبع نقل می‌کنیم؛ در گام دوم، به بررسی منابع و مصادر آن، از گذشته تا کنون خواهیم پرداخت؛ زیرا در مباحث روایی، کثرت نقل یا عدم آن، دلیل و مؤیدی بر اعتنا یا عدم اعتنا به روایت است.

گام سوم، بررسی سندی است؛ یعنی بررسی سلسله و طرق نقل زیارت و میزان اعتبار آن. در گام چهارم، گفتار بزرگان در رد یا قبول متن و مضمون، مطرح و پس از آن، بحث، نتیجه‌گیری و جمع‌بندی می‌شود.

### مقدمه

قبل از ورود به بحث، لازم است بدانیم که دو زیارت با عنوان «زیارت ناحیه» و منتسب به امام زمان علیه السلام وارد شده است؛ «زیارة الشهداء يوم عاشورا» و «زیارة الناحیه» (مشهور).

موضوع ما در این پژوهش، زیارت دوم است؛ اما به تناسب بحث، ابتدا نکاتی را در رابطه با زیارت اول، مطرح می‌کنیم.

### سند زیارت اول

مرحوم ابن طاووس در دو کتاب خود، «الاقبال» و «مصباح الزائر»



هر دوی این زیارات را نقل کرده است. وی، زیارت اول را این گونه روایت می کند:

«روینا باسنادنا الی جدی ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی علیه السلام قال حدثنا الشیخ ابو عبد الله محمد بن احمد بن عیاش قال حدثنی الشیخ الصالح ابومنصور بن عبد المنعم بن النعمان البغدادی قال: خرج من الناحیه سنة اثنین و خمسين و مأتین علی يد الشیخ محمد بن غالب الاصفهانی حین وفات ابی و كنت حدیث السن و كتبت استأذن فی زیارة مولای ابی عبدالله علیه السلام و زیارة الشهداء - رضوان الله علیهم - فخرج الی منه:

بسم الله الرحمن الرحیم. اذا اردت زیارة الشهداء - رضوان الله علیهم - فقف عند رجلی الحسین علیه السلام و هو قبر علی بن الحسین - صلوات الله علیهما - فا ستقبل القبلة بوجهک فان هناك حومة الشهداء. و أوم و أشر الی علی بن الحسین و قل: السلام علیک یا اول قتیل من نسل خیر سلیل من سلالة ابراهیم الخلیل صلی الله علیک و علی أبیک اذ قال فیک: قتل الله قوما قتلوک یا بُنی ما أجرأهم علی الرحمن و علی انتهاک حرمة الرسول. علی الدنيا بعدک العفا! کأنی بک بین یدیه ماثلاً و للکافرين قائلاً:

اناعلی بن الحسین بن	نحن و بیت الله أولى بالنبی
أطعنکم بالرمح حتی	أضربکم بالسیف أحمی عن
ضرب غلام هاشمی عربی	والله لایحکم فینا ابن الدعی

حتی قضیت نجبک ولقیّت ربک. أشهد أنك أولى بالله و برسوله و أنك ابن رسولہ و ابن حجتہ و أمینہ حکم الله لك علی قاتلک مرة بن منقذ بن النعمان العبدی لعنه الله و أخزاه و من شرکه فی قتلک<sup>۱</sup>.

شیخ مفید و سید مرتضی نیز این زیارت را با حذف سند، در قسمت زیارات عاشورا نقل کرده‌اند.

برخی از پژوهشگران به این زیارت، اشکال‌هایی را وارد کرده‌اند که در ادامه به طرح و بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت:

### الف. تاریخ صدور توقیع

گفته شده است که تاریخ صدور این توقیع، سه سال قبل از ولادت امام زمان علیه السلام است و لذا نمی‌تواند به آن حضرت، منسوب باشد. در جواب این اشکال می‌گوییم:

۱. ممکن است در نوشتن یا خواندن و قرائت تاریخ، اشتباهی رخ داده باشد و عدد شش را به اشتباه، پنج خوانده باشند؛ یعنی تاریخ صدور آن سال ۲۶۲ هـ باشد.

۲. ممکن است این زیارت، از امامین عسکریین علیهم السلام باشد؛ چون در سند، تصریح نشده که این زیارت، از ناحیه امام عصر علیه السلام می‌باشد و فقط تعبیر «عن الناحية المقدسة» آمده است.

ب. وجود افراد مجهول در سند

۱. الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۳، ص ۷۳؛ بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۶۹.

گفته شده است که در سلسله سند این توقیع، برخی افراد، چون «محمد بن احمد بن عیاش»، «ابومنصور بغدادی» و «محمد بن غالب اصفهانی»، مجهول الحال هستند.

این اشکال نیز چند جواب دارد:

۱. این متن، در بر دارنده برخی معارف و اخلاقیات و نکات تاریخی است که با مضامین دیگر ادعیه و زیارات و نصوص معتبر، مطابقت دارد؛ لذا نمی توان تنها به دلیل ضعف سندی، به آسانی از آن دست کشید؛ فتأمل.

شاید این روایت، نظیر زیارت جامعه باشد که سندش از نظر فنی دچار مشکل است؛ ولی بزرگان، آن را تأیید کرده اند. برای مثال امام خمینی رحمته الله فرموده اند: «قطعاً این متن زیارت جامعه، از امام معصوم است» و آیت الله وحید خراسانی نیز می فرماید: «این لفظ، لفظ غیر معصوم نمی تواند باشد و قطعاً از امام است. ما بعضی جاها باید از چارچوب تضعیف و توثیقات نجاشی و کشی خارج شویم».

دعای افتتاح نیز توقیع است؛ ولی متن دعا به گونه ای است که نمی تواند از غیر معصوم صادر شده باشد. دعای ندبه و ادعیه بسیار دیگری نیز از این دست هستند. پس این زیارت را نیز می توان از این جمله، محسوب کرد.

۲. موضوع مورد بحث، زیارت است و نه یک بحث فقهی و کلامی؛

۱. در سلسله راویان زیارت جامعه، «محمد بن موسی نخعی»، مجهول است.

تا نیاز به بررسی سندی داشته باشد. در نتیجه علی المینا، قاعده «تسامح در ادله سنن»، مشکل ضعف سند را حل می‌کند.

۳. این متن، تقریباً با نصوص تاریخی فریقین مطابقت دارد و تنها اختلاف آن، در تعداد شهدای کربلا می‌باشد که ۸۰ نفر را نام برده است. اما این مورد نیز نمی‌تواند مشکل جدی محسوب شود چرا که بعضی از مورخین، عدد شهدای کربلا را تا ۱۰۳ و ۱۱۳ نفر هم ذکر کرده‌اند. پس نه تنها به سبب این اختلاف نظر، نمی‌توان این توقیع را کنار گذاشت، بلکه بالاتر از آن، می‌بایست این توقیع را محور قرار بدهیم و یا دست کم بگوییم، عدد مذکور قولی از اقوال است.

۴. کتب علمای رجال، در مقام توثیق برخی از روات، به فرازهایی از این زیارت استناد کرده‌اند و این، نشانگر آن است که این زیارت را تلقی به قبول کرده‌اند.

## اما زیارت ناحیه معروف

### سند زیارت

این زیارت را مرحوم ابن المشهدی در «المزار الکبیر» و مرحوم ابن طاووس در «مصباح الزائر» نقل کرده‌اند. علامه مجلسی نیز در بحار الانوار<sup>۱</sup>، آن را ذکر کرده و فرموده است: «الظاهر أنها من تألیفات السید و المفید و لعله

۱. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۱۷.

وصل إليهما خبر في كيفية الصلاة فإن الاختراع فيها غير جائز»<sup>۱</sup>.

ابن طاووس نیز تصریح کرده است که سید مرتضی، امام حسین علیه السلام را با این عبارات، زیارت می کرده است: «زيارة بالفاظ شافية يذكر فيها بعض مصائب يوم الطف يزار بها الحسين عليه السلام».

البته معنای این عبارت، این نیست که الفاظ و عبارات زیارت ناحیه از سید مرتضی باشد؛ زیرا مرحوم مجلسی اول (مولا محمد تقی) نیز در رابطه با زیارت جامعه، در کتاب خود، روضة المتقين گفته است: «من در مدتی که در عتبات عالیات بودم، فقط با این الفاظ، زیارت می کردم». آیا معنای این جمله آن است که عبارات از خود او است؟!

### بحثی درباره کتاب المزار الكبير

محدث نوری در خاتمه مستدرک الوسائل<sup>۲</sup> و در وصف المزار

می گوید:

«قال في البحار: «كتاب كبير في الزيارات تأليف محمد بن المشهدي كما يظهر من تأليفات السيد بن طاووس و اعتمد عليه و مدحه و سميناه بالمزار الكبير» و قال في الفصل الاخر: «و المزار الكبير يعلم من كيفية اسناده انه كتاب معتبر و قد أخذ منه السيدان ابنا طاووس كثيرا من الاخبار و الزيارات و قال الشيخ

۱. همان، ج ۹۸، ص ۲۵۱.

۲. خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۵۸ - ۳۶۴.

منتجب الدین فی الفهرست: «ابو البرکات محمد بن اسماعیل المشهدی فقیه محدث ثقة». و منه يظهر انه معدود فی زمرة الفقهاء كما انه يظهر من صدر كتابه الاعتماد على كل ما أودعه فيه و أنّ ما فيه من الزيارات كلها مأثورة و ان لم يستند بعضها اليهم عليه السلام في محله. قال بعد خطبته: «فاني قد جمعت في كتابي هذا من فنون الزيارات للمشاهد و ما ورد في الترغيب في المساجد المباركات و الادعية المختارات و ما يدعى به عقيب الصلوات و ما يناجى به التقديم تعالى من لذيذ الدعوات في الخلوات و ما يلجأ اليه من الادعية عند المهمات مما اتصلت به من ثقات الرواة الى السادات و حثني الى ذلك ايضا...»؛

«[مرحوم مجلسی درباره این کتاب] در بحارالانوار می گوید: «کتاب بزرگی است درباره زیارات و چنان که از نوشته های سید بن طاووس به دست می آید، این کتاب از تألیفات محمد بن مشهدی است و ابن طاووس، بر این کتاب، اعتماد نموده و آن را مدح کرده است.<sup>۱</sup> و ما (مرحوم مجلسی) آن را المزار الکبیر نامیدیم». و باز مرحوم مجلسی در فصل دیگری از بحارالانوار فرموده: «از وضعیت اسناد آن چنین فهمیده می شود که کتاب معتبری است و دو سید (رضی الدین و عبدالکریم) ابن طاووس، زیارات و روایات بسیاری از این کتاب نقل کرده اند و شیخ منتجب الدین در فهرست خود، درباره

۱. خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۵۸ - ۳۶۴.

۲. ابن طاووس، استاد علامه حلی، رجالی بزرگ و متبحر است و اعتماد ایشان بر این زیارت، نکته مهمی است.

ابن مشهدی فرموده است: «بوالبرکات محمد بن اسماعیل مشهدی، فقیه، محدث و مورد وثاقت است». و از عبارات ریاض العلماء و دیگران چنین استفاده می‌شود که ابن مشهدی در زمره فقها بوده است. از مقدمه کتاب المزار الکبیر چنین استفاده می‌شود که تمام آنچه در کتاب خود آورده است، مورد اعتماد او است و تمام زیارات این کتاب، از معصومین رسیده است؛ هر چند بعضی از آنها را در جای خود، به امام معصوم، نسبت نداده است. مؤلف (ابن مشهدی) پس از خطبه کتاب خود، چنین نوشته است: «در این کتاب، زیارات مختلفی را درباره مشاهد مشرفه و نیز درباره تشویق و ترغیب به مساجد، ادعیه برگزیده، تعقیب نمازها، مناجات با خداوند، نمونه‌ای از دعا‌های روح‌بخش و دعا‌هایی برای امور مهم و عظیم آورده‌ام. این ادعیه را به سند خود از راویان شیعه که به ائمه اطهار می‌رسند، نقل کرده‌ام».

مرحوم نوری در آخر باز هم تکرار می‌کند:

«و يظهر منه أنه - رحمة الله - من اعظم العلماء واسع الرواية، كثير الفضل معتمد عليه كما انه يظهر مما ذكرنا من خطبة كتابه أن كل ما فيه من الدعوات و الزيارات، مأثورة عنهم عليهم السلام و منها اعمال مسجد الكوفة و الزيارات مختصة بأبي عبدالله عليه السلام في الأيام المخصوصة»؛

«از سخنان مرحوم مجلسی چنین بر می‌آید که او (مرحوم محمد بن مشهدی) از علمای بزرگ و آگاه به روایت و صاحب فضل و مورد

اعتماد است. از مقدمه خطبه مؤلف نیز چنین بر می آید که تمام آنچه در این کتاب، از مجموعه زیارات و ادعیه آمده، از ائمه اطهار علیهم السلام رسیده است؛ از جمله اعمال مسجد کوفه و زیارت‌هایی که به امام حسین علیه السلام در روزهای ویژه اختصاص دارد.

### محورهای بحث و تحقیق

پس از روشن شدن وثوق ابن مشهدی، در چهار محور، بحث را دنبال می‌کنیم: ۱. آشنایی با مؤلف؛ ۲. آشنایی با کتاب؛ ۳. بررسی شبهات؛ ۴. ذکر منابع.

#### ۱. آشنایی با مؤلف

محمد بن جعفر بن علی مشهدی حائری، معروف به ابن المشهدی، در سال ۵۱۰ هـ ولادت یافته است. او در سال ۵۷۳ هـ کتاب «المزار» را به پایان رسانده و تا سال ۵۹۴ هـ نیز در قید حیات بوده است.<sup>۱</sup> او از محضر بیست و هفت استاد، کسب فیض کرده که همه از ثقات هستند. «ابن شهر آشوب»، «شاذان بن جبرئیل»، «عبدالله بن جعفر دوریستی»، «ابن زهره» و «ورام بن ابی فراس نخعی» از جمله اساتید وی می‌باشند.

«سید فخار بن معد موسوی» (راوی صحیفه سجادیه) و «ابن نما» (استاد محقق حلی) نیز از جمله کسانی هستند که در محضر ایشان،

۱. طبقات اعلام الشيعة، ج ۳، ص ۲۵۲.



شاگردی کرده‌اند.

از امتیازات ابن مشهدی این است که طریق کوتاهی به شیخ مفید دارد. او با سه واسطه و گاه با دو واسطه و بعضاً با یک واسطه به شیخ مفید می‌رسد. عمده طریق وی، «ابن منصور نقاش موصلی» از «[الشریف النقیب] محمدی» است. گاهی نیز از «شاذان بن جبرئیل» از «محمد بن موسی بن جعفر دوریستی» از «جعفر بن محمد دوریستی» نقل می‌کند. گاهی نیز در سلسله سند او به جای شاذان، «عدل بن دوریستی» است.

ایشان هم‌چنین طریق دیگری نیز به شیخ مفید دارد که عبارت است از «محمد طبری»، «حسن بن محمد» و «ابو جعفر». مرحوم ابن مشهدی، از همان ابتدا به تحصیل علم پرداخت و در کمتر از ۲۰ سالگی، دروس عالیه را آغاز کرد و کتاب *مقننه* را نزد استادش، ابن منصور نقاش خواند.

از مطالب فوق نتیجه می‌گیریم که وی یک شخصیت معمولی نیست؛ به ویژه، زمانی که اظهارات بزرگان را نیز در رابطه با او ملاحظه می‌کنیم، در می‌یابیم که او شخصیتی مورد وثوق است. در ادامه به نمونه‌هایی از نظرات بزرگان در رابطه با ابن مشهدی اشاره می‌کنیم:<sup>۱</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۷، صص ۲۱، ۴۵؛ خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۶۴.

شهيد اول: «الشيخ الامام السعيد».<sup>١</sup>

شيخ حرّ عاملي: «كان فاضلا محدثا صدوقا».<sup>٢</sup>

مرحوم نوري: «الشيخ الجليل السعيد المتبحر مؤلف المزار المشهور... الذي اعتمد عليه اصحابنا الابرار»<sup>٣</sup>؛ «يظهر منه أنه من اعظم العلماء واسعة الرواية كثير الفضل معتمد عليه».<sup>٤</sup>

مرحوم شيخ عباس قمي: «الشيخ الجليل السعيد المتبحر عظيم المنزلة والمقدار».<sup>٥</sup>

سيد محسن امين: «شيخ جليل متبحر محدث صدوق».<sup>٦</sup>

مرحوم مدرس: «از كبار محدثين اماميه است؛ بسيار جليل القدر و عظيم المنزلة است».<sup>٧</sup>

آقا بزرگ تهراني: «عالم جليل واسع الرواية».<sup>٨</sup>

١. اجازات بحار الانوار، ج ١٠٤، ص ١٩٦.

٢. امل الآمل، ج ٢، ص ٢٥٢؛ خاتمه مستدرک الوسائل، ج ١٩، ص ٣٦٤.

٣. خاتمه مستدرک الوسائل، ج ٢١، ص ١٩.

٤. همان، ج ١٩، ص ٣٦٣.

٥. الكنى و الالتقاب، ج ١، ص ٤٠٩.

٦. اعيان الشيعه، ج ٩، ص ٢٠٢.

٧. ريحانه الادب، ج ٨، ص ٣٠٨.

٨. طبقات اعلام الشيعه، ج ٣، ص ٢٠٢.

علامه مجلسی: «المزار الكبير، يعلم من كيفية أسناده انه كتاب معتبر و قد اخذ منه السيدان ابنا طاووس كثيراً من الأخبار و الروايات».<sup>۱</sup>

آیت الله وحید خراسانی: «اعتماد نا على المزار المشهدى نتيجة لاعتماد السيد عبد الكريم (ابن طاووس) و ولده عليه».<sup>۲</sup>

## ۲. آشنایی با کتاب

این کتاب، ظاهراً تلقی به قبول شده است؛ زیرا تا پیش از مرحوم آیت الله خویی، کسی در اعتبار آن، تشکیک نکرده بود.

علامه مجلسی در مقدمه «تحفة الزائر» می گوید: «به نظر قاصر رسیده که با وجود زیارات منقوله از ائمه، دیگر احتیاجی به زیارات مؤلف (غیر مأثوره) نیست. این مؤلف [ابن مشهدی] خواست که رساله‌ای تألیف کند که مأثور باشد بر ذکر زیارات و ادعیه و آدابی که به اسانید معتبره از ائمه دین علیهم السلام منقول گردیده است».<sup>۳</sup>

از این سخن مرحوم علامه مجلسی بر می آید که ایشان، مأثور بودن این کتاب را پذیرفته است؛ چنانچه در بحار/الانوار نیز فرمود:

«المزار الكبير يعلم من كيفية أسناده انه كتاب معتبر و قد اخذ منه

۱. بحار/الانوار، ج ۱، ص ۳۵.

۲. صوم عاشورا، ص ۴۸.

۳. تحفة الزائر، ص ۳.

السیدان ابنا طاووس كثيرا من الاخبار و الروایات».<sup>۱</sup>

علاوه بر ایشان، بزرگان دیگری نیز این کتاب را توثیق کرده‌اند؛ از جمله:

مرحوم نوری: «اعتمد علیه اصحابنا الابرار... يظهر من صدر کتابه الاعتماد علی کل ما اودعه فيه أن ما فيه من الزیارات کلها مأثوره و ان لم یستند بعضها علیهم فی محله».<sup>۲</sup>

مرحوم امین: «اعتمد علیه الاصحاب».<sup>۳</sup>

مرحوم شیخ عباس قمی: «اعتمد علیه علمائنا الابرار، الملقب بالمزار الكبير فی بحار الانوار».<sup>۴</sup>

مرحوم مدرس: «کتاب مزار، محل اعتماد اکابر است».<sup>۵</sup>

مرحوم آیت الله میلانی: «و نجد فی زیارة الامام المهدی وصفا دقیقا لما جرى علی جده الحسین».<sup>۶</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۵.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۹، ص ۳۵۹-۳۶۰ و ج ۲۱، ص ۱۹.

۳. اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۲۰۲.

۴. الکنی و الالقاب، ج ۱، ص ۴۰۹.

۵. ریحانة الادب، ج ۸، ص ۲۰۸.

۶. عقادتنا، ج ۶، ص ۱۱۵.

### بررسی نظر علامه مجلسی در باره زیارت ناحیه

با وجود آن که علامه مجلسی، در عبارات و فرصت‌های گوناگون، ابن‌مشهدی و کتاب او، المزار را توثیق کرده‌اند، اما در رابطه با زیارت ناحیه، عبارتی دارند که برخی را به شبهه انداخته است. ایشان فرموده‌اند: «و الظاهر ان هذه الزيارة من مؤلفات السيد والمفيد عليه السلام و لعله وصل اليهما خبر في كيفية الصلاة فان الاختراع فيها غير جائز».<sup>۱</sup>

به نظر ما، اگر مقصود علامه مجلسی این باشد که این زیارت، انشا و ابداع این دو بزرگوار است، صحیح نیست؛ چون مؤلف کتاب *المزار*، تمام زیارات آن را ماثور می‌داند و درباره زیارت ناحیه نیز می‌گوید: «زيارة اخرى يختص بالحسين عليه السلام و هي مروية باسانيد و هي اول زيارة زار بها المرتضى علم الهدى».

شاید منشأ اشتباه علامه، همین عبارت باشد که گمان کرده است این زیارت، از تألیفات سید مرتضی است. ولی همان‌گونه که در ابتدای بحث، گفته شد، این عبارت، همانند عبارت مجلسی اول است که فرمود: «من در مدتی که در عراق بودم، فقط زیارت جامعه می‌خواندم». اما این، دلیل تألیف زیارت جامعه توسط او نیست. این نکته در کلام سید بن طاووس وضوح بیشتری دارد: «فی

زیارات ابی عبدالله الحسین علیه السلام زیارة بالفاظ شافیه ی ذکر فیها بعض مصائب  
یوم الطف یزار بها الحسین زاره بها المرتضی علم الهدی. مشتمل علی آداب  
و کیفیات و الصلوة<sup>۱</sup>؛ «در زیارات امام حسین علیه السلام، زیارتی است که با  
عبارات روشن، مصیبت‌های روز عاشورا را بازگو می‌کند و امام  
حسین علیه السلام را با این متن، زیارت می‌کنند. سید مرتضی علم الهدی نیز  
امام حسین را با این زیارت‌نامه زیارت کرد. این زیارت در برگیرنده  
آداب و روش و نماز زیارت است».

پس اگر علامه مجلسی چنین برداشتی داشته باشد، جای تأمل،  
بلکه غیر مقبول به نظر می‌رسد.

نکته شایسته دقت، این است که مرحوم قمی در کتاب گران سنگ  
خود، *نفس المهموم*، عباراتی از این زیارت را بدون هیچ تردیدی به  
حضرت مهدی علیه السلام نسبت داده و می‌فرماید: «فكان وصفه الامام  
المهدي: كنت للقرآن سنداً وللامة عضداً وللرسول ولداً»؛ «امام مهدی در  
توصیف امام حسین فرموده است: "تو پشتوانه قرآن و بازوی امت و  
فرزند رسول الله بودی"».

### ۳. بررسی شبهات

#### الف. عدم نقل در مفاتیح الجنان

گفته می‌شود: اگر این زیارت مأثور می‌باشد، چرا شیخ عباس قمی، آن را در مفاتیح الجنان نیاورده است؟

**جواب:**

۱. مرحوم قمی، این زیارت را در کتاب «نفس المهموم» آورده است.  
 ۲. این زیارت، طبق نقل ابن مشهدی، از زیارت‌های روز عاشورا است و مرحوم قمی، در باب زیارت عاشورا، در مقام استقصای تمام زیارات عاشورا نبوده است؛ بلکه فقط دو زیارت را آورده و به همان دو اکتفا کرده است.

۳. آیا محدث قمی تعهد داده است که تمام زیارات صحیح را در مفاتیح الجنان جمع کند؛ که اگر در آن، زیارتی نقل نشد، آن را غیر صحیح فرض کنیم؟ آیا اصلاً کتب اربعه چنین تعهدی داده‌اند؟!

۴. شاید مرحوم قمی، روال و مبنای خاصی برای تألیف مفاتیح الجنان داشته که این زیارت در آن چارچوب نمی‌گنجیده است. شریف رضی رحمته الله - مؤلف نهج البلاغه - نیز تمام خطبه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام را در کتاب خود نیاورده؛ چراکه روش وی، جمع‌آوری خطبه‌هایی بوده است که جنبه بلاغی داشته باشند. شاید شیخ عباس قمی هم، مبنای خاصی برای تألیف مفاتیح الجنان داشته و برطبق آن، زیارت عاشورا را آورده و زیارت ناحیه را ذکر نکرده است؛ هر چند به آن

مینا اشاره‌ای نکرده است.

۵. اصولاً مفاتیح‌الجنان، کتاب جامع و کاملی نیست؛ چراکه مرحوم قمی، تمام ادعیه و زیارات را نقل نکرده است. برای مثال، ایشان از ۵۴ دعای صحیفه سجادیه، فقط یک دعا را در مفاتیح گنجانده است. هم‌چنین اعمال شب قدر را به طور مختصر ذکر کرده؛ با وجود آن‌که ابن طاووس در «اقبال»، اعمال شب قدر را مفصل آورده است. در بحارالانوار نیز چندین زیارت آمده، که ایشان در کتاب خود، آن‌ها را نقل نکرده است.

پس شیخ عباس قمی، بنا نداشته است که کتاب کامل و جامعی در ادعیه و زیارات بنویسد؛ بلکه بنا بر نقلی معروف، وی مفاتیح‌الجنان را به صورت یادداشت‌هایی برای خود نوشته بود تا بتواند به همراه داشته باشد. ۶. شاید وی از اطاله پرهیز داشته و به دنبال اختصار بوده است؛ لذا زیارت ناحیه را- که با در نظر گرفتن اعمال خاص آن، بسیار طولانی می‌شود- ذکر نکرده است.

ممکن است گفته شود که ایشان، ادعیه و زیارات طولانی و مفصل دیگری را آورده است. جواب آن است که آن ادعیه و زیارات، بدل و جایگزینی نداشته؛ اما زیارت ناحیه، دو بدل داشته که ایشان در قسمت زیارات عاشورا نقل کرده است.

### ب. عبارت «ناشرات الشعور»

گفته می‌شود: عبارت «ناشرات الشعور» - که در این زیارت آمده



است- را چگونه می‌توان پذیرفت؟ آیا می‌توان ادعا کرد زینب کبری علیها السلام و سایر مخدرات، پس از واقعه شهادت امام حسین علیه السلام، با گیسوان پریشان و بدون حجاب، سراسیمه از خیمه‌ها بیرون آمدند؟ آیا این صحنه، با مقام زنان اهل بیت علیهم السلام سازگار است؟

جواب: گیسوی پریشان، با مکشوف و بدون حجاب بودن سر، هیچ تلازمی ندارد؛ چون ممکن است - و حتماً نیز همین است - که گیسوان خود را به نشانه عزا و حزن و مصیبت، زیر عبا و حجاب کامل، پریشان کرده باشند؛ چنانچه این شیوه، بین زنان عرب، رسم و عرف بوده است.

همین شبهه را روزی از استاد بزرگوارم، آیت‌الله وحید خراسانی (حفظه الله) پرسیدم و آن بزرگوار، پاسخی به همین مضمون بیان فرمود.

### ج. نظر و اشکال مرحوم آیت‌الله خوئی

از علمای معاصر، تنها کسی که به کتاب المزار و مؤلف آن، نظر منفی دارد، مرحوم آیت‌الله خوئی است. روش وی در «معجم الرجال» این است که افراد موجود در اسناد کتب اربعه را- به تمام نام‌ها و عناوین و الفاظی که با آن ذکر شده‌اند- نام می‌برد؛ ولی ترجمه و شرح حال و اظهار نظر درباره آن‌ها را در یکجا می‌آورد و این، برای تمیز مشترکات، بسیار مفید است.

به همین علت، در چند جا به مؤلف المزار اشاره کرده است:

الف. در مقدمه جلد اول، به اعتبار آن که می‌خواهد مبانی رجالی

خود را نقل کند، در زمینه توثیقات عام، از ابن مشهدی و کتاب او نیز نام می‌برد. ایشان سخن ابن مشهدی در مقدمه کتابش<sup>۱</sup> را نقل می‌کند و می‌گوید: «این سخن ابن مشهدی، در این که تمام راویان سلسله سند این کتاب (المزار) موثق هستند، صراحت دارد؛ ولی به دو دلیل، نمی‌توان به این سخن اعتماد کرد:

۱. اعتبار کتاب روشن نیست؛ چون شخصیت محمد بن مشهدی معلوم نیست؛ یعنی مجهول‌الوصف و بلکه، شخص او برای ما مجهول است. هرچند محدث نوری اصرار دارد که ثابت کند مؤلف کتاب، همان «محمد بن جعفر بن علی بن جعفر المشهدی الحائری» است؛ لیکن این کلام، موجب ظن است، نه اطمینان.

۲. توثیقات متأخران، برای ما معتبر نیست؛ چون از روی حدس و اجتهاد گفته‌اند و آن چه از نظر ما معتبر است، حسّ می‌باشد.

ب. ایشان، هم‌چنین، شخصی را به نام «محمد بن جعفر بن علی بن جعفر المشهدی الحائری» ذکر می‌کند و درباره او می‌فرماید: «الشیخ الجلیل السعید المتبحر ابو عبدالله المعروف بمحمد بن المشهدی و ابن المشهدی مؤلف المزار المشهور الذی اعتمد علیه اصحابنا الابرار الملقب بالمزار الکبیر فی بحر الانوار ذکره المحدث النوری فی عداد مشایخ محمد

---

۱. ابن مشهدی در مقدمه کتاب خود گفته است: «فأنی قد جمعت فی کتابی هذا من فنون الزیارات للمشاهد المشرفات - الی ان قال - مما اتصلت به من ثقات الروات الی السادات».

بن جعفر بن نما ای الثالث من مشایخه».<sup>۱</sup>

ج. وی در جلد ۱۵ کتاب خود، به نقل از «حرّ عاملی» می‌فرماید:  
«محمد بن جعفر المشهدی کان فاضلاً محدّثاً صدوقاً له کتب یروی عن  
شاذان بن جبرئیل القمی».<sup>۲</sup>

د. ایشان در جای دیگری فرموده است: «محمد بن علی المشهدی  
ذکر صاحب الوسائل فی مقدمة الوسائل ان له کتاب المزار»<sup>۳</sup>  
ه. در جلد ۱۷ این کتاب نیز آمده است:

«محمد بن المشهدی له کتاب يعرف بالمزار و تقدم فی المدخل أنّ  
المحدث النوری قد أصّر فی الفائدة الثانية من خاتمة مستدرکه التي شرح  
فیها حال الكتب المأخوذة عنها روايات المستدرک و حال مؤلفیها عن بیان  
حال کتاب المزار أنه محمد بن جعفر بن علی ابن جعفر المشهدی الحائری و  
ذکرنا أنّ ما ذکره فی وجه ذلك لا یورث الا الظن فانه لم یذكر دلیلاً علی  
ذلك بل ینافیہ کلام صاحب الوسائل فی مقدمة الوسائل من ان والده  
علی، و احتمال کونه من النسبة الی الجد یبعده أنّ علیا المشهدی لم یکن  
من المعاریف بل لم یعلم انه کان من العلماء حتی ینسب حفیده الیه»<sup>۴</sup>؛

۱. معجم الرجال، ج ۱۶، ص ۱۷۰.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۱۷۶.

۳. همان، ج ۱۷، ص ۵۶.

۴. همان، ج ۱۷، ص ۲۵۹.

«ابن مشهدی کتابی دارد به نام مزار و در مقدمه کتاب اشاره کردیم که محدث نوری در خاتمه مستدرک- که شرح حال مؤلفان منابع کتاب مستدرک را آورده است- اصرار دارد که نویسنده کتاب مزار، محمد بن جعفر بن علی بن جعفر مشهدی حائری است.

ما در پاسخ گفتیم: گفته وی ظن آور است، نه یقین آور؛ چون ایشان دلیلی ارائه نکرده است. بلکه با کلام حرّ عاملی - صاحب وسائل - منافات دارد که پدر ابن مشهدی را «علی» ذکر کرده است؛ در حالی که مرحوم نوری، نام پدر ابن مشهدی را «جعفر» می داند.

ممکن است گفته شود: علی، نام جدّ او است ولی مانند برخی، چون «علی بن بابویه»، در اثر شهرت، به جدش منسوب شده است. ولی در جواب می گوییم: اولاً جدّ او از معاریف نبوده است و ثانیاً معلوم نیست که او از علما بوده باشد، تا نوه اش را به او نسبت دهند» (پایان سخن آیت الله خویی).

ولی به نظر ما اعتماد امثال ابن طاوس، شهید اوّل، مجلسی، حرّ عاملی، مرحوم نوری، سید محسن امین و شیخ عباس قمی، موجب علم به وثاقت ابن مشهدی می شود و ما نیز همانند استاد خود حضرت آیت الله وحید خراسانی (حفظه الله) بر ابن مشهدی اعتماد کرده و او را معتبر می دانیم.

#### ۴. منابع زیارت ناحیه

علاوه بر کتاب المزار، منابع دیگری نیز این زیارت را نقل کرده اند

که در ادامه، به طرح و بررسی منابع متقدم و متأخر این زیارت می‌پردازیم:

### الف: متقدمان

۱. «مزار»<sup>۱</sup> شیخ مفید: مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار، زیارت ناحیه را به کتاب مزار شیخ مفید نسبت داده و می‌گوید: «قال الشيخ المفيد رحمه الله في كتاب المزار بعد ايراد الزيارة التي نقلناها من المصباح قال ما هذا لفظه زيارة اخرى في يوم عاشورا برواية اخرى اذا اردت زيارته بها في هذا اليوم فقف عليه و قل السلام على آدم صفوة الله...»<sup>۲</sup>.

۲. «مصباح» سید مرتضی: علامه مجلسی نقل کرده که سید مرتضی در مصباح الزائر گفته است: «زيارة بالفاظ شافيه يذكر فيها بعض مصائب يوم الطف يزار بها الحسين عليه السلام زار بها المرتضى علم الهدى و سأ ذكرها على الوصف الذي اشار هو اليه قال: فاذا اردت الخروج من بيتك فقل: اللهم اليك توجهت... أسپس همين زیارت ناحیه را نقل می‌کند».

روشن است که بر فرض عدم اثبات اعتبار کتاب مزار ابن مشهدی، نقل زیارت ناحیه از آن، توسط سید مرتضی و شیخ مفید، دلیلی بر

۱. امروزه، این کتاب در دسترس ما نیست.

۲. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۱۷.

اعتبار آن است.

ب. متأخران

۱. ابن طاووس در مصباح الزائر، این زیارت را از سید مرتضی نقل کرده؛ ولی اسم ایشان را نیاورده است.

۲. علامه مجلسی در چهار قسمت از کتاب خود، به کتاب سید مرتضی اشاره دارد و در جایی می‌گوید: «والظاهر انه سقط من النسخ الزیارة التي الحقناها من رواية السيد».

۳. علامه مجلسی در تحفة الزائر نیز این زیارت را آورده است.<sup>۱</sup>

۴. این زیارت، در کتاب جامع/احادیث الشیعه نیز آمده است.<sup>۲</sup>

۵. ابراهیم بن محسن فیض کاشانی نیز در الصحیفة الهادیة و التحفة المهدویة<sup>۳</sup> این زیارت را آورده است.<sup>۴</sup> وی در صفحه<sup>۳</sup> این کتاب چنین گفته است: «چون به واسطه غایب بودن نور، سینه‌ام تنگ شده بود، بر تألیف کتابی همت گماشتم که مطالب آن، از امام زمان علیه السلام صادر شده باشد». هم‌چنین قبل از نقل زیارت ناحیه، آن را این‌گونه توصیف نموده

۱. تحفة الزائر، ص ۳.

۲. جامع احادیث الشیعه (زیر نظر آیت‌ا... بروجردی)، ج ۱۵، ص ۴۰۵، ح ۱۶.

۳. این کتاب برای اولین بار در سال ۱۳۱۸ ق به چاپ رسیده و شامل ادعیه و زیارات و توقیعاتی است که از امام مهدی علیه السلام رسیده است.

۴. صحیفة مهدیه، ص ۲۰۲.

است: «زیارتی که از ناحیه امام زمان علیه السلام به سوی یکی از چهار نایب صادر شده است».

ناگفته نماند که برای این زیارت، شروح متعددی نیز نوشته شده است؛ مانند کشف داحیه فی شرح زیارة الناحیه، الشمس الضاحیه<sup>۱</sup> و شرح زیارت ناحیه به زبان اردو<sup>۲</sup>.

### نتیجه

۱. این زیارت، از ناحیه امام زمان علیه السلام برای برخی از نواب صادر شده و پس از آن، به دست برخی از علما، چون شیخ مفید و ابن مشهدی رسیده است.
۲. این زیارت، دارای اسانید متعدد و معتبری می باشد؛ چنان که ابن مشهدی به آن، تصریح کرده است.
۳. سید مرتضی، در اولین تشرف به کربلا، این زیارت را خوانده است.
۴. بسیاری از عبارات این زیارت، با زیارات دیگر مطابق است.
۵. این زیارت مضامینی عالیه دارد و معنویت خاصی در آن، مشهود است.
۶. سید مرتضی، زیارت و آداب آن را این گونه آورده است:

۱. الذریعة، ج ۱۸، ص ۳۴.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۳۰۸.

«فأذا اردت الخروج من بيتك فقل: اللهم اليك توجهت... فأذا بلغت المنزل تقول: رب انزلني منزلا مباركا... فإذا رأى القبة فيقول: الحمد لله و السلام على عباده... فإذا قرب من المشهد يقول: اللهم اليك قصد القاصدون... فإذا بلغ موضع القتل يقول: اذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا... ثم تدخل القبة و تقف على القبر و تقول: السلام على آدم صفوة الله... ثم تحول الى عند الرأس و قل السلام عليك يا ابا عبدالله... ثم انكب على الضريح و قبل التربة و قل: السلام عليك يا اول مظلوم انتهك دمه... ثم تحول الى جانب القبر و تستقبل القبلة و ترفع يديك و تقول: اللهم ان استغفاري اياك...

و بعد نوبت توسل مى شود كه: اللهم انا نتوسل بهذا الصديق الامام... ثم تحول الى عند الرجلين و قل: السلام عليك يا ابا عبدالله... ذكر زيارة على بن الحسين عليه السلام ثم تحول الى عند رجلى الحسين فقف على على بن الحسين عليه السلام و قل: السلام عليك ايها الصديق... ثم تقول: صلوات الله عليكم... ثم انكب على القبر و قل: زاد الله فى شرفكم... زيارة الشهداء رضوان الله عليهم. ثم تتوجه الى البيت الذى عند رجلى على بن الحسين عليه السلام و تقول: السلام عليك يا ابا عبدالله... ثم تسلم على الشهداء من اصحاب الحسين عليه السلام و تستقبل و تقول: السلام عليكم يا انصار الله... ثم عد الى موضع رأس الحسين صلوات الله عليه و استقبل القبلة وصل ركعتين صلاة الزيارة تقرأ فى الاولى الحمد و سورة الانبياء و فى الثانية الحمد و سورة الحشر أو مائتياً لك من القران فإذا فرغت من الصلوة فقل سبحان ذى القدرة



والجبروت... ثم قَبِّل الضريح و قل: السلام عليك ايها الامام الكريم.... فاذا اردت الوداع فصل ركعتين و قل: السلام عليك يا خير الانام... ثم انكب على القبر و قل: يا مولاي لاتروى النفس من مناجاتك...<sup>۱</sup>.

از تأکید مرحوم سید بر این آداب، به ویژه دستور به جا آوردن دو رکعت نماز، چنین استفاده می‌شود که این زیارت، ماثور و از بعضی از امامان اطهار رسیده است و اگر به این مطلب، قطع پیدا نشود، دست‌کم اطمینان و وثوق پدید می‌آید و همین امر، ما را کفایت می‌کند.

۷. سند این زیارت، از نظر ما بی‌اشکال است؛ به‌ویژه با توجه به تصریح ابن‌مشهدی در مقدمه کتاب المزار. بنابراین می‌توان به طور اکید و اطمینان‌بخش، این زیارت را به حضرت صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه منسوب کرد.





---

## سوگواره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم

---

▣ حجت السلام و المسلمین محمدرضا فؤادیان\*

این زیارت بوی دیگر می دهد      بوی دلبر، پور کوثر می دهد  
بوی مهدی، سرو هستی می دهد      بوی یاسین نای عرشی می دهد  
بوی قائم، بوی امر و مقتدا      اشک قائم، بر شهید کربلا  
زیارت «ناحیه مقدسه»<sup>۱</sup>، سوگنامه تأثرانگیز و مرثیه سوزناک امام

---

\*محقق و پژوهشگر عرصه مهدویت.

۱. در میان زیارت های سالار شهیدان حضرت حسین علیه السلام، دو زیارت از ناحیه مقدسه رسیده است:

الف. زیارتی توسط شیخ محمد بن غالب اصفهانی، در سال ۲۵۲ هـ برای ابومنصور بن عبدالمنعم بن نعمان بغدادی صادر شده، که در این زیارت نامه اسامی هشتاد نفر از اصحاب امام حسین علیه السلام آمده است. این زیارت نامه با توجه به تاریخ صدور آن مربوط به امام هادی علیه السلام است و از موضوع مقاله ما خارج خواهد بود. متن این زیارت نامه در کتاب های زیر آمده است:

اقبال، صص ۵۷۳ - ۵۷۷؛ بحارالانوار، ج ۴۵، صص ۶۵ - ۷۳ و ج ۱۰۱، صص ۲۶۹ - ۲۷۴؛ عوالم، ج ۱۷، صص ۳۳۵ - ۳۴۰؛ ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۱۷؛ کتاب الدعاء والزيارة، صص ۶۵۴ - ۶۵۷؛ رمز المصیبه، ج ۳، صص ۴ - ۱۰؛ انصارالحسین، صص ۱۶۴ - ۱۷۱.

مهدی علیه السلام در رثای امام حسین علیه السلام است که عاشقان و شیفتگان اهل بیت علیهم السلام در روز عاشورا و غیر عاشورا آن را زمزمه می کنند.<sup>۱</sup>

امام زمان علیه السلام، زائر و مرثیه سرا و وارث حسین علیه السلام است؛ کسی که زمان در تحت اختیار او و تمام لحظه ها در مقابل نگاه او است و همواره با نگاهی نافذ، جای جای دشت بلا و لحظه به لحظه حماسه عاشورا و سختی و تلخی واقعه طف را مشاهده، و سوز عطش و سوزش سیلی و تازیانه را بر پیکر عاشورائیان لمس می کند.

زیارت شونده هم، کسی است که نامش رباینده دل، و صحن و

→

ب. زیارتی از ناحیه مقدسه توسط یکی از نوّاب آن حضرت رسیده است. این زیارت نامه در منابع زیر آمده است:

شیخ مفید، مزار، مخطوط؛ المزار الکبیر، صص ۱۶۵ - ۱۷۱؛ بحار الانوار، ج ۱۰۱، صص ۳۱۷ - ۳۲۸؛ کتاب الدعاء والزیارة، صص ۶۹۱ - ۶۹۹؛ رمز المصیبة، ج ۳، صص ۱۰ - ۳۸؛ الصحیفة الیهادیة، صص ۲۰۳ - ۲۲۷؛ الصحیفة المهدویة، صص ۲۸۴ - ۳۲۵؛ کلمة الامام المهدی علیه السلام، صص ۴۴۰ - ۴۵۴.

برای این زیارت نامه شروحی نوشته شده که از آن جمله است: الذخیرة الباقیة، محمدجعفر بن زین العابدین شاملی شیرازی، (فارسی)؛ الشمس الضّاحیة، جمعی از علماء، (فارسی)؛ تحفه قائمیه، حاج شیخ محمدباقر فقیه ایمانی (فارسی)؛ کشف داحیة، برخی از علماء هند، (اردو)؛ همره نور، شرح زیارت ناحیه مقدسه، سید هدایت الله طالقانی؛ سلام موعود، (بیان تحلیلی و توصیفی زیارت ناحیه مقدسه)، دکتر محمد رضا سنگری.

(این مطالب از کتاب نامه حضرت مهدی علیه السلام، صص ۴۳۵، ۸۲۰، تألیف علی اکبر مهدی پور، برداشت شده است).

۱. ر. ک: سید هدایت الله طالقانی، همره نور (شرح زیارت ناحیه مقدسه)، ص ۷۳. (از این کتاب ارزشمند، برای نوشتن این مقاله، بسیار استفاده شده است).

سرایش، آتش افروز جان‌ها و حرمش، آرامگاه قلب و تماشاگاه رازهاست. در حقیقت، این زیارت، آموزه‌هایی از عشق، معرفت، عرفان، سوز، حماسه و توسل است. این زیارت، در عین حالی که مرثیه است و به بیان عمق فاجعه کربلا می‌پردازد، مسئولیت‌آفرین و حرکت‌ساز نیز می‌باشد و از این رو، بر سفیران هدایت عاشورایی شایسته و بایسته است که با عنایت بیشتری به این زیارت توجه کنند و جایگاه والای این زیارت را در مجالس حسینی متذکر شوند.

### سیمای زیارت

این زیارت شامل ده بخش کلی است:

#### ۱. سلام

این نام الهی<sup>۱</sup> و زمزمه بهشتیان<sup>۲</sup>، رمز گشایش و سلامتی است. سلام، کم کردن فاصله‌ها و نشانه نزدیکی قلوب است؛ از این رو، در طلیعه تمامی زیارات، «سلام» وارد شده است.

سلام‌های این زیارت، از غالب زیارات دیگر، بیشتر است و در یک تقسیم‌بندی کلی، می‌توان آن‌ها را در چهار محور قرار داد<sup>۳</sup>:

۱. «إِنَّ السَّلَامَ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ «سلام، نامی از نامهای خدا است»، بحارالانوار، ج ۳، ص ۱۲.

۲. «خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ»؛ «به اذن پروردگارشان در آن‌جا جاودانه‌اند و درودشان در آن‌جا سلام است»، سورة ابراهيم، آیه ۲۳.

۳. ناگفته نماند که سلام‌هایی دیگر مانند سلام بر ملائکه حرم امام حسین (علیه السلام)، فرزندان، برادران و اصحاب آن حضرت و... نیز در این زیارت مطرح است که به جهت اختصار، آن‌ها را ذکر نکردیم.

### الف. سلام بر انبیا علیهم السلام

در ابتدای این زیارت، نام ۲۳ تن از انبیای الهی علیهم السلام ذکر شده است که سلام بر آنها و اعتراف به مقامات و فضایل آنان، زائر را به جایگاه توحید و نبوت، رهنمون می‌سازد. در این رابطه، دقت به دو نکته، ضروری است:

یکم. معدن تمام حسن و جلالت‌ها، ذات اقدس الهی است و «نبوت» رشته پیوند خلق و خالق است و استحکام آن، به امر «ولایت» می‌باشد که در دنباله، به آن اشاره شده است.

دوم. اغلب صفات ذکر شده برای انبیا، یادآور رنج و محنت آن‌هاست؛ مانند صبر ایوب و زکریا، شهادت یحیی و... علیهم السلام؛ که هیچ‌کدام، قابل مقایسه با مصایب کربلا نیست.

### ب. سلام بر اولیای دین علیهم السلام

امام زمان علیه السلام در سه قسمت از این زیارت، به زائر، درس و پیام امام‌شناسی می‌دهد:

یک. در اوایل زیارت؛ که بعد از سلام بر پیامبران آمده است: «السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الْمَخْصُوصِ بِأَخَوْتِهِ السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَتِهِ السَّلَامُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَصِيِّ أَيْمِهِ وَ خَلِيفَتِهِ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ».

در این قسمت، نام چهار تن از اصحاب کسا علیهم السلام با ذکر برخی از خصوصیات آنان، بیان شده است:

• سلام بر امیر مؤمنان، امام علی (ع) که تنها او شایستگی و افتخار برادری با رسول خدا (ص) را داشت.

• سلام بر فاطمه (ع) که دختر و پاره تن رسول خدا بود.

• سلام بر امام حسن مجتبی (ع) که جانشین پدر بزرگوار خود بود.

• سلام بر حسین (ع) که خونش را به اسلام هدیه کرد.

دو. در قسمت دعا و مناجات؛ که در این قسمت، امام زمان (ع) امام شناسی را راه‌گشای توسل، معرفی می‌کنند. لذا زائر، خداوند تبارک و تعالی را به انوار طیبۀ معصومین (ع) قسم می‌دهد و نام امامان نور را - از امام علی (ع) تا امام حسن عسگری (ع) - ذکر می‌کند و سپس درخواستش را عرضه می‌دارد.

سه. در دعای قنوت نماز این زیارت؛ که دوباره یاد ائمه (ع) شکوفا می‌شود. ویژگی‌هایی که در این قسمت، برای پنج تن آل عبا ذکر می‌شود، بسیار حائز اهمیت است.

ج. سلام بر روح زیارت، امام حسین (ع)

در زیارات دیگر، سلام بر سالار شهیدان، یکجا و به صورت کلی آمده است؛ ولی در این زیارت، سلام، گاهی همراه با ذکر فضایل و عملکرد آن حضرت و گاه بر اعضا و جوارح ایشان بیان می‌شود.

ذکر فضایل و مناقب حضرت سیدالشهدا (ع)

«السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ»؛ «سلام بر کسی که در آشکار و نهان اطاعت خدا کرد».

«السَّلَامُ عَلَى مَنْ جَعَلَ اللَّهُ الشِّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ»؛ «سلام بر آقایی که خداوند، شفا را در تربت او قرار داده است».

«السَّلَامُ عَلَى مَنْ الْإِجَابَةُ تَحْتَ قَبْتِهِ»؛ «سلام بر بزرگواری که دعا زیر گنبد او اجابت می‌شود».

«السَّلَامُ عَلَى مَنْ الْأَئِمَّةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ»؛ «سلام بر کسی که امامان از فرزندان او هستند».

«السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ»؛ «سلام بر فرزند خاتم پیامبران».

«السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَكَتَهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ»؛ «سلام بر کسی که ملائکه آسمان، بر او گریه کردند».

سلام بر اعضا و جوارح امام حسین علیه السلام:

«السَّلَامُ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ»؛ «سلام بر محاسن به خون خضاب شده».

«السَّلَامُ عَلَى الْخُذِّ التَّرِيبِ»؛ «سلام بر گونه خاک آلود».

«السَّلَامُ عَلَى الثَّغْرِ الْمَقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ»؛ «سلام بر لبی که با نی زده شد».

«السَّلَامُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ»؛ «سلام بر سری که بالای نیزه رفت».

---

۱. در روایتی آمده است: «أَنَّ اللَّهَ عَوَّضَ الْحُسَيْنَ عَ مِنْ قَتْلِهِ أَرْبَعَ خِصَالٍ جَعَلَ الشِّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ وَ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ تَحْتَ قَبْتِهِ وَ الْأَئِمَّةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ»؛ «به درستی که خداوند سبْحان، در مقابل شهادت امام حسین علیه السلام، سه موهبت به او عنایت کرد: شفا را در تربتش، اجابت دعا را در زیر گنبدش و ائمه علیهم السلام را از ذریه‌اش قرار داد». (مالی طوسی، ج ۱، ص ۳۱۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۱).

هم‌چنین نقل شده است که امام صادق علیه السلام و امام هادی علیه السلام به هنگام بیماری، دستور دادند شخصی به کربلا برود و برای آن‌ها دعا کند. (بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۱۲)



«السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَامِ الْعَارِيَةِ فِي الْفُلُوتِ»؛ «سلام بر اجسادی که برهنه در بیابان رها شدند».

نکته قابل دقت در این فرازها، تبیین عمق فاجعه و شدت ظلم یزیدیان و مظلومیت اهل بیت (ع) است و به راستی، شمشیر منتقم امام زمان (ع) در روز ظهور، پاسخ مناسبی برای این ظلم‌هاست.

#### د. سلام بر حسینیان

یاران امام حسین (ع)، اصحابی فداکار بودند که در رأس اصحاب و یاران تمام انبیا و اولیا (ع) بوده و هستند؛ همان‌طور که امام حسین (ع) فرمود: «فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْفَى وَ لَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي»؛ «من اصحابی با وفاتر و بهتر از اصحاب خود سراغ ندارم».

امام زمان (ع) بر صحابهٔ پاک‌باز و سربازان مخلص امام حسین (ع)، سلام‌هایی دارد که به زائران می‌آموزد برای یآوری ولی زمان (ع)، چگونه باید بود:

«السَّلَامُ عَلَى النَّفُوسِ الْمُصْطَلَمَاتِ»؛ «سلام بر بدن‌های به زنجیر کشیده و اسیر شده».

«السَّلَامُ عَلَى الْأَرْوَاحِ الْمُخْتَلَسَاتِ»؛ «سلام بر روح‌های به پنهانی برده شده».

«السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَادِ الْعَارِيَاتِ»؛ «سلام بر پیکرهای عریان».

«السَّلَامُ عَلَى الْجُسُومِ الشَّاحِبَاتِ»؛ «سلام بر جسم‌های نحیف و رنگ‌باخته».

«السَّلَامُ عَلَى الْأُبْدَانِ السَّلْبِيَّةِ»؛ «سلام بر بدن‌های مسلوب و عریان».

«السَّلَامُ عَلَى الْمُجْدَلِينَ فِي الْفَلَوَاتِ»؛ «سلام بر جنگاوران بیابان».

«السَّلَامُ عَلَى النَّازِحِينَ عَنِ الْوُطَانِ» «سلام بر دور افتادگان از وطن خویش».

## ۲. دل‌دادگی حضرت مهدی علیه السلام به امام حسین علیه السلام

توفیق درک محضر امام حسین علیه السلام و یاری کردن او، از بزرگ‌ترین توفیقات الهی بود که نصیب برخی از خواص عصر امام حسین علیه السلام شد.

امام زمان علیه السلام نیز که عاشق جد بزرگوار خود و مشتاق خدمت به او است، چنین می‌فرماید:

«فَلَيْنَ أُخَرَّتْنِي الدُّهُورُ وَ عَاقَبَنِي عَنْ نُصْرَتِكَ الْمَقْدُورُ وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارِبَكَ مُحَارِباً وَلَمْ أَنْصَبْ لَكَ الْعَدَاوَةَ مُنَاصِياً فَلَا تُدْبِّبْكَ صَبَاحاً وَمَسَاءً وَ لَا أَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا»؛ «اگر روزگار مرا به تأخیر انداخت و مقدرات، مرا از یاری و نصرت تو در روز عاشورا باز داشت، اکنون، هر صبح و شام بر تو ندبه می‌کنم و به جای قطرات اشک، بر تو خون می‌گریم».

## ۳. اوصاف، ویژگی‌ها و سیرت امام حسین علیه السلام

امام زمان علیه السلام در این زیارت، امام حسین علیه السلام را دارای اخلاق نیکو (رَضِيَ الشَّيْءُ)، سوابق درخشان (عَظِيمَ السَّوَابِقِ)، حسب و نسب شریف و

ارزشمند (شَرِیفَ النَّسَبِ، مُئِیَفَ الْحَسَبِ) و منقبت‌های فراوان (كَثِیرَ الْمَنَاقِبِ) معرفی می‌کند. در ادامه به بخشی از این فضایل اشاره می‌شود:

#### الف. فعالیت‌های اجتماعی

«أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْعُدْوَانَ... وَ سَنَنْتَ السُّنَنَ وَ أَطَفَّاتِ الْفِتَنِ وَ دَعَوْتَ إِلَى الرَّشَادِ وَ أَوْضَحْتَ سُبُلَ السَّدَادِ... وَ لِعِمَادِ الدِّينِ رَافِعاً وَ لِلطُّغْيَانِ قَامِعاً وَ لِلطُّغَاةِ مُقَارِعاً وَ لِلْأُمَّةِ نَاصِحاً... تَحُوطُ الْهُدَى وَ تَنْصُرُهُ وَ تَبْسُطُ الْعَدْلَ وَ تَنْشُرُهُ وَ تَنْصُرُ الدِّينَ وَ تَظْهَرُهُ وَ تَكْفُ الْعَابِثَ وَ تَزْجُرُهُ تَأْخُذُ لِلدِّنِّ مِنَ الشَّرِيفِ وَ تُسَاوِي فِي الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوَى وَ الضَّعِيفِ»؛

«ای حسین! گواهی می‌دهم که تو نماز را بر پا داشته و زکات را پرداخته‌ای؛ به نیکی‌ها امر کرده‌ای و از منکرات و دشمنی‌ها، نهی کرده‌ای. سنت‌ها را انجام داده‌ای و آشوب‌ها را فرو نشانده‌ای. مردم را به سوی رشد و تعالی فراخوانده‌ای و راه‌های صلاح را روشن و مبین ساخته‌ای. بر پا دارنده پایه و اساس دین، در هم کوبنده طغیان و سرکشی، تو بر طغیان‌گران، سخت‌گیر و بر امت، نصیحت‌گر، نگهبان هدایت و یاور دین، گستراننده عدالت و یاری‌گر و نمایان‌گر دین بودی. کسی که دین را به بازی گرفته بود از کارش باز داشته و او را منع نمودی. حق زیردستان را از موالیشان گرفتی و در قضاوت، بین قوی و ضعیف به مساوات رفتار کردی.»

## ب. مطیع بودن

امام زمان علیه السلام در این قسمت به زائر می‌آموزد که: باید مطیع مولای خود باشد:

«وَكُنْتَ لِلَّهِ طَائِعًا وَ لِحَدِّكَ مُحَمَّدٌ ص تَابِعًا وَ لِقَوْلِ أَبِيكَ سَامِعًا وَ إِلَى وَصِيَّةِ أَخِيكَ مُسَارِعًا»؛

«شما همواره نسبت به خدا، فرمانبردار، نسبت به جدت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، پیرو و نسبت به فرموده پدرت، مطیع و شنوا بودی و وصیت و سفارش برادر را به انجام رساندی».

## ج. در خدمت مردم و اسلام

«كُنْتَ رَبِيعَ الْإِيْتَامِ وَ عَصْمَةَ الْأَنْامِ وَ عِزَّ الْإِسْلَامِ وَ مَعْدِنَ الْأَحْكَامِ وَ حَلِيفَ الْإِنْعَامِ سَالِكًا فِي طَرِيقَةِ جَدِّكَ وَ أَبِيكَ... وَ لِلْإِسْلَامِ عَاصِمًا وَ لِلْمُسْلِمِينَ رَاحِمًا وَ لِلْحَقِّ نَاصِرًا وَ عِنْدَ الْبَلَاءِ صَابِرًا وَ لِلدِّينِ كَالِثًا وَ عَنِ حَوْزَتِهِ مُرَامِيًا»؛

«تو بهار یتیمان، ملجأ و پناهگاه مردم، عزت اسلام، کانون احکام، هم‌پیمان بخشش و نیکوکاری و رهرو راه جد و پدرت بودی. حافظ اسلام، نسبت به مسلمین، مهربان و برای حق، یاور بودی. در هنگام بلا، صبور و بردبار، محافظ دین و نگهبان آن بودی».

## د. عبودیت

«كُنْتَ لِلرَّسُولِ وَلَدًا وَ لِلْقُرْآنِ سَدًّا وَ لِلْأُمَّةِ عَضُدًا وَ فِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِدًا»

حَافِظًا لِلْعَهْدِ وَ الْمِيثَاقِ نَاكِبًا عَنْ سَبِيلِ الْفَسَاقِ تَتَاوَعَتْ تَاوَعَةُ الْمَجْهُودِ طَوِيلَ  
الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا زُهْدَ الرَّاحِلِ عَنْهَا نَاطِرًا إِلَيْهَا بَعِينَ  
الْمُسْتَوْحِشِ مِنْهَا...»؛

«ای حسین! تو برای رسول خدا، فرزند، برای قرآن، سند و برای امت، بازوی پرتوان بودی. در اطاعت خدا، تلاش گر و نسبت به عهد و پیمان، حافظ و مراقب بودی. از راه فاسقان سر بر می تافتی و هر چه توان داشتی، در راه احیای احکام خداوند، بذل می نمودی. آه می کشیدی؛ آه آدمی که به رنج و زحمت افتاده است. رکوع و سجود طولانی داشتی. نسبت به دنیا، زاهد و پارسا بودی و با دیده ی وحشت زده به آن نگاه می کردی.»

امام زمان (عجلایه) در این عبارت جامع، جد بزرگوار خود، امام حسین (عجلایه) را با ده عنوان وصف کرده است که به نحو مستقیم یا غیرمستقیم، عبودیت حضرتش را بازگو می کند:

- امام حسین (عجلایه) فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است.
- او سند و پشتوانه قرآن (یعنی روح قرآن) است.
- امامت، قوام اسلام است و امام حسین (عجلایه)، بازوی پرتوان امت و دین اسلام، در همه اعصار می باشد.
- در راه اطاعت پروردگار، سخت کوش و تلاش گر بود.
- با خدا و خلق او در عهد و پیمان، استوار و با وفا بود.
- از راه و روش فاسقان روی گردان بود و از راه مسامحه و مداخله وارد نمی شد.

- آه امام حسین علیه السلام دردمندانه بود؛ مانند کسی که بار سنگینی از غصه در دل دارد و درد سینه‌اش جراحی التیام‌ناپذیر است.
- آن حضرت رکوع و سجده‌های طولانی داشت.
- نسبت به دنیا زاهد و بی‌علاقه بود.
- در حالی که نظر دیگران به دنیا، نظر عاشقانه و دل‌پسندانه است، نظر آن حضرت به دنیا، مانند انسان وحشت‌زده بود.

#### ۴. طرح نهضت و زمینه قیام

هر واقعه و انقلابی که در جهان به وقوع می‌پیوندد، نتیجه علل و عواملی است که در به وجود آمدن آن، نقش به سزایی داشته‌اند. پیدایش پدیده عاشورا نیز مرهون علل و عواملی است که رهبر این قیام، امام حسین علیه السلام، این علل را بازگو فرموده؛ که فساد دستگاه خلافت و رهبری، ظهور بدعت‌ها، انحطاط اخلاقی و خطر بازگشت به جاهلیت، بی‌عدالتی و گسترش ظلم و منکرات<sup>۱</sup> و... از آن جمله، محسوب می‌شود.

امام زمان علیه السلام در این خصوص، خطاب به جد بزرگوارش می‌فرماید:

«حَتَّى إِذَا الْجَوْرُ مَدَّ بَاغَهُ وَ أَسْفَرَ الظُّلُمَ قِنَاعَهُ وَ دَعَا الْغَىُّ أَتْبَاعَهُ وَ أَنْتَ فِي حَرَمٍ جَدِّكَ قَاطِنٌ وَ لِلظَّالِمِينَ مُبَايِنٌ جَلِيسُ الْيَتِيمِ وَ الْمِحْرَابِ مُعْتَزِلٌ عَنِ اللَّذَاتِ وَ الْأَحْبَابِ تُتَكَرَّرُ الْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ وَ لِسَانِكَ عَلَى حَسَبِ طَاقَتِكَ وَ

۱. ر. ک: مفرم، مقتل الحسین، صص ۳۹، ۱۳۹، ۱۸۳؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۷۷.

إِمْكَانِكَ ثُمَّ اقْتَضَاكَ الْعِلْمُ لِلْإِنْكَارِ وَ أَلْزَمَكَ أَنْ تُجَاهِدَ الْكُفَّارَ فَسِرْتَ فِي  
أَوْلَادِكَ وَ أَهْلَائِكَ وَ شِيعَتِكَ وَ مَوَالِيكَ وَ صَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَ الْبَيِّنَةِ وَ  
دَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ أَمَرْتَ بِإِقَامَةِ الْحُدُودِ وَ  
طَاعَةِ الْمَعْبُودِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْخِيَانَةِ وَ الطُّغْيَانِ فَوَاجَهُوكَ بِالظُّلْمِ وَ الْعُدْوَانِ»؛

«تا آن گاه که ظلم و بیداد، دست از آستین بیرون آورد و با سلاح  
به میدان آمد و گمراهان، در ضلالت خود غرق شدند؛ در حالی که تو  
در حرم جدت ساکن، و از ستمگران دوری گزیده بودی، در خانه و  
محراب به سر می بردی و از امیال و شهوات بر کنار و با قلب و زبان و  
به مقدار توان، از منکرات، نهی می کردی. آن گاه که موقعیت مقتضی  
گردید، پرچم مخالفت برداشته، و با مخالفان کارزار کردی. با فرزندان  
و خاندان و پیروان و دوستان به راه افتاده، و با حکمت و پند و  
اندرزهای نیکو، [مردم را] به سوی خداوند خوانده و به بر پا داشتن  
حدود و فرمانبری از معبود، امر نمودی و از پلیدی و سرکشی باز  
داشته و با ظلم و ستم مقابله کردی».

### ۵. توصیف صحنه کربلا

این بخش، نقطه اوج این مرثیۀ جان سوز است و هر انسانی که  
توصیف این صحنه ها را می شنود، سیل اشک و طوفان غم و اندوه،  
امان او را می بُرد. امام زمان علیه السلام در این قسمت می فرماید:

«فَجَاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الْإِيْعَازِ لَهُمْ وَ تَأْكِيدِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ فَنَكَبُوا ذِمَامَكَ وَ

بِيعَتِكَ وَاسْخَطُوا رَبَّكَ وَجَدَّكَ وَبَدَّوْكَ بِالْحَرْبِ... وَامْرَ اللَّعِينِ جُنُودَهُ  
فَمَنْعُوكَ الْمَاءَ وَوَرُودَهُ... وَرَشَقُوكَ بِالسَّهَامِ وَبَسَطُوا إِلَيْكَ الْأَكْفُ  
لِلْإِصْطِلَامِ... فَأَخَذُوا بِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ وَاثْنُوكَ بِالْجِرَاحِ... حَتَّى  
نَكْسُوكَ عَنْ جَوَادِكَ هَوَيْتَ إِلَى الْأَرْضِ طَرِيحاً ظَمَانٌ جَرِيحاً تَطْوُوكَ  
الْخَيُْولُ بِحَوَافِرِهَا وَتَعْلُوكَ الطَّغَاةُ بِبَوَاتِرِهَا... وَالشُّمْرُ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ  
وَمَوْلُغٌ سَيْفُهُ عَلَى نَحْرِكَ قَابِضٌ عَلَى شَيْبَتِكَ بِيَدِهِ ذَابِیحٌ لَكَ بِمُهَنْدِهِ...».

«پس از آن که آنان را از کار خود باز داشته و حجت و دلیل را  
برایشان تأکید نمودی؛ بیعت را شکسته و بر پروردگار و جدت خشم  
نموده و با تو جنگیدند... و آن شخص ملعون به لشگریانش دستور  
حمله داد. تو را از آب و وارد شدن به آن باز داشتند... تیرها و  
سنگ‌ها را به طرف تو پرتاب کرده و دست‌های جنایتکارشان را برای  
نابودیت گشودند... پس از هر سو تو را محاصره کرده و زخم‌های  
عمیق بر تو وارد ساختند... تا این که تو را از اسبت انداختند و تو،  
مجروح، بر زمین افتادی. اسب‌ها با سم‌هایشان بر تو تازیدند و  
ستمگران، شمشیرهای برآنشان را بر تو فرود آوردند... شمر بر روی  
سینه‌ات نشست و شمشیرش را بر گودی زیر گلوی تو فرو برد و در  
حالی که محاسنت را با دستش گرفته بود، سرت را با شمشیر خود  
برید.».



## ۶. مرثیه و مصیبت بعد از عاشورا

«وَرُفِعَ عَلَى الثَّنَاءِ رَأْسُكَ وَ سُبِيَ أَهْلُكَ كَالْعَبِيدِ وَ صُفِّدُوا فِي الْحَدِيدِ  
فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِيَّاتِ تَلْفَحُ وَجُوهَهُمْ حَرُّ الْهَاجِرَاتِ يُسَاقُونَ فِي الْبَرَارِ وَ  
الْفَلَوَاتِ أَيْدِيَهُمْ مَغْلُولَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ يُطَافُ بِهِمْ فِي الْأَسْوَاقِ»؛

«سرت بر بالای نیزه قرار داشت و خانواده‌ات همچون بندگان  
اسیر، در غل و زنجیر قرار گرفتند. در فراز پالان‌های چهارپایان،  
چهره‌شان از گرمای ظهر تابستان می‌سوخت و در بیابان‌ها و  
دشت‌های پهناور، پیش برده می‌شدند، دست‌هایشان به گردن‌هایشان  
آویخته و در بازارها آنان را می‌گرداندند».

## ۷. بازتاب این واقعه در اسلام

وقتی که «إذا مات العالم ثلم فی الاسلام ثلثة لا یسدها شیء»؛  
جهان، پس از شهادت امام حسین علیه السلام چگونه خواهد بود؟!  
امام زمان علیه السلام، این ضایعه عظمی را مساوی با کشتن اسلام بیان  
می‌فرماید:

«قَالُوا لِيْلُ لِلْعَصَاةِ الْفُسَّاقِ لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ الْإِسْلَامَ وَ عَطَّلُوا الصَّلَاةَ وَ الصِّيَامَ  
وَ نَقَضُوا السُّنَنَ وَ الْأَحْكَامَ وَ هَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ وَ حَرَفُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَ  
هَمَلَجُوا فِي الْبُعْيِ وَ الْعُدْوَانِ لَقَدْ أَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَوْثُورًا وَ عَادَ كِتَابُ  
اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَهْجُورًا وَ غُودِرَ الْحَقُّ إِذْ قُهِرَتْ مَقْهُورًا وَ قُفِّدَ بِقُدِّكَ التَّكْبِيرُ وَ  
التَّهْلِيلُ وَ التَّحْرِيمُ وَ التَّحْلِيلُ وَ التَّنْزِيلُ وَ التَّأْوِيلُ وَ ظَهَرَ بَعْدَكَ التَّغْيِيرُ وَ

التَّبْدِيلُ وَالْإِلْحَادُ وَالتَّعْطِيلُ وَالْأَهْوَاءُ وَالْأَضَالِيلُ وَالْفِتْنُ وَالْأَبَاطِيلُ»؛

«پس وای بر سرکشان گنه کار که به کشتنت، اسلام را کشتند و نماز و روزه را بیهوده و مهمل گذاشتند. سنت‌ها و احکام را شکستند و پایه‌های ایمان را نابود کردند. آیات قرآن را تحریف، و در فساد و دشمنی، سخت تلاش نمودند. کتاب خدا رها شد و به حق، خیانت گردید. با رفتن تو، تکبیر، تهلیل، تحریم، تحلیل، تنزیل و تأویل از میان رفت. پس از تو تغییر، تبدیل، بی‌دینی، کفر، خواهش‌های نفسانی، گمراهی‌ها، آشوب‌ها، بیهودگی‌ها و باطل‌ها آشکار شد».

#### ۸. بازتاب این مصیبت در کائنات و موجودات

عظمت این مصیبت، به نحوی بود که سرتاسر هستی را عزادار کرد و به ماتم و سوز و ندبه نشاند. امام زمان علیه السلام در این رابطه می‌فرماید:

«فَازْعَجَ الرَّسُولُ وَبَكَى قَلْبُهُ الْمَهُولُ وَ عَزَاهُ بِكَ الْمَلَائِكَةُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ فُجِعَتْ بِكَ أُمَمُكَ الزَّهْرَاءُ وَ اخْتَلَفَ جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ تُعْزِي أَبَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَقِيَمَتْ لَكَ الْمَآئِمُ فِي أَعْلَى عَلِيِّنَ وَ لَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعَيْنُ وَ بَكَتِ السَّمَاءُ وَ سَكَّانُهَا وَ الْجِنَانُ وَ خَزَائِنُهَا وَ الْهَضَابُ وَ أَقْطَارُهَا وَ الْبِحَارُ وَ حَيْثَانُهَا وَ الْجِنَانُ وَ وَلَدَانُهَا وَ الْبَيْتُ وَ الْمَقَامُ وَ الْمَشْعَرُ الْحَرَامُ وَ الْحِلُّ وَ الْإِحْرَامُ...»؛

«پیامبر صلی الله علیه و آله آشفته‌خاطر شد و قلب داغ‌دارش گریست و

فرشتگان و پیامبران به او تسلیت گفتند. به خاطر تو مادرت زهرا علیها السلام، سوگوار و مصیبت‌زده شد. فرشتگان مقرب، برای سوگواری و تسلیت گفتن به پدرت امیرمؤمنان علیه السلام، نزد او می‌رفتند و برای تو در اعلیٰ علّیین، مجلس عزا و ماتم بر پا شد. فرشتگان عزادار شدند و آسمان و ساکنانش، بهشت و خزانه‌دارانش، و کوه‌های گسترده بر روی زمین و کرانه‌هایش، و دریاها و ماهیان‌ش، و جنیان و فرزندان‌شان و خانه خدا و مقام ابراهیم و مشعر الحرام و حلّ و احرام، برای تو گریستند».

خلق را نام حسینی به زبان می‌بینم	هر کجا نام حسین، آه و فغان می‌بینم
همه گویند حسین و همه دارند خروش	از غمش ولوله در کون و مکان می‌بینم
همه گویند حسین و همه نالند ز درد	با حسین این همه را عشق نهان می‌بینم
همه گویند که شد کشته بیداد، حسین	همه را نوحه کنان، تعزیه خوان می‌بینم

## ۹. نیایش و دعا در پیشگاه خداوند

چه زیبا و پر بها است که عرض ارادت به ساحت مقدس سالار شهیدان علیه السلام، وسیله‌ای برای ارتباط و انس با خداوند متعال قرار داده شود. «دعا»، موجب بینش و معرفت عمیق، زمینه آرامش و سکون نفس، ملاک تشخیص رذایل از فضایل، محرک به سوی خوبی‌ها، باز دارنده از کژی‌ها، سازنده روح و روان و ایجاد کننده روح تعهدات اجتماعی است. انگاره‌های یاد شده، در این بخش از این زیارت مقدس، موج می‌زند.

امام زمان علیه السلام ضمن دعا به ما می‌آموزد که توسل به ائمه اطهار علیهم السلام

تنها راه رسیدن به خدا است. با سیر در این دعا می‌آموزیم که محور دعا چیست و چگونه باید دعا کنیم.

### ۱۰. نماز زیارت

شایان توجه است که مکمل این زیارت - خصوصاً قسمت اخیر آن - نماز خاص زیارت است که با سورة انبیا و حشر خوانده می‌شود و دارای یک دعای بسیار عالی، در قنوت است.

### دو پرسش و پاسخ:

#### ۱. چرا زیارت ناحیه در مفاتیح نیامده است؟

هر مؤلفی، با دید خاصی به تدوین کتاب می‌پردازد؛ مثلاً سید رضی - که سخنان حضرت علی علیه السلام را جمع‌آوری نموده - بیشتر در ادبیات و فصاحت و بلاغت خطبه‌ها، متمرکز بوده؛ لذا برخی از سخنان حضرت را نیاورده است.

مؤلف مفاتیح الجنان نیز تمامی ادعیه و زیارات را جمع ننموده؛ مثلاً از ۵۴ دعای صحیفه سجادیه، فقط دعای «مکارم الاخلاق» را در مفاتیح الجنان، آورده است. البته محدث عالی مقام، شیخ عباس قمی رحمته الله در کتاب نفس المهموم به فرازی از این زیارت، استناد و اشاره کرده است.<sup>۱</sup>

بنابراین شاید به خاطر طولانی بودن این زیارت و ذکر «زیارت

۱. نفس المهموم، ص ۲۳۳.

عاشورا» در *مفاتیح الجنان*، ایشان ذکر این زیارت را لازم ندانسته است.<sup>۱</sup>

## ۲. آیا زیارت ناحیه مستند است؟

بله، این زیارت از طریق یکی از نابیان خاص امام زمان علیه السلام به دست برخی از اساتید شیخ مفید، و سپس به شیخ مفید و سید مرتضی و ابن مشهدی رسیده است. زیارت ناحیه، دارای سندهای مختلف و معتبر بوده که در کتابهای این سه بزرگوار، ثبت و ضبط گردیده است. متأخرین، از سید بن طاووس تا زمان حال نیز، آن را نقل و صریحاً تأیید کرده‌اند.

ضمن آن‌که مضامین این زیارت، همسو با روایات و سایر زیارت‌ها است و عبارات گویا و معانی عمیق و دقیقش، شاهد صدقی است که این زیارت از ناحیه معصوم، صادر شده است. چنان‌چه ابن مشهدی در کتاب *المزار الکبیر*، این زیارت را نقل نموده و در مقدمه کتابش فرموده است: «فقط احادیث مستند و صحیح را در این کتاب می‌آورم».<sup>۲</sup>



۱. ر. ک: *همره نور*، صص ۱۲۱ - ۱۲۳.

۲. همان.



بِسْمِ

## پرسش‌ها

### جایگاه جامعهٔ آرمانی در چشم‌انداز عاشورا و انتظار

۱. عصر ظهور را در یک جمله، چگونه می‌توان معنا کرد؟  
الف) عصر تجلی عبودیت حق تعالی، در گسترهٔ جهان  
ب) عصر حکومت عادلانه بر مردم  
ج) عصر پایان جنگ‌های جهانی
۲. گرایش به جامعهٔ آرمانی که در آن، توحید کامل در گسترهٔ جهان هستی ظهور می‌یابد...  
الف) از آرمان‌های مسلمانان است. ب) از گرایشهای فطری بشر است.  
ج) وعده مصلحان به مؤمنان است.
۳. ظهور منجی آخر الزمان...  
الف) وعدهٔ همهٔ پیامبران است.  
ب) یکی از میثاق‌هایی است که پیامبران با خدا بسته اند.  
ج) الف و ب
۴. در عصر ظهور، پیامبران رجعت می‌کنند تا...  
الف) بر مردم قوم خود، حکومت و داوری کنند.  
ب) مردم قوم خود را دعوت به اسلام کنند.  
ج) تحت ولایت ولی اعظم باشند.
۵. عاشورا.....  
الف) کامل‌ترین عبادت تاریخی بشر است.  
ب) کامل‌ترین شکل تقابل میان حق و باطل است.  
ج) الف و ب

## اهداف انقلاب حسینی و انقلاب مهدوی

۶. نقطه پیوند و اهداف مشترک دو انقلاب حسینی و مهدوی عبارتند از:

(الف) آگاهی، آزادی، عدالت (ب) صبر، جهاد، شهادت

(ج) آزادی، صبر، کمال طلبی

۷. عدالت حضرت مهدی عج عدالتی کامل است؛ زیرا:

(الف) رنگ الهی دارد. (ب) فقط فقرا و مساکین را مد نظر دارد.

(ج) خود حضرت، متولی آن است.

۸. امام صادق عج یکی از علل قیام امام حسین عج را چه می داند؟

(الف) جنگ و جهاد با دستگاه یزید

(ب) تلاش برای تبیین حق از باطل و آگاهی دادن به مردم

(ج) اقامه نماز و حج و امر به معروف

## انتظار و تربیت نیرو

۹. در آیه درباره مادگی مطرح شده در آیه «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه»، کدام گزینه

صحیح است؟

(الف) برای آمادگی، اذن امام معصوم شرط است

(ب) برای آمادگی، اذن امام معصوم شرط نیست

(ج) هر کس باید نظر مجتهد خود را ببیند.

۱۰. برای رسیدن به این هدف که جامعه، پذیرای امام معصوم باشد، باید.....

(الف) از راه فرهنگی وارد شد.

(ب) ایجاد روحیه جهاد کرد.

(ج) منتظر امام زمان عج شد.

۱۱. کدام سخن امام حسین عج، بیان هدف قیام ایشان است؟

(الف) خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی ع

(ب) ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر

(ج) الف و ب



## تفسیر ارگانیک از عاشورا و غیبت

۱۲. رخداد عاشورا، تقیه امامان علیهم‌السلام و غیبت امام مهدی علیه‌السلام، همه از نتایج واقعۀ... است.

(الف) سقیفه

(ب) صلح امام علی علیه‌السلام با معاویه

(ج) حرکت مرموزانۀ یهودیت

۱۳. رخداد‌های مهم تاریخ شیعه کدام هستند؟

(الف) بعثت، غدیر، عاشورا، غیبت

(ب) غدیر، عاشورا، غیبت، ظهور

(ج) غدیر، عاشورا، ظهور، رجعت

۱۴. این جمله از کیست؟ «ظهور امام دوازدهم، که در پایان عصر ما روی خواهد داد، کلیه مکنونات منزلات الهی را آشکار خواهد کرد».

(الف) ابن ابی الحدید (ب) هانری کربن (ج) گاندی

۱۵. حرکت تاریخ از دیدگاه اسلام چگونه است؟

(الف) حرکت خطی و رو به پیشرفت است، نه حرکتی دوری

(ب) حرکتی دوری و متکامل است.

(ج) حرکتی حلزونی و یکنواخت است.

۱۶. به گفتۀ حمید عنایت، کدام مفاهیم با فرهنگ شیعه گره خورده است؟

(الف) شهادت، تقیه (ب) شهادت، دفاع (ج) شهادت، انتظار

۱۷. معنای این عبارت چیست؟ «الاسلام محمدی الصدور و حسینی البقاء»

(الف) اسلام محمدی صادر شده است و نهضت امام حسین علیه‌السلام باقی است

(ب) اسلام محمدی در صدر همه مکاتب است و بقای آن به امام حسین علیه‌السلام است.

(ج) اسلام به وسیله پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تأسیس شد، اما دوام آن به وسیله امام حسین علیه‌السلام بود.

۱۸. آیا این عبارت درست است: «در مبانی کلامی شیعه، همان طور که واقعۀ عاشورا از عوامل تاریخی رخداد غیبت است، عصر ظهور نیز تفسیر دوبارۀ عاشورا و بازگشت

به اهداف امام حسین علیه‌السلام تقلی می‌شود.

(الف) درست است. (ب) نادرست است.

(ج) کلام اهل سنت است.

۱۹. چه کسی موضوع غیبت امام مهدی علیه السلام را دائمی‌ترین عنصر تاریخ اندیشه شیعی می‌داند؟

الف) هانری کربن      ب) حامد الگار

ج) عبدالفتاح عبدالمقصود

### دو قیام حق طلبانه

۲۰. براساس تحلیل فلسفی- تاریخی، نهضت امام حسین علیه السلام در امتداد... می‌باشد.

الف) قیام پیامبران و صالحان      ب) خلقت آدم علیه السلام

ج) تکامل تاریخ بشر

۲۱. مهمترین شاخصه و ویژگی قیام مهدوی... خواهد بود.

الف) حق طلبی و تلاش برای حاکمیت خیر و ایمان و حق

ب) مبارزه با باطل و اجرای حدود الهی در جامعه

ج) عدالت محوری و مبارزه با حکومت‌های استبدادی

۲۲. امام حسین علیه السلام مهم‌ترین اختلاف خود با بنی امیه و یزید را در رابطه با... می‌دانست.

الف) عدالت      ب) حق      ج) معاد

۲۳. محورهای مهم حق‌گرایی حق‌طلبی در نظر امام حسین علیه السلام عبارت است از:

الف) توحید، امامت و ولایت

ب) احیای نشانه‌های راستین دین خدا، از بین بردن بدعت‌ها، اصلاح جامعه فاسد

ج) الف و ب

۲۴. براساس دیدگاه اسلام در فلسفه نظری تاریخ:

الف) حق و ایمان با قیام امام حسین علیه السلام تحقق یافت.

ب) سپاه ظلمت و حکومت کفر با شهادت امام حسین علیه السلام مستحکم شد.

ج) حق و ایمان با قیام و پیروزی امام مهدی علیه السلام به طور کامل تحقق خواهد یافت.

۲۵. این حدیث، تأویل کدام آیه است؟ «هنگام خروج حضرت قائم علیه السلام حق آل

محمد صلی الله علیه و آله تثبیت می‌شود و باطل، از بین می‌رود».

الف) جاء الحق و زهق الباطل

ب) لیحق الحق و یبطل الباطل و لو کره المجرمون

ج) الف و ب

۲۶. سرّ خون‌خواهی امام حسین علیه السلام توسط امام مهدی علیه السلام در چیست؟

(الف) انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام (ب) تشفی قلوب شیعیان

(ج) عدم ماندگاری باطل

۲۷. پیام‌ها و اهداف نهضت مهدوی چیست؟

(الف) حق‌گرایی، عدالت‌گری، ظلم‌ستیزی

(ب) هدایت‌گری، ارشاد بشر، احیای آموزه‌های دین، تشکیل حکومت

(ج) الف و ب

### دلایل پیوند عاشورا و انتظار

۲۸. امام علی علیه السلام در تأویل آیه شریفه «و النهار اذا تجلها» چه فرموده‌اند؟

(الف) منظور از آن، قائم آل محمد علیه السلام است که زمین را پر از قسط و عدل می‌کند.

(ب) منظور از آن، صبح قیامت است که همه چیز را آشکار می‌گرداند.

(ج) منظور از آن، روشنی حق است که باطل را نابود خواهد ساخت.

۲۹. این روایت نورانی از کیست؟ «اکنون اول من نیشق الارض عنه فاخرج»؛ «من

اولین کسی خواهم بود که زمین شکافته می‌شود و رجعت می‌کنم».

(الف) امام علی علیه السلام (ب) حضرت فاطمه علیه السلام

(ج) امام حسین علیه السلام

۳۰. این روایت، به کدام یک از جهات پیوند مکتب عاشورا و انتظار، ناظر است؟ «قام

القائم و ليس في عنقه بيعة لأحد» «قائم قیام می‌کند در حالیکه در قبال هیچ کسی

بیعتی ندارد».

(الف) استراتژی سازش‌ناپذیری و عدم بیعت در برابر طاغوتیان و ستم‌گران، در

هر دو مکتب وجود دارد.

(ب) اهداف و انگیزه‌ها در هر دو مکتب، یکی است.

(ج) رهبری هر دو مکتب، با امام معصوم است و آن دوبرگوار از خاندان

واحدی می‌باشند.

## درس‌های عاشورا برای منتظران

۳۱. بهترین عاملی که بین منتظران حضرت مهدی علیه السلام و آن بزرگواران، پیوند برقرار می‌کند، چیست؟

الف) یاد کردن آن حضرت و صدقه دادن برای سلامتی ایشان.

ب) دعا برای تعجیل در فرج آن امام

ج) معرفت امام

۳۲. این فراز از زیارت حضرت صاحب الزمان علیه السلام چه درسی برای منتظرانش دارد؟  
«فأبذل نفسي و مالي و ولدی و جمیع ماخولنی ربی بین یدیک».

الف) صبر و پایداری تمام در راه آن حضرت

ب) فریاد بر علیه ظلم و طغیانگری با جان و مال

ج) وفا داری و صداقت در عهد و پیمان

## زن در آینه قیام حسینی و قیام مهدوی

۳۳. حضرت مهدی علیه السلام چه کسی را به عنوان الگوی شایسته و تمام عیار برای خود، معرفی فرموده اند؟

الف) حضرت ابراهیم علیه السلام

ب) پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری علیه السلام

ج) دختر رسول خدا حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

۳۴. بنابر حدیث امام باقر علیه السلام چند نفر از یاران خاص امام زمان علیه السلام از زنان می‌باشند؟

الف) ده نفر

ب) دوازده نفر

ج) پنجاه نفر

۳۵. این سخن از کیست؟ «زن نقش بزرگی در اجتماع دارد. زن مظهر تحقق آمال بشر است. زن پرورش‌دهنده زنان و مردان ارجمند است، از دامن زن، مرد به معراج زن می‌رود. دامن زن جایگاه تربیت زنان و مردان بزرگ است»

الف) حضرت امام خمینی رحمته الله

ب) شهید بهشتی رحمته الله

ج) شهید مطهری رحمته الله

۳۶. خانواده مسیحی که در راه سفر امام حسین علیه السلام به کوفه، فیض تشریف به اسلام و همراهی با امام علیه السلام نصیبشان گشت، کدام است؟
- (الف) زهیر بن قین و همسرش (ب) حر ریاحی و فرزند و برادرش
- (ج) وهب و مادر و همسرش

### سوگواره امام مهدی علیه السلام

۳۷. در رابطه با زیارت ناحیه، کدام گزینه صحیح است؟
- (الف) زیارتی است که امام سجاد علیه السلام به هنگام زیارت قبر امیر المومنین علیه السلام بیان فرمودند.
- (ب) زیارتی است که امام صادق علیه السلام آن را برای زیارت امام حسین در روز اربعین به صفوان جمال تعلیم دادند.
- (ج) سوگنامه تأثیر انگیز و مرثیه سوزناک امام مهدی علیه السلام برای امام حسین علیه السلام در روز عاشورا است.

۳۸. در ابتدای زیارت ناحیه مقدسه، نام چند تن از انبیاء الهی ذکر شده است؟
- (الف) نام ۵ پیامبر اولوالعزم الهی به جهت مقام و منزلت ویژه‌ای که دارند.
- (ب) نام ۲۳ تن از انبیای الهی که اعتراف به مقام و فضایل آنان، زائر را به جایگاه توحید و نبوت رهنمون می‌سازد.

- (ج) تنها نام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ذکر شده است؛ زیرا نام او نام همه انبیای الهی است.
۳۹. این کلام نورانی مربوط به کدامیک از ائمه هدی علیهم السلام می‌باشد؟ «فإني لأعلم أوفى و لا خيراً من أصحابي».

- (الف) امام حسین علیه السلام در توصیف یاران خود
- (ب) امام عصر علیه السلام در توصیف یاران
- (ج) امام صادق علیه السلام در توصیف شاگردان مکتبشان
۴۰. این فراز از زیارت ناحیه مقدسه چه پیامی دارد؟ «و كنت لله طائعاً و لجدك محمد صلی الله علیه و آله و سلم تابعاً و لقول إبيك سامعاً و ألى وصيه أخيك مسارعاً».
- (الف) باید مطیع مولای زمان بود.
- (ب) باید به وصیت مسلمانان عمل کرد.
- (ج) باید حرمت بزرگان را نگاه داشت.

۴۱. آیا زیارت ناحیه مقدسه، در کتاب شریف مفاتیح الجنان آمده است؟

الف) بله، این زیارت در بخش پایانی مفاتیح آمده است.

ب) خیر، زیرا در سند این زیارت تردید است.

ج) خیر، به خاطر طولانی بودن این زیارت و ذکر زیارت عاشورا، مولف، ذکر آن را لازم ندانسته است.

۴۲. بنابر روایات، ملاک سنجش ایمان چیست؟

الف) حسن امانت و راستی در گفتار ب) طول رکوع و سجود و زیادی روزه

ج) حضور شجاعانه در میدان جهاد حق علیه باطل

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: .....

تاریخ تولد: ..... صادره: .....

نشانی و شماره تلفن:

.....  
.....

ردیف	الف	ب	ج
۲۲			
۲۳			
۲۴			
۲۵			
۲۶			
۲۷			
۲۸			
۲۹			
۳۰			
۳۱			
۳۲			
۳۳			
۳۴			
۳۵			
۳۶			
۳۷			
۳۸			
۳۹			
۴۰			
۴۱			
۴۲			

ردیف	الف	ب	ج
۱			
۲			
۳			
۴			
۵			
۶			
۷			
۸			
۹			
۱۰			
۱۱			
۱۲			
۱۳			
۱۴			
۱۵			
۱۶			
۱۷			
۱۸			
۱۹			
۲۰			
۲۱			

امتیاز: